

## کف بینی یا فال بر اساس خطوط دست: شناخت کف بینی و فال به وسیله خطوط دست بر اساس مستندات چیرو

چیرو یکی از سرشناس ترین فال بینیهای جهان بوده که اغلب فال بینیهای جهان نیز به وی مراجعه کرده و از پیشگوییهای وی بهره می بردند. این شخص در سالهای پیری به ناگاه از کار فال بینی دست کشیده و انزوا را پیشه خود ساخت. او بعد از سالها معلوم نمود که هدف خاصی را در این نوع انزوا نشینی تعقیب می کرده است. او در این مدت توانسته بود کتابهای ارزشمندی را به جهانیان تألیف کرده و عرضه نماید. او پس از اینکه کار و اهدافش را آشکار کرد، مشخص نمود که سالیان سال گرچه در خدمت به مردم و از طری بیان آینده آنها تلاش نموده است، خود افتناع نشده و آن را دلیلی بر خدمت واقعی به مردم نشمرده بود. چیرو می دانست که به پایان خط رسیده و دیگر عمری برایش باقی نیست که خود را تنها در راستای بیان آینده آنها وقف نماید و بدین جهت در صدد آن بود که به نحوی آنچه را که در نظرش بود برای همیشه برای آیندگان به یادگار بگذارد. ناگفته نماند که چیرو فال بینی ساده و یا معمولی نبود و تنها در مسایل عادی از جمله ازدواج و یا مسایل مالی و شغلی آینده نگری نمی کرد. در واقع آینده نگری و بیان آینده انسانها برایش موهبتی بود که به طریقی برایش هدیه شده و از آن مسیر چیزهایی را آشکار کرد که در زمان خود و بعد از آن نیز حیرت جهانیان را به خود جلب کرد. او بیان می داشت که هر کسی می تواند آینده نگر باشد. زیرا خداوند به انسانها عقل و فراست داده و اگر انسان بتواند می تواند از طریق همین عقل و جهاز مختلف آن مسیر زندگیش را آنگونه که امروز شروع کرده، در آینده تشخیص دهد. البته شاید به نظر برسد که او قد خاصی داشته و می خواسته ادعا نماید که روشها و عملکردهای امروز آینده بشر را می ساخته است؛ اما اینگونه نبوده و او بیان می داشت که بشر در هر شرایطی می تواند مسیر زندگی و بخت و اقبال خویش را خود ترسیم نماید. او به همین خاطر و برای اینکه نکته نظراتش را برای

انسانهای آتی بشناساند و معرفی نماید، دست به کار تألیف زد و در کل بیان داشت که: وای بشر! بیدار باش که بخت و اقبال خوش در دست خود نوست.

چیز و ادعا می‌کرد که وقتی پدر و مادر قصد دارد کودکی را ایجاد کرده و زمینه تولد او را فراهم نماید تنها وظیفه‌اش این نیست که به لذات جنسی خود بیندیشد و یا به احساسات غرور و خود خواهی خود و امتیازات مانکنیتی خویش نظر داشته باشد که باید و باید صاحب فرزند شود. والدین اگر چنین هدفی دارند و می‌خواهند فرزندش داشته باشند، مهمترین وظیفه آنها قبل از احساس نیاز به فرزند این است که بدانند در چه روزی و در چه ماهی و در چه ساعتی بهتر است نطفه فرزند خود را برای باروری آماده سازند. بعد از اینکه کودک به دنیا آمد وظیفه دارند که نام خوب و تأثیرات آن نام را در نظر داشته باشند و نامگذاری نمایند. به عبارتی روشنتر چیزی می‌خواست ادعا کند و بیان دارد که اقبال خوب و یا بد بشر در دست خود و والدینش است. او با مطالعه و تحقیقات خود دریافته بود که ستارگان و حروف و محیط، هر کدام میادین مغناطیسی و انرژیایی دارند که به نوبه خود می‌تواند بر میدان مغناطیسی ژنیت انسان تأثیر بگذارد. زمانی که نامی بر کودکی نهاده می‌شود، حروف ابجد آن نام می‌تواند در روحیه و جسم کودک تأثیر بگذارد. وقتی نطفه کودکی در ماه و زمان مناسبی و یا بهترین ایام بسته نشود، این احتمال وجود دارد که انرژیهای ناموزون و ناجور در همان موقع و یا ماه آینده کودک را تحت تأثیرات منفی قرار دهند. از این رو او تلاش می‌کرد که انسانها را به این امر متقاعد سازد که ساختن آینده خوب و بد در دست خود انسان است و مادامی که انسان عقل دارد و می‌تواند حقایق و مسایل را درک کند، چرا بایستی بر روی خرافات تاکید داشته باشد. او بر همین اساس و با تکیه بر این بار کتابهایی را به رشته تحریر در آورد که ثابت کرد همین انرژیهای منبعث از ایام، ساعات و حتی حروف نام شخص و محلی که در آن زندگی می‌کند و آب و هوایی که در آن استنشاق می‌نماید، می‌تواند خط سیر زندگی خوب یا بد بشر را رقم بزند.

چيرو در زمان حيات خود بارها در دربار شاهان و ملکه‌ها و سلاطين و حتى برترين سياستمداران جهان به خدمت گرفته شد و در مورد آينده نگري و سرنوشت آنها به بحث و ارائه نظر پرداخت. او با شناخت ماههاي تولد و نام آنها، احتمال خطراتي را که دوري و گريز از آنها اجتناب‌ناپذير بود، براي شاهان، سلاطين و رؤساي جمهور بيان داشت و به همان شيوه با استناد به انرژيهاي اعداد و ارقام و ساعات، راههاي رفع خطرات و ياکاهش احتمال صدمات را بيان داشت و در اين کار موفق بود. از اين رو در دنياي غرب و علم روان‌شناسي و نجوم نام چيرونه به عنوان يک فال بين ساده که به عنوان فردي دانشمند و آينده نگر و انرژي شناس معروف بوده و قابل احترام است.

يکي از آثار مهم او در اين زمينه کتاب «کف بيني يا کف‌شناسي» است که به طريقت خطوط موجود در دستان آدميان، مي‌توان به سرنوشت آنها پي برد. لازم به ذکر است که اين خطوط باز از انرژيهاي موجود در زمان نطفه بستن، رشد يافتن، محيط زندگي، نوع تغذيه و

### پيشگوييهاي چيرو

چيرو يکي از پيشگويان و فال بينهاي برجسته زمان خود بود. شخصيت بسيار متعالي و نيرومند وي باعث شده بود که در ميان خاص و عام داراي شهرت و مقبوليت منحصر به فردي گردد. محققاً او داراي قابليت بود که اگر مي‌خواست با استعداد خويش مي‌توانست در هر زمينه‌اي موفق و مشهور گردد ولي او به خاطر اينکه دوران جواني و ميان سالي را در سرزمينهاي شرق و مخصوصاً مردم هندوستان سپري کرده و با علماي آنها آشنا شده و از درويشان بهره‌هاي فراواني برده بود، استعداد و توانايي خود را به خوبي شناخته و تصميم گرفته بود در اين زمينه به جهانيان خدمت نمايد. او ساليان سال در ميان هندوان، چيني‌ها و ايرانيان زندگي کرده و علوم فلسفي و منطق و حتى ادبان آنها را به خوبي مطالعه کرده و دريافته بود که در دروس ديني آنها مطالبی نهنته است که تماماً با انرژيهاي دنياي متافيزيک در ارتباط است و اين نيرو مي‌تواند همه چيز را به طريق مثبت و منفي دگرگون سازد.

زمانی که او به سرزمین خود و جهان غرب برگشته بود که فرهنگ و تمدن خاصی بر آن حکمفرمایی می‌کرد و با تمامی آنچه که سالیان سال دیده بود، تفاوت داشت، به ادعای خودش دریافته بود که این جهان و مردمانش بیش از مردمان جهان شرق نیازمند قدرت متافیزیک و علوم آن می‌باشند. در عرض بیست سال و اندی اقامت خود در غرب توانسته بود اطرافیان و شخصیت‌های برجسته سیاسی و علمی را به خود جلب نماید. او معنویت را که در جهان شرق فرا گرفته بود به سهولت با علوم بدیع و واقعی که خداوند در بطن تمامی مخلوقات خود به ودیعه نهاده، قالب داده و برجسته‌ترین عالمان جهان غرب را قانع به این بناخته بود که راهی را که آنها بدون توجه به معنویت طی می‌نمایند، به نهایت بی نتیجه خواهد بود. او بیانمی‌داشت که بشر غربی اگر در کنار امکانات و قدرت علمی و تکنولوژیکی که دارد می‌تواند با بهره‌گیری از معنویت موجود به درجه‌ای از موفقیتها برسد که انسان از درک آن به شگفتی بینند. او تیمای مسایل در خلقت می‌دانست و بیان می‌داشت که رازی در این جهان نیست که بدون پرده باشد. خداوند همه چیز را در ارتباط با یکدیگر و تأثیر و تأثر از همدیگر قرار داده و اگر مشکلی برای جوامع بشری ایجاد می‌شود از ناحیه جهالت انسان و عدم شناخت وی به قدرت انرژیهای موجود در موجودات است.

او در طول حیات خود سعی کرد بسیاری از این رازها را بشناساند و اگر امروزه بشر قرن بیست و یکم قادر شده است در مسیر انرژیهای متافیزیک تا حدودی موفق شود و زمینه‌های تأثیری تله پاتی، یوگا و اجضار ارواح و رابطه با دنیای مردگان را بشناسد و رازهای خواب را بشناسد تماماً مدیون این فرد می‌باشد. چیزی در زمان حیات خود بارها از سوی شاهان، سلاطین، پرنسها و رؤسای جمهور کشورهای مختلف اروپایی دعوت گردید تا در رابطه با آینده‌شان بحث نماید. او به هیچ وجه خیالبافی نکرده و عوامفریبی ننموده بود. او با تکیه بر خطوط دست انسانها و شخصیتها و با توسل به سیمای آنان توانسته بود آینده افراد را بیان دارد و توضیح دهد. او در طول حیات خویش مورد حمایت بسیاری از این افراد سرشناس قرار گرفت و به همین خاطر شاگردان بسیاری را در گرد خود جمع کرد و پرورش داد.

ملکه ویکتوریا یکی از طرفداران پر و پا قرص چیرو بود. او در زمان حیات ملکه بیان داشته بود که وی در سالی که ملکه وفات یافت

به یقین از دنیا خواهد رفت. ادوارد دوم پادشاه انگلستان نیز از جمله افرادی بود که از چپرو حمایت می‌کرد. چپرو در رابطه با سرنوشت وی و زمان مرگش و حتی چگونگی وفات وی توضیحاتی داده بود که تمامی آنها به تحقق پیوسته بودند. چپرو توانسته بود عاقبت بد فرجام تزار روس را نیز توضیح داده بود و همانگونه که گفته بود، اتفاق افتاد. در زمان حیات او میرتو<sup>۱</sup> پادشاه ایتالیا بارها به آن کشور فرا خوانده شده و در رابطه با اتفاقات احتمالی از چپرو نظر خواهی شده و در یک مورد به پادشاه اخطار داده بود که بی محابا در میان رعایا نگردد، زیرا به توسط فردی از رعایا ترور خواهد شد و بدین گونه نیز شد. در زمانی که مظفرالدین شاه قاجار قصد داشت به سفر فرانسه خود اقدام نماید، از طریق سفیر ایران در پاریس خبر رسانده بود که اگر وی به پاریس بیاید، جانش در خطر است و بهتر است سفر خود را به تأخیر بیندازد ولی شاه ایران توجهی به این پیام نکرده و در سفر خود رد شهر پاریس مورد سوء قصد قرار گرفته بود.

### پیشگویی ماجرای کشتی تایتانیک

حوادث و پیشگویی‌هایی که چپرو در طول تاریخ انجام داده و تمامی آنها به تحقق رسیده بودند، در تمامی مکتوبات تاریخی ذکر و قید شده‌اند. مهمترین پیشگویی که وی در زمان حیات خویش انجام داد، در مورد ساخت کشتی بزرگی بود که بایستی در میان آبهای اقیانوس اطلس غرق می‌شد. حتی او توانسته بود نام تایتانیک را نیز ذکر نماید. گرچه تا به امروز مشخص نشده که او از چه منبع الهامی این مطلب را درک کرده بود ولی این اتفاق در طول تاریخ رخ داد و کشتی عظیمی بعد از جنگ جهانی اول ساخته شد که نام آن را تایتانیک نهادند و به عاقبت در میان آبهای اقیانوس اطلس غرق گردید.

جالب‌تر اینکه یکی از کشته شدگان حادثه کشتی تایتانیک لرد کیشنر<sup>۱</sup> بود که در زمان حیات خود که هنوز به درجه افسری نرسیده بود، به چپرو مراجعه کرده و در رابطه با آینده خویش سؤال نموده بود. چپرو به وی خبر داده بود که وی در استخدام ارتش انگلستان در آمده و در سن ۶۳ سالگی در اثر حادثه‌ای از دنیا خواهد رفت. لرد از وی جو یا شده بود که مرگ وی چگونه خواهد بود که چپرو در پاسخ

بیان داشته بود که در میان آبهای توفانی غرق خواهد شد. این موضوع سالیان سال در ذهن لرد جای گرفته و تداعی شده بود تا اینکه کیشنر به درجه لردی رسیده و جنگ معروف هامپ شایر<sup>۱</sup> اتفاق افتاده بود. کیشنر در این نبرد بزرگ که در زمان جنگ جهانی اول رخ داده بود به همقطاران خود ماجرای مرگ و چگونگی مرگش را بیان داشته و ادعا کرده بود که در این جنگ به نهایت در اثنای نبرد در میان آبهای توفانی کشته خواهد شد ولی این اتفاق رخ نداده و بعد از جنگ ژنرال دو بالینکور<sup>۲</sup> به تمسخر به وی گفته بود که عزرائیل از کشتن وی پشیمان شده است.

اما زمانی که لرد کیشنر سن خود را تخمین زده و دریافته بود که هنوز به سن ۶۳ سالگی نرسیده است و یک سال به آن سن باقی می ماند، یقین کرده بود که در این حادثه و حدس و گمان خویش دچار اشتباه شده است و به ژنرال و دیگران اعلام داشته بود که تقصیر خودش بوده و به خطا چنان تصور کرده است و هنوز یک سال از عمرش باقی است. تا اینکه ماجرای کشتی تایتانیک اتفاق افتاده و لرد کیشنر در همان کشتی در میان انسانهای بشمارای در قعر آبهای اقیانوس غرق گردید. این اتفاق دقیقاً زمانی رخ داده بود که لرد پا به سن ۶۳ سالگی نهاده بود.

چیز در رابطه با دلبیوتی استید<sup>۱</sup> نیز که یکی از روزنامه نگاران برجسته بود، پیشگویی خاصی کرده و ماجرای وی به تحقق پیوسته و در مکتوبات تاریخی قید شده است. چیزی به این روزنامه نگار جوان نیز در زمان حیاتش اعلام داشته بود که مرگ وی در شرایطی اتفاق خواهد افتاد که در درون آب غرق می شود. همانگونه که در تاریخ قید شده است، استید نیز یکی از نفراتی بود که در حادثه جانخراش تایتانیک غرق گردیده بود.

### ماجرای عشقی و عاطفی بزرگ در تاریخ

چیز در زمان حیاتش به حضور دوک ویندسور<sup>۲</sup> فرا خوانده شده و از روی خطوط کف دست دوک طالع و آینده وی را بیان داشته بود. در این جریان به دوک اعلام داشته بود که به زودی در زندگیش دچار ماجرای عشقی بزرگی خواهد شد که زندگی وی و بسیاری از مردم

منطقه تحت قلمرو دوک و حتی صفحات تاریخ را دگرگون خواهد کرد. متذکر گردیده بود که دوک چنان اسیر این عشق خواهد شد که حتی حاضر خواهد بود همه چیز خود را از دست بدهد ولی از جدا نشود.

به نهایت این اتفاق افتاد و دوک ویندسور به دلیل علاقمندی و ایجاد رابطه با زنی که شوهر داشت به بدنامی مشهور گردید و علیرغم اینکه بسیاری تلاش کردند که او از قید و بند این عشق رهایی یافته و به فکر تخت و حکمرانی خود باشد، ولی دوک به هیچ نحوی از انحاء قانع نشده و بارها به خفا با او ارتباط برقرار کرده و به نهایت از سوی دادگاه و مجلس انگلستان محکوم به اعدام گردید و تخت و سلطانی را به بهای عشقی بی فرجام فدا کرد.

چیز و بر اساس همین ماجراها در دنیا مشهور گردیده بود. در زمان حیاتش بارها در میان شهرهای پاریس، لندن، نیویورک، شیکاگو، سن پترزبورگ (لنینگراد سابق) و رم سفر کرده و در رابطه با سرنوشت سلاطین و سیاستمداران و امپراتوران به ایضاح پرداخته بود.

زمانی که پا به سن پیری نهاد، کنفرانسهایی را ترتیب داده و این کنفرانسهها غالباً از سوی آکادمیهای کشورهای معروف اروپایی ترتیب می یافتند. او در طول حیات خویش برخی از حوادث را نیز تخمین زده و پیشگویی کرده بود که بعد از مرگش تمامی آنها صورت واقعیت به خود گرفتند. از این رو در این کتاب آنچه را که چیرو به عنوان خطوط شاخص در طالع انسان بیان داشته و توضیح می دهد، جدی گرفته و به دقت آنها را مطالعه نمایید. یقین بدانید که با شناخت خطوط دستان خود خواهید توانست آینده خویش را به روشنی درک کنید. با این امید که آینده ای درخشان زندگی همه شما را مزین سازد.

### موجدان علم کشف بینی یا فال به وسیله دست:

تا به امروز شاید هیچ از خود نپرسیده اید که به راستی ایجاد کنندگان علم کف بینی و یا کف شناسی چه کسانی بوده اند، مگر نه؟ حتماً شما نیز از جمله انسانهایی بودید و یا هستید که باور داشته اید علم کف شناسی، علم نبوده و موضوعی باطل می باشد. آری، این نوع افکار امروزه نیز متأسفانه در بین مردم رواج دارد و تصور می نمایند که

کف بینی وسیلهٔ امرار معاش عده‌ای دوره‌گرد و یا کولی می‌باشد که می‌خواهند از آن طریق و به واسطهٔ عوام فریبی درآمد روزانهٔ خود را کسب نمایند. اما حقیقتی را باید بدانید که اگر شما نیز از جمله انسانهایی هستید که چنین تصوراتی نسبت به علم کف بینی دارید، باید گفت که در رابطه با علم کف بینی چیزی نمی‌دانید.

علم کف بینی برای نخستین بار در میان هندوها شکل گرفت و کشف گردید. در آن زمان علم هنوز به مرحله‌ای از پیشرفت خود نایل نیامده بود که بشر بتواند به وسیلهٔ آن برخی از حقایق را برای بشریت آشنا ساخته و معرفی نماید. با اینحال آنچه که به عنوان حقایق علم کف بینی برای مردمان و دانشمندان هند آشکار شده بود، جنبهٔ جادو و طلسم را داشت. هندوها که بر اساس کتب دینی خود و با توجه به تعالیمی که فراگرفته بودند، انسان را مهم‌ترین و بزرگترین موجود خلقت می‌دانستند و در عین حال تنها موجود کامل در کائنات به حساب می‌آوردند. در نگاه آنها انسان به راستی فرزند خداوند بود و باور داشتند که دنیا و هر آنچه در اوست تنها و صرفاً برای انسان خل شده‌است. آنها با همین دانش و باور به این نتیجه رسیده بودند که اگر بر روی انسان بیشتر تأمل نمایند و رازهای وجودی او را دریابند، به یقین پی به موجودیت و قدرت خداوند خواهند برد.

انسان هندی همیشه خداوند و منشاء قدرت را در کائنات و آسمانها می‌دانست و نگاهش مدام به سوی آسمانها بود. عظمت و تعداد بیشمار ستاره همیشه انسان هندی را تحت تأثیر قرار داده بود و با توجه به آنچه که قبلاً توضیح دادیم و گفتیم که انسان باور داشت که همه چیز در جهان صرفاً برای او بوده و آفریده شده است، به ناچار وجود آن همه ستاره را نیز بیهوده ندانسته و باور کرده بود که آن ستارگان برای انسان بوده و راز زندگی اعمار گذشته و آینده در آن ستارگان نهفته است. بر همین اساس نخستین حرکت عالمانه و تحقیق گرانهٔ خود را از ستارگان آغاز کرد و از این جهت بود که نخستین علم کاملی با توضیحات و جزئیات همانا علم نجوم یا به گفتهٔ امروزی، همان ستاره‌شناسی بود که در زندگی انسان خود را آشکار ساخت. باید اعتراف کرد که هندوها در این علم‌ها همهٔ ملل پیشرفته‌تر بودند و باز آنها بودند که اعداد «فادیک» را کشف نمودند.



## تأثیرات ستارگان:

در طول سالیان متمادی و بر اساس تحقیقات به عمل آمده به این نتیجه رسیده بودند که هر ستاره‌ای برای انسانی در نظر گرفته شده و تمامی حالات و انرژیهای موجود در ستاره بر روی انسان مورد نظر و مخاطب ستاره تأثیر دارد. آنها در جریان این پندار به کشف برجهای فلکی و صورتیهای آن موفق شده و علم تأثیر برجهای فلکی بر روی انسان که امروزه به نام بررسی «زودیاک» معروف است، تا به امروز جریان داشته و بسیاری از انسانها به این قضیه اعتقاد داشته و باور دارند که ستارگان و برجهای فلکی در هر ماه ارتباطی دارند که بر اساس همان ارتباطات، تأثیرات لازم را بر روی فرد می‌گذارند. آنان به میزان ماههای سال، برجهای فلکی را تعریف کردند که برای مثال برای اردیبهشت ماه، برج گاو، برای خرداد ماه، برج دوقلو و... در نظر گرفتند.

هندوها برای شروع کار بر روی انسان و شناخت او، ابتدا از اعضاء و جوارح شروع کرده و بیش از هر چیزی بر روی خطوط دست انسان و نوع شکل و استخوان بندی آن توجه نمودند. آنها به قدری در این کار پیشرفت نمودند که آن را در قالب علمی مختص معرفی کرده و نام «ماستریکا» را بر آن نهادند. بعد از پیشرفت قابل توجهی، بخش خطوط شناسی در روی کف دست را مجزا از علم مذکور دانسته و شاخ و برگهایی به آن داده و در یک کلام نام «سامودریکا» را بر آن گذاشتند. این علم تمامی اسرار خطوط دست را با جزئیات کشف کرده و بیان داشته بود که امروزه نیز همین علم کاربرد دارد.

ناگفته نماند که فیلسوفان هندی نیز از اسرار کف دست اطلاعاتی داشتند. این علم چنان ترقی کرد و قدرت واقع گرایانه خود را نشان داد که فیلسوفان چینی نیز به این علم روی آورده و با تکیه به دانسته‌ها و کشفیات اولیه هندوها دست به تحقیقات زیادی زده و خود علم کف بینی خاصی را ایجاد و ابداع نمودند که در ریشه و اساس مبتنی بر علوم هندی است. این علم از طریق تبت به ایران رسید و در آنجا نیز رشد و تکامل یافته به مصریان باستان انتقال یافت و از مصریان نیز به رومیها رواج یافت. در یونان باستان این علم چنان گیرا و مورد پذیرش واقع شد که بسیاری از فلاسفه دانشن علم نجوم و فال بینی

کف دست را یکی از ملزومات و اول اولیه آموزشهای خود دانسته و بر روی آن تحقیق کرده و یافته‌های جدیدی را به علم مذکور می‌افزودند. در واقع یکی از علومی بود که فلاسفه بایستی از آنها اطلاع می‌یافتند.

حدود ۴۴۰ سال قبل از میلاد مسیح یکی از فلاسفه معروف یونانی به نام آناکساگوراس فراگیری چنین علمی را برای شاگردانش یکی از اولویتها معرفی کرده و از آن زمان به بعد در یونان رواج بیشتری یافته بود. حتی این علم چنان در میان مردم و حتی سلاطین آن زمان جا باز کرده بود که اسکندر مقدونی قبل از شروع جنگهای خود برای فتح سرزمینهای مختلف خاورمیانه و ایران و آسیای صغیر، به یافته‌ها و مکشوفات این علم توجه نموده و از معروفترین فیلسوف یونانی به نام هیسپانوس بزرگ در خواست کرده بود که با توجه و دقت نظر در خطوط کف دست او از طالع و آینده‌اش خبر بدهد. زیرا اسکندر می‌ترسید که مبادا طالع و اقبال با او همراه نباشد و در این راه شکست خورده و سرزمین اصلی و مادری خود را نیز از دست بدهد. هیسپانوس بزرگ با رؤیت و خواندن خطوط کف دست اسکندر به مطالب جالبی دست یافته و آنها را بیان داشته بود که تمامی آن گفتارها به صورت مکتوب به نام «اثر مکتوب طلایی» در آن زمان نوشته شده و تا به امروز به یادگار مانده است.

بعد از اسکندر دیگر امپراتوران رومی نیز به فال بینی به وسیله خطوط کف دست اهمیت می‌دادند. به طوریکه آریستو، پاراسلسوس، کاردامیس و آگوستوس یا آگوستوس بیش از بقیه به موضوع فال بینی کف دست ارزش قائل شده و قبل از هر نبردی از فلاسفه درخواست بازخوانی خطوط کف دست را می‌کردند. بر اساس نوشتارهای ارزشمند مورخ نامی، یوسپ هوس حتی تزار کبیر امپراتور روسیه نیز به این موضوع اهمیت به سزایی داده و از اساتید برجسته‌ای درس گرفته و خود در زمینه فال بینی و بازخوانی خطوط کف دست مهارت داشت. او با کمک خطوط دست حتی موارد اتفاق افتاده در روزهای آینده را نیز تخمین می‌زد. به طوری که مورخ یاد شده اذعان می‌دارد، گویا روزی یکی از دشمنان تزار روس خود را در قیافه و حالت گریم شده پسر هرود خواسته بود که به نزد

تزار برود و در آنجا نقشه خود را عملی سازد و تزار را از بین ببرد. تزار با اینکه هیچ شبهه‌ای نسبت به وی پیدا نکرده و تفاوتی در پسر هرود واقعی و یا جعلی ندیده بود ولی برای اینکه اعتقاد زیادی به کف بینی داشت و یک بار دست پسر هرود را در کوچکی رؤیت کرده و می‌شناخت، از فرد حاضر شده در حضورش خواسته بود که کف دستش را نشانش بدهد. تزار با رؤیت نخستین خطوط روی کف دست آن فرد، به تقلبی بودن آن پی برده و دریافته بود که آن فرد پسر واقعی هرود نیست و تردید یافته و با این تصور دستور بازداشت و تفتیش را داده بود که در جریان تفتیش، گرم شدن و ماهیت اصلی آن فرد مهاجم مشخص شده بود.

بعد از فروپاشی امپراتوری روم و از بین رفتن کتابخانه اصلی آتن، بسیاری از منابع از بین رفته بودند که مکتوبات ارزشمند علم کف بینی نیز در آن زمان مفقود شده بودند. با انقراض امپراتوری روم بسیاری از علوم سیر قهقرایی خود را پیمودند که علم کف بینی نیز در کنار آنها به فراموشی سپرده شده و در حالت رکود باقی ماند. تا جایی که بعد از چند سده به عنوان علم شناخته نشده و باورهای باطل نام گرفت و دیگر هیچ عالم و یا فیلسوفی به آن اهمیتی نداد و کف بینی سینه به سینه و نسل به نسل از گذشته به حال انتقال یافت و در میان اروپاییان سبک و شغل کولیها شناخته شد. اما در اواخر قرن نوزدهم با پیشرفت علوم روان‌شناسی و تجزیه حالات و روحیات انسان و تأثیرات نیروهای متافیزیکی بر روی عملکرد انسانی، بار دیگر مسایل مربوط به فلسفه وجودی بشر جان تازه‌ای به خود گرفت و علم کف‌شناسی نیز بار دیگر از زیر خروارها خاک زمان بیرون خزید و خودش را باز شناساند و امروزه باز به درجات مطلوب خود رسیده و در حال شناسایی و ترقی و پیشرفت است.

### علم کف بینی برای چه ممنوع اعلام شد؟

در سال ۱۴۷۵ میلادی یکی از عالمان آلمانی کتابی را به نام «هنر خواندن خطوط کف دست» به رشته تحریر در آورد که نخستین اثر مکتوب و کامل بعد از دوران یونان باستان بود. این کتاب تا سال ۱۴۹۰ ادامه یافت و در میان عالمان اروپایی دست به دست گشت و

کپی برداری شد و نمونه اصلی آن در حال حاضر در موزه تاریخی بریتانیا در شهر لندن موجود می باشد.

این کتاب که بار دیگر علم کف بینی را در میان مردم رواج می داد و بیش از هر ملتی مردمان کشور بریتانیا از این کتاب استقبال می کردند، نگرانی امپراتور انگلستان را فراهم آورد و در آن زمان هنری سوم دستور توقیف و ضبط این کتاب و کپی های آن را داد. البته بر اساس نوشتارهای تاریخی گویا هنری یک بار به توسط زنی که در دربارش مشغول بود و از کف بینی اطلاع داشت، خواسته بود که آینده او را بخواند و آن زن حقایق زندگی هنری را بیان داشته و هنری با نگرانی از آینده خویش عصبانی شده و چنین کارهایی را ممنوع اعلام کرده و به نهایت چنان دستوری را صادر کرده بود. آن زن به هنری گفته بود که در زندگی هیچگاه روی سعادت و خوشبختی را نخواهد دید و با هر زنی ازدواج کند، همسرش به وی خیانت خواهد کرد و دست هنری به چندین جنایت آلوده خواهد گشت. به راستی نیز اینگونه شد و هنری سوم پادشاه انگلستان در طول عمر خود با هر زنی ازدواج کرد، به نهایت خیانت همسرش را شاهد شده و نزدیک به ۱۲ نفر از همسرانش را کشت.

با پیر و رو به مرگ شدن هنری سوم، دخترش شاهزاده الیزابت نیز به کف بینی و فال آن توجه نمود و اعتقاد یافت و یکی از متولیان و حامیان علم کف بینی شد و از زمان او بار دیگر این علم در اروپا و انگلستان توسعه یافت. در زمان او بود که برای نخستین بار فردی در دربار شاهان انگلستان به عنوان کف بین مشغول به کار شد. بر اساس مذکورات تاریخی فردی به نام دکتر جان دی<sup>۱</sup> در زمان حاکمیت ملکه الیزابت در دربار وی به کار گماشته شده و از آن پی ملکه الیزابت در هر کاری با وی مشورت کرده و از فال بینی های او بهره می برد. باز در تاریخ قید شده است که همین فرد روزی به ملکه الیزابت اطلاع می دهد که در روی کف دست وی خطی جدیداً ایجاد شده و این خط مستقیماً به سوی خط عمر الیزابت در حال پیشروی است. دکتر جان دی با بررسیهای خود اعلام کرده بود که یکی از دشمنان در صدد حمله و لشکر کشی به بریتانیا می باشد. با توجه به اینکه در آن زمان اسپانیا دشمن سرسخت انگلستان بود، یتیم حال کرده بودند که

از آن جانب خطری در کمین است و با تحقیق و ارسال جاسوسان این امر محرز شده و ملکه الیزابت به سرعت آمادگی لازم را به نیروهای ارتش خود داده و مسیر حرکت احتمالی نیروهای اسپانیایی پراز خندق و کمین شده بود. بعد از چندی متوجه شده بودند که به راستی نیروهای اسپانیایی به سوی بریتانیا هجوم می آورند و به واسطه آمادگی و حالت دفاعی نیروهای بریتانیایی، تمامی سربازان اسپانیایی با شکست مواجه شده بودند.

از آن تاریخ به بعد فال بینی از کف دست در اروپا بیش از پیش رونق یافته و اهمیت پیدا کرد. بعد از مدتی تحقیقات و تلاشهای علمی دانشمندان اروپایی، سرانجام این نتیجه حاصل شد که میان خطوط کف دست و عقل و تصورات ذهنی انسان رابطه مستقیمی وجود دارد. با توجه به اینکه میزان رگهای عصبی در کف دست بیش از سایر جاهای بدن فعالیت داشته و وجود دارند، لذا هر نوع تصمیم گیری و نگرانی و یا نقشه و هر نوع تغییر و تحولات جسمانی و فیزیکی شخص در بدن در کف دست متظاهر می گردد. با اینکه انسان نسلهای گوناگونی را از خود پدید آورده است، اما خطوط کف دست انسان مثل آثار انگشت متفاوت بوده و خطوط کسی با دیگری نمی تواند یکی باشد و همانگونه که بیان شد، تمام ذهنیات، تصورات، نقشه ها و آرزوها و حتی ناراحتیها و یا سلامتی بدن انسان در کف دست محرز و آشکار می باشد. بر همین اساس در میان دانشمندان این سخن زبان زد است که: «کف دست صادق ترین خدمتگزاری است که آنچه از ذهن آدمی می گذرد، در خود نشان می دهد.»

در سال ۱۸۵۳ میلادی فردی به نام پروفیسور مسمر رابطه ای میان خطوط نوک انگشتان با خطوط کف دست یافت و ثابت کرد که این خطوط دقیقاً با شعور و ذهنیت انسانها در ارتباط می باشد. همانگونه که پیشتر توضیح داده شد، رگهای سلسله اعصاب حساس بدن در نوک انگشتان و دست وجود دارد و لذا این اعصاب مستقیماً با شعور و مغز آدمی در ارتباط می باشند. این دانشمند برجسته اعلام نمود که خطوط اولیه روی کف دست هر انسانی با خطوطی که سالهای بعد دارد، تا حدودی فرق می کند و این تفاوت در اثر

ارتعاشاتی که از انرژی عصبی حاصل می‌شود، ایجاد می‌گردند و با بررسی این خطوط می‌توان ذهنیت فرد را در گذشته تخمین زده و فکر آینده او را دریافت.

چند سال بعد دانشمندان فرانسوی با بررسی بر روی انسانهای روشندل (نابینا) به این نتیجه رسیدند که خطوط کف دست انسانهای نابینا بیش از هر انسان عادی دارای برجستگی و مشخصه است. زیرا آنان با توجه به عدم امکان و قدرت دید، سعی دارند آنچه را که حس می‌کنند، در مغز خویش شکل داده و به مانند تصویر روشنی که یک فرد عادی از مناظر و یا مراتب دارد، درک کند. از این رو فشار زیادی به مغز وارد شده و هر تصور ایجاد شده نیز با همان نیرو بر اعصاب فرد نابینا اثر می‌گذارد. لذا خطوط آنها کاملاً محسوستر و برجسته‌تر از انسانهای عادی است.

این یافته از سوی بسیاری از دانشمندان دیگر نیز به مورد بررسی گذاشته شد و دانشمندان چینی در سالهای اخیر همین قضیه را بر روی افراد کر و لال نیز بررسی کردند و به همین نتیجه رسیدند و ثابت نمودند که ارتعاشات موجود در کف دست بسی بیشتر از سایر ناط بدن است.

نکنه عطف تاریخی از همین کشف رقم خود و از آن به بعد ابعاد دیگری از قدرت جسمانی و روحی بشر مورد توجه قرار گرفت و سپس معلوم گشت که انسان می‌تواند هر آنچه را که تصور کرده و یا در دل و مغز خود جان دهد، می‌تواند انرژی حاصل از آن را از کف دستانش به بیرون ساطع نماید و پس از بررسیهای به عمل آمده ثابت گردید که این یافته درست و منطقی است و امروزه انرژی درمانی به عنوان یکی از بخشهای مهم درمان بیماران در دنیا شناخته شده و ترویج می‌گردد.

### در طبیعت هیچ چیزی بدون تأثیر و بی سبب نیست!

سر توماس براون در کتاب خود به نام «درمان روحی معنوی»<sup>۲</sup> اینگونه می‌نویسد:

«به غیر از خطوط روی پوست صورت، خطوطی در کف دستان خود داریم. تصور نشود که این خود به طور تصادفی و بدون سبب و

بی برنامه نقش گرفته و دیده می‌شوند. زیرا دستی که آنها را بر روی دست ما انسانها ترسیم کرده، هیچ کاری را بدون دلیل انجام نداده و هیچ چیزی را بدون هدف و بی سبب خلق نکرده است. لذا خطوط روی دست ما نیز با برنامه و از روی هدف توسط او ترسیم شده‌اند... از طرفی زمانی که به تفاوت نوع و اندازه خطوط روی دستان خود با نوع خطوط و اندازه خطوط کف دست انسان دیگری پی می‌بریم، بر این اعتقاد و باورم بیش از پیش افزوده می‌شود.

همانگونه که همه ما شاهد بوده‌ایم، انسان در زمان شادی و یا عصبانیت تمامی تأثیرات انرژی قلب و ذهن خود را به آشکار و به عیان در سیمای خود متظاهر می‌سازد و خطهای ایجاد شده در روی صورت به هنگام خنده یا گریه، کاملاً تأثیرات مستقیم ذهنیت و احساس ما را در زمان ناراحتی و یا شادمانی مشخص می‌نماید. به همین مراتب، تأثیرات انرژی مغز و روح ما در دستانمان نیز شکل گرفته و نقش می‌بندند.

زمانی که به قیافه انسانی که دارای دماغ پهن و بزرگی است نگاه می‌کنید، ناخراسته در ذهن و فکر خود می‌گویید که: «قیافه این شخص را باش!» با این جمله در واقع حالت تعجب خود را عیان ساخته و متوجه هستید که چیزی به صورت غیر معمولی و آنرمال در او وجود دارد. اما به این فکر افتاده‌اید و یا شاهد شده‌اید که وقتی به کف دست انسانی نگاه می‌کنید و خطی را از میج دست او تا آخر کف دستش در حال کشیده شدن می‌بینید، تعجب کرده و از خود بپرسید که کف دست این شخص آنرمال و غیر طبیعی است؟

مسلماً تا به امروز به این مسئله نیندیشیده بودید و برایتان چندان تفاوتی نداشت. اما باید بدانید که خطوط روی کف دست بیش از تفاوتها و غیر متعارفی‌های روی صورت انسان است. هر خطی که در روی کف دست انسانی دیده می‌شود، معنا و مفهوم خاصی را دارد و شما می‌توانید از روی آن خطوط نه تنها وضعیت فعلی آن شخص را که از رخدادهای گذشته وی و آنچه در آینده در زندگیش نقش خواهد بست، اطلاع یابید. از سویی می‌توانید از روی خطوط به وضعیت روحی و فکری شخص پی برده و بدانید که آیا آن شخص با روحیاتی که دارد، می‌تواند با شما سازگاری داشته باشد یا نه.

بسیاری از صاحبان علوم روز و افرادی که با مسایل روان‌شناسی ارتباط دارند، بالجمله و به اتفاق چنین نظر می‌دهند که هر خطوطی در نوع خرد خیر دهنده و پیام‌رسانی هستند که از مسایل اتفاق افتاده و یا در حال تکوین گزارش‌گری می‌دهند. از این رو هر نوع بی‌توجهی به این خطوط به نوعی خودکشی و یا به گرداب انداختن سرنوشت خویش است.

در روی خطوط کف دست می‌توان بسیاری از مشکلات و یا بحران‌ها را گرفت. به طوری که اگر به کف دست فردی جنایتکار نگاه بکنید، شاید در روزهای نخست همان خطوطی که وجود داشته‌اند در کودکی نیز بوده است. این فرد شاید در دوران کودکی انسانی بسیار سالم و ساکت بوده ولی چون در کف دست وی این خط وجود داشته، نشان می‌دهد که فرد اگر تحت تعلیمات و با تربیت خاصی قرار نگیرد، شاید همین خطوط برجسته‌تر شده و در آینده او را به راهی هدایت نماید که کسی خواستار آن نبوده است. در واقع خطوط کف دست دوران کودکی را نباید نادیده گرفت. فرد جنایتکار از ابتدا جنایتکار نبوده است ولی تأثیرات انرژی در زمان تولد و یا نام وی و هم چنین انرژی‌های ناشی از نجوم توانسته در کف دست وی خطی را ایجاد نماید که اگر اثر آن خط در طول عمر فرد از بین نرود، همین خط روح و فکر او را هدایت خواهد کرد. همانگونه که فکر و روح خواسته فرد در کف دست خطوطی را ایجاد می‌نمایند.

به اعتقاد برخی از صاحبان اندیشه، عامل بسیاری از مشکلات و بحران‌های امروزی در جوامع مختلف ناشی از بی‌تجربگی و یا غفلت ما از اسرار زیستی انسانهاست. به‌وای نیز اینگونه است. اگر از امروز به کف دست خود دت نماییم و به همانگونه به خطوط دیگر انسانها در طول دوران مختلف توجه شود، بسیاری از ناملایمات از بین خواهند رفت و عاملان آنها شناسایی شده و تحت هدایت قرار گرفته و هم فرد از جناح اتهام و ارتکاب به جرم‌هایی خواهد یافت و هم اینکه جامعه روی فلاح و رستگاری را خواهد دید. به عقیده نویسنده، باید همانگونه که موضوع واکسیناسیون کودکان در دوران کودکی مهم جلوه می‌کند و بررسی‌های لازم از جسم و بدن کودک انجام می‌پذیرد، باید خطوط کف دست کودکان از همان ابتدا بررسی شود.



چه بسا تصور شود که اگر خطوط به والدین کودک توجه شود، شاید ناراحتیهای روحی و روانی بیارورد. اما این تصویری غلط است. مگر وقتی کودکی مشکلی داشت، پزشک آن را از والدین مکتوم و مخفی نگه می‌دارد؟ بلکه مشکلات کودک بیان شده و توجه می‌شوند که آمادگی لازم را داشته و برای درمان و حتی عمل جراحی کودک خود را در اختیار پزشک قرار دهند.

موضوع بررسی خطوط کف دست نیز ابتدای امر باید در جامعه و فرهنگ ملت‌ها جایگاه ویژه و الزامی خود را یافته و مثل بیماری و درمان آنها برخورد شود که یقیناً در چنین حالتی نه تنها والدین ناراحت نشده، بلکه هر نوع ناراحتی روحی و ذهنی و ژنتیکی موجود در فرزندشان را بیماری دانسته و سعی در درمان آن خواهند داشت. به مثابه همین در دوران سربازی نیز باید اینگونه بررسی شود. همانگونه که جسم فرد مشمول مورد بررسی قرار می‌گیرد، می‌بایست خطوط کف دست او نیز بررسی شود. در استخدام نیز باید اینگونه عمل شود. یقین بدانیم که در چنین حالتی نه از اختلاس خبری خواهد بود و نه از ارتکاب جرایم.

به عبارتی تمامی این شیوه‌ها در واقع بازگشت از پل نیمه شکسته است. سپردن اوضاع جامعه به دست انسانهایی که وضعیت آنها در روی خطوط دستشان دیده می‌شود، کاری خطرناک است. سکانداری کشور اگر در دست انسانهایی باشد که خطوط روی دست آنها نشان می‌دهد در آینده بیرحم شده و یا دارای روحیه جدال‌طلبی هستند، مسلماً جوامع بشری همیشه در جنگ و ستیز و ترور خواهد بود که متأسفانه جامعه کنونی بشری با این معضلات دست به‌گریبان است. حال این سؤال مطرح می‌شود که آیا می‌توان با درک خطوط و نتایج آنها در دست انسانها جلوی بسیاری از ناملایمات و مشکلات را گرفت یا نه؟ باید در پاسخ گفت که خطوط منبعث از پندارهای شخصی و بخشی از نیروهای ژنتیکی است که در کف انسان شکل می‌گیرد. زمانی که در روی خطوط نقشی از حیات آدمی را مشاهده نماییم که در آن مشخص است فرد در میانسالی در اثر بیماری دچار مشکل شده و عمرش را خاتمه خواهد داد، می‌توان با درک این موضوع تا حدودی جلوی بحران را گرفت. شاید به نظر برسد که از

تندیر الهی هیچگاه نمی توان گریخت و پایان عمر در هر منطقی شکل گیرد، گریز از آن اجتناب ناپذیر است. اما این پنداری غلط بوده و خداوند هیچ محدودیت و معذوریتی را در زندگی انسانها شکل نداده و حکم نکرده است. انسان مختار آفریده شده و تمامی نیک و بد زندگیش حتی در این دنیا و دنیای باقی به دست خود آدمی است. اگر از کودکی تصور کرد و دریافت که شخص در میان سالی دچار مشکل خواهد شد، می توان در طی دوران عمر او را از لحاظ سلامتی، مراقبتهای پزشکی مستمر، تغذیه مناسب و هدایت کرد و پرورش داد تا مرگ وی به زودی رقم نخورد. اگر باور ندارید می توانید با استفاده از این کتاب بر روی انسانهایی که حتی در میان سالی هستند و در خطوط شغل و یا حیات آنها خطوط مشخصی است، با تلقینات و تغییرات فکری همان خطوط را دگرگون کرد.

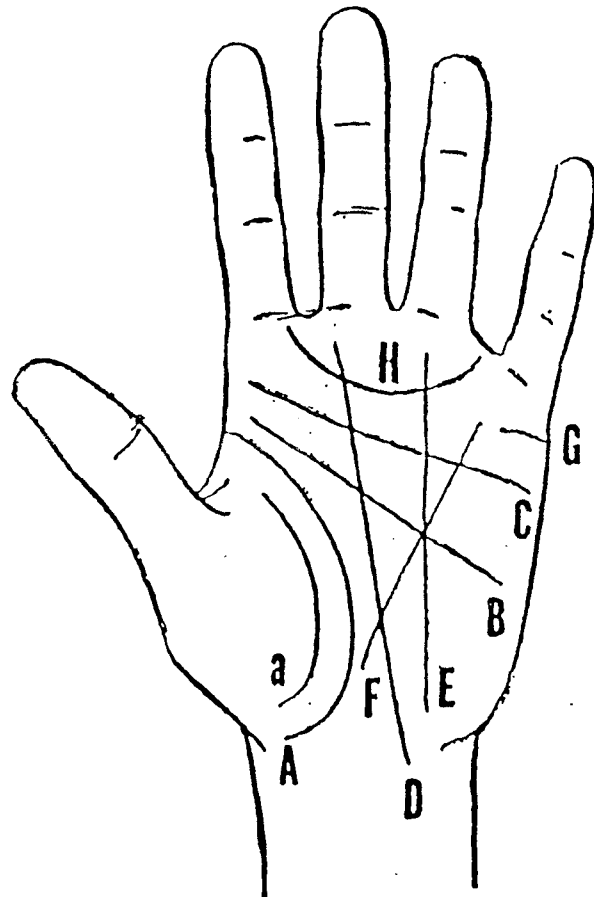
طبیعت تمامی اشارات خود را بر روی خطوط دست ما نشان داده است. این اشارات نشان می دهند که رابطه ما با طبیعت و آنچه به عنوان دیگر مخلوقات در پیرامون ما وجود دارند، غیر قابل گسستن بوده و گریز از این روابط نیز ممکن نیست. لذا باید به این اشارات توجه کنیم تا خط سیر مناسب و مثبت خودمان را در جریان زندگی دریابیم.

## قسمت اول خط زندگی

خط زندگی در کف دست و نزدیک به انتهای انگشت شست به صورت قوسی دیده می شود. کوتاه بودن این خط و یا کم بودن قوس آن نشانگر کوتاه و کم بودن دوره زندگی و عمر است. بر عکس آن اگر طول این خط دراز بوده و از زیر منطفه ماهیچه ای زیر انگشت شست شروع گشته و به طور کلی تمامی قسمتهای اطراف ماهیچه انگشت شست را در بر بگیرد و کاملاً مشخص بوده باشد، نشان از درازی عمر و طولانی بودن حیات فرد است. (به شکل ۱ مربوطه نگاه کنید.)

اگر خط زندگی در مسیر خود با خطهای دیگری در تلافی باشد و یا به موازات سایر خطها کشیده شود، به معنای آن است که فرد در زمان حیاتش به مسافرتهای طولانی اقدام خواهد کرد. اگر خط زندگی در چنین شرایطی محرزتر و برجسته تر از بقیه باشد، به معنای آن است که فرد به هر جای جهان هم برود، باز به نهایت به کشور و وطن خویش باز خواهد گشت.

اگر خط حیات از وسط کف دست به سمت بیرون و بالای کف دست کشیده شود، نشانگر آن است که فرد دوران پایان عمر خود را در سرزمین و کشوری بیگانه سپری خواهد کرد. اگر خط حیات در نقطه‌ای از جریان و حرکت خود قطع شده باشد و یا بریدگی دیده شود، حاکی از آن است که در آن مقطع زندگی فرد دچار مشکل شده و احتمال بروز مرگ زود هنگام وجود دارد. شما می‌توانید خط حیات را بر حسب خطوط کوچکی که بر روی خط اصلی حیات نقش بسته



خط موازی با خط حیات (a)

خط عقل و خرد (B)

خط تقدیر یا سرنوشت (D)

خط سلامتی و صحت (F)

خط هلالی و نوس (H)

خط حیات یا زندگی (A)

خط قلب یا دل (C)

خط موفقیت و شانس (E)

خط زندگی زناشویی و عشق (G)

تمامی این خطوط ممکن است در دست هر فردی دیده نشوند. برخی از این خطوط از نظر جا و محل جایگیری نیز متفاوت می‌باشند و ممکن است کمی به راست و یا چپ یا بالا و پایین متمایل بوده و

نزدیک باشند. لذا اگر خط دست خود را متفاوت از این دیدید، تصور نکنید که خطوط دستان شما با این قاعده سازگاری ندارد.

در نظر گرفته و عمر فرد را تخمین بزنید و دوران آرام و یا خطر آفرین آن را نیز تشخیص دهید. (به شکل ۲ توجه کنید).

### اگر خط حیات ضعیف باشد چه نتیجه‌ای دارد؟

اگر خط حیات در دست چپ منقطع و در دست راست راست بوده باشد، نشانگر این است که فرد در طول عمرش دچار بیماری شدیدی شده ولی با این حال آن را پشت سر خواهد گذاشت و به عمر طولانی خود ادامه خواهد داد. اما اگر خط حیات در هر دو دست بریده و یا منقطع باشد، این نشانه مرگ است. ممکن است خط حیات در دست افرادی به خوبی قابل رؤیت نباشند. اگر چنین حالتی موجود باشد، و در هر دو دست خط حیات به وضوح دیده نشوند، این امر نشان دهنده آن است که خطر مرگ هر لحظه آن فرد را تهدید می‌کند و خواهد کرد. ممکن است این خطرات ناشی از ضعف سلامتی او باشد و یا جایی که در آن کار می‌کند منبعث گردد.

با تمام این اوصاف باید گفت که، اگر انگشت شست فرد وی و بزرگ دیده شود و خط حیات در زیر آن کم محسوس بوده باشد، باز باید امیدوار بود که فرد در طول زندگی علیرغم داشتن خطرات زیستی باز هم به عمر خود ادامه خواهد داد. در این نوع دستها تخمین زدن حدود و میزان عمر فرد دشوار به نظر می‌رسد. اما باید توجه داشت قدرت جسمانی و یا وجود فراست و ذکاوت عالی می‌تواند فرد را در بسیاری از خطرات از مرگ رهایی دهد. اگر در زیر خط حیات و به موازات آن خطی دیده شود که بدان خط مریخ گفته می‌شود، نشانگر آن است که فرد در زندگی خود به نیروی خاصی مجهز است که عمرش را در برابر هر نوع خطرانی مصون نگه می‌دارد و انرژی ویژه‌ای او را حفظ می‌نماید.



شکل ۲: خط حیات یا زندگی

اگر خط مریخ از جایی که خط حیات به پایان رسیده، باز به دوام خویش پرداخته باشد، نشانگر آن است که فرد در آخرین دوران حیاتش دچار بیماری مهلکی شده ولی به سهولت آن را پشت سر خواهد گذاشت. اگر از خط مریخ خطوط دیگری منشعب شده و به اطراف کشیده شوند، (به خطوط نقطه دار توجه کنید) نشانگر آن است که فرد همیشه دارای خصوصیت عجولانه، اقدام متهورانه و بدون عقل و منطق و هم چنین متهاجم بودن می باشد. این خطوط غالباً در مسیر خط حیات دیده می شوند که نشان دهنده آن است که فرد در طول زندگی به دلیل اقدامات متهورانه و به دور از عقل و یا رفتارهای عجولانه اش، زندگی خویش را در معرض خطر قرار خواهد داد. البته اگر تعداد آنها بیشتر باشد و در نقطه ای همین خطوط یا یکی از خطها با خط حیات در هم گره خورده باشد، نشانگر آن است که فرد در اثر همین رفتارها به نهایت زندگی خویش را به مرگ سوق خواهد داد. (به شکل ۲ توجه کنید)



شکل ۳: خط حیات یا زندگی

اگر خط حیات به شکل زنجیر بوده باشد و یا از قسمتهای کوچکی تشکیل شده باشد، نشان از ضعف بودن بنیه جسمانی فرد است. اگر حالات زنجیری در برخی از نقاط خط حیات دیده شود و ادامه خط به طور معمول دیده شود، نشان از آن است که فرد در مقطعی از عمر خود دچار بیماری شده و به راحتی آن را پشت سر خواهد نهاد و بعد از آن سلامتی و عمر او با شادابی و راحتی دوام خواهد داشت. اگر بخشی از خط حیات یا عمر از حالت عادی خارج شده و به شکل زنجیری دیده شود، حاکی از آن است که در مرحله‌ای از زندگی فرد به بیماری دچار شده و بعد از آن ناراحتیهای جسمانی او را راحت نگذاشته و تا پایان عمر همیشه با بیماری خود درگیر خواهد بود. (به شکل ۳ توجه کنید).

اگر خطوطی که از مبدأ خط مریخ شروع شده و از روی خط زندگی یا عمر بگذرند و به سوی دیگر کف دست ادامه یابند، نشان از آن است که فرد در طول زندگی خود در اثر افراط در برخی مسایل زندگی خویش را به خطر انداخته و به همین جهت سلامتی جسمانش نیز در گریب حوادث تأثیر منفی خواهد گرفت.

اگر خط عمر یا زندگی با خط عقل و خرد برابر باشد و تا وسط کف دست از آن جدا نگردد، نشان از آن است که فرد بسیار عصبی و حساس می‌باشد و شخصیت وی متفاوت از دیگران است. اگر خط عمر یا زندگی با خط عقل در حالت درگیر و گره خورده به هم پیش برود، نشان از آن است که در طول زندگی فرد مشکلات روحی و ناراحتیهای روانی بر وی عارض شده و فرد در بستر بیماری خواهد افتاد و همیشه مزاج وی تحت تأثیر احساسات و تألمات روحی و روانی خواهد بود. البته داشتن چنین خطی در کف دست نشانگر آن است که فرد بسیار خجالتی و در عین حال محتاط نیز می‌باشد و در کارها جسارتی از خود ندارد. (به شکل ۴ توجه کنید).



شکل ۴: خط زندگی یا حیات

اگر خط زندگی یا عمر با خط عقل به طور نامحسوس در تماس باشد، حاکی از آن است که فرد بسیار احتیاط کار بوده و شخصیتی حساس دارد. البته این حساسیت و احتیاط برای فرد بسیار مناسب می باشد. اگر خط حیات درست در زیر انگشت شست دیده شود، و برجستگی ونوس یا زهره نیز به آن نزدیک دیده شود که محققاً محیط و میدان فاصله میان خط حیات با انتهای انگشت شست محدودتر و کوچکتر دیده خواهد شد، آن زمان باید نتیجه گرفت که فرد از لحاظ توانایی بدنی بسیار ضعیف می باشد و در طول عمر نیز هیچگاه از نظر قدرت بدنی قوی نخواهد بود. (شکل ۵) این نوع انسانها در زندگی زناشویی و مسایل جنسی کم اشتیا و بی میل می باشند و یا اینکه اگر ازدواج نیز بکنند، صاحب اولادی نخواهند شد. اما اگر فاصله میان انتهای انگشت شست با مسیر خط عمر زیاد بوده و وسیع دسده شود، نشان از قدرتمند و قوی جثه بودن فرد داشته و در طول عمر این شخص هیچگاه از مسایل جنسی خسته و سیر نخواهد شد و شخصیتی بوالهوسانه خواهد داشت. اینگونه افراد شخصیتی موثر و آتشین در برابر دیگران دارند.

### اگر خط حیات و یا عمر دیده نشود.

این نوع حالت بسیار نادر اتفاق می افتد. هر فردی در کف دستان خود خط حیات را دارد ولی انسانهایی که از ابتدا خط حیاتشان دیده نمی شود و یا نامحسوس است، نشان از احتمال بروز و وقوع مرگ دارد. اما اگر در کنار عدم رؤیت خط عمر یا زندگی انگشت شست قوی و قدرتمند دیده شود و خط عقل عمیق و بارز مشاهده گردد، نشان از آن است که فرد به دلیل داشتن کارهای عقلی و فکری به زندگی اهمیت نداد و ممکن است در جریان زندگی دچار مشکلات جسمانی گردد. اما این فرد عمر زیادی خواهد داشت. ناگفته نماند که تخمین عمر این نوع افراد بسیار دشوار می باشد. زیرا اراده ای وی، افکار و عقلی بسیار نیرومند به طور عموم جریان عمر طبیعی را همیشه تحت تأثیر داشته و نمی توان از روی آن تخمین درستی زد.

در دست برخی از انسانها امکان تجزیه خط زندگیشان از خط زحل آنها ممکن نمی باشد و خط مریخ آنها در تلاقی و همراهی خط عمرشان دیده می شود. در این شرایط نیز تخمین عمر فرد بسیار مشکل می نماید. باید توجه نمایید که خط زندگی را همیشه در اطراف برجستگی ونوس جستجو کنید. اگر این خط بر روی برجستگی باشد، خطرناک می باشد.



شکل ۵: خط زندگی یا عمر

کسانی که دارای شخصیت جاه طلباندهای می باشند. خط زندگی به طور معمول از زیر برجستگی ژوپیترا یا مشتری آغاز می شود. در واقع این همان محلی است که شروع زندگی را می رساند و رخدادها و حوادثی که در طول زندگی جریان خواهند یافت نیز در این قسمت مشاهده می شود. اگر خط حیات یا عمر از روی برجستگی مشتری شروع شود، نشان از حرص و طمع ورزی و جاه طلبی فرد می باشد. این نوع انسان هیچگاه از کسب شهرت، ثروت و موفقیت سیر نمی شود و همیشه برای نیل به اهداف خود از هر فرصتی بهره جسته و حتی زندگی خود را نیز گاهگاهی به خطر می اندازد.

به طور عموم هر اندازه خط زندگی و عمر انسانی طویل بوده باشد، عمر و حیات آن فرد طولانی خواهد بود. و هر مقدار کوتاه به نظر برسد، نشان از کوتاهی عمر آن فرد را دارد. نباید موضوعی را

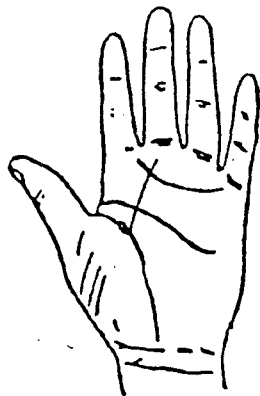


فراموش کنید که، خط عمر یا حیات در عین حال مقدار انرژی، نوع سلامتی و قدرت و توان جسمانی فرد را نیز مشخص می‌نماید. البته باید توجه داشت که مرگ تنها بر روی خط عمر یا حیات محرز نمی‌باشد و می‌توان خطر وقوع مرگ را در روی خطوط عقل و قلب نیز مشاهده کرد. علاوه از اینها در روی برجستگی مرکوری یا عطارد نیز می‌توان به تخمین مرگ یا عمر طولانی پرداخت. ضمناً برای اینکه تخمین عمر فرد در کف دست مشخص گردد، بهتر است هر دو کف دست فرد مورد نظر به دقت ارزیابی شود.

اگر در روی کف دست مشاهده شود که خطوطی از کنار خط عمر یا حیات جدا شده‌اند و نوک آنها به سمت بالا می‌باشد، نشان از آن است که فرد در زندگی آتی خود به درجات متعالی رسیده و فردی مشهور خواهد شد. اما اگر این خطوط به سمت پایین باشند، معنای دیگری داشته و مشخص کننده عدم موفقیت و شکستهای پیوسته فرد در زندگی است. اگر این خطوط به سمت و سوی هر کدام از برجستگیهای دست باشد، نشان از آن است که زندگی فرد تحت تأثیر شرایط آن برجستگی قرار گرفته و اتفاقاتی خواهد افتاد.

### نشانه‌های بروز خطر

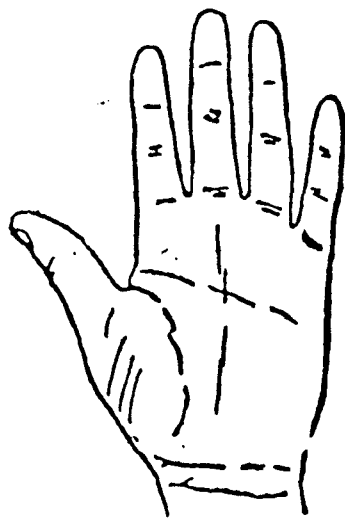
اگر خطوط منشعب و کوچک از خط عمر نیرومند، عمی و دراز باشند، این امر نشان از تغییر ماهیت زندگی فرد داشته و اگر خطوط منشعب به تمام جهات کف دست پخش شده دیده شوند، آن زمان باید توجه داشت که فرد در سفرهای طولانی و ماورای آبها سیر خواهد کرد. اگر این خطوط به سمت برجستگی زحل ادامه یابند (شکل ۶) نشان از تغییر شغل فرد می‌باشد.



شکل ۶: شاخه‌ای که از خط عمر منشعب شده است.

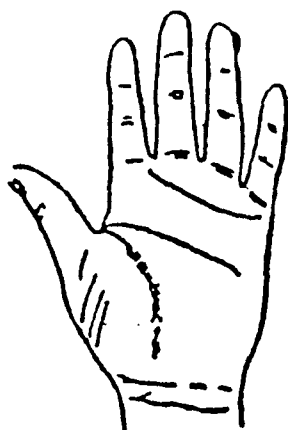
البته در این موضوع باید به مسیر حرکت خطوط به برجستگیهای زحل و آپولون نیز توجه گردد. اگر در انتهای خط عمر یا حیات خطی دیگر ظاهر شود که شکل لا را نشان دهد، نشان از آن است که سلامتی جسمانی فرد در آخرین روزهای عمرش دچار مشکل شده و سخت بیمار خواهد شد. اندازه میان دو خط چنگالی هر اندازه بزرگ باشد، حاکی از طولانی بودن زمان بیماری و همچنین ضعیف بودن قدرت جسمانی فرد می باشد. اگر بر روی خط عمر علایمی مانند صلیب و یا ستاره دیده شود، باز همین معنا را دارد.

قبل از اینکه معانی دیگری از خط عمر یا حیات اخذ شود، بهتر است خود خط به دقت ارزیابی گردد. اگر خط عمر یا زندگی صاف، بدون پرز، انشعابات خطی دیگر و عمیق باشد، آن زمان می توان استنباط کرد که امر فرد در شرایط بسیار خوب و سلامتی ادامه خواهد یافت و فرد از بنیه جسمانی خوبی برخوردار خواهد بود. این نوع خطوط ثابت کرده اند که فرد صاحب خط صاف و عمیق در طول زندگی علیرغم داشتن بیماریهای مختلف توانسته به راحتی عمر خویش را ادامه دهد و نامالایمات ناشی از بیماری نمی تواند عمر آنها را تحت تأثیر منفی قرار بدهد. خط عمر یا زندگی نامحسوس و ضعیف همیشه معنای منفی داشته و نشان دهنده بیمار شدن و ضعیف بنیه بودن فرد دارد.

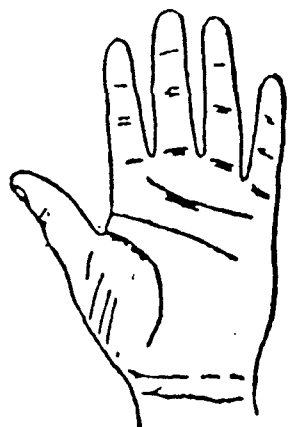


شکل ۷: خطوط مقطع از خط عمر یا زندگی

اگر در روی خط عمر یا حیات خطوطی ایجاد شده باشد که شکل نردبان را نشان دهد، آن زمان می توان استنباط کرد که عمر فرد همیشه با بیماریهای مختلفی تحت تأثیر قرار گرفته و رفته رفته ضعیفتر خواهد شد. (شکل ۸)

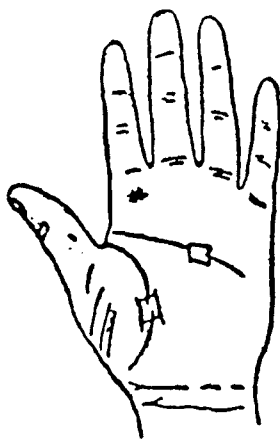


شکل ۸: خط زندگی یا عمر که به صورت نردبان می باشد. وجود خط زندگی شبیه به زنجیر (شکل ۹) همیشه نشان از



شکل ۹: خط زندگی زنجیری  
ضعیف بودن بنیه جسمانی فرد دارد. هر اندازه خط زنجیری ادامه داشته باشد، حاکی از آن است که فرد در طول زندگی همیشه ضعیفتر خواهد بود و بیماری مختلف او را روز به روز ناتوان تر خواهد ساخت.

اگر بر روی خط زندگی اشاراتی شبیه به دایره یا مربع باشد که اصطلاحاً به آنها جزیره می‌گویند، دیده شود، باز نشان از بروز بیماری است. اگر ادامه خط زندگی بعد از این اشکال باز صاف دیده شوند، حاکی از پشت سر نهادن بیماری و کسب سلامتی مجدد است.

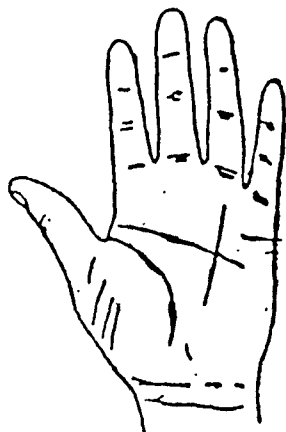


شکل ۱۰: اشکال جزیره مانند بر روی خط عمر یا زندگی

وجود هر نوع پرز و یا شکل نامتعادل حاکی از آن است که فرد به طور عمده در طول زندگی با مشکلات و بیماری‌هایی روبرو خواهد شد. وجود خط‌های منقطع، زنجیری، نردبانی و اشکال مختلف در روی خط عمر نشان از بروز بیماری‌هاست. برخی از فال بینها قدرت تشخیص نوع بیماری‌ها را نیز از روی خطوط نردبانی، زنجیری و اشکال مختلف دارند و می‌توانند آن را حدس بزنند. به طور مثال اگر خطی از کنار خط عمر منشعب شده و به سمت خط قلب ادامه یافته و تا زیر برجستگی آپولو دوام داشته باشد، آن زمان می‌توان گفت که فرد در طول زندگی دچار بیماری‌های قلبی خواهد شد.

اگر شکلی شبیه به صلیب یا چند خط در یکجا بر روی خط عمر دیده شود و یا حالت نردبانی داشته و این خطوط به سمت برجستگی مرکوری یا عطارد دوام داشته باشد، نشان از آن است که فرد به بیماری‌های عروقی و فشار خون دچار شده و بروز هر نوع سکته قلبی یا مغزی محتمل می‌باشد.

تمام اینها نشان می دهند که با دقت نظر بر روی خط عمر یا زندگی می توان به نتایج کلی در رابطه با عمر فرد رسید. لازم به یاد آوری است که شرح کلی در این رابطه وجود دارد که مجال و گنجایش این کتاب اجازه پردازش به جزئیات را نمی دهد.

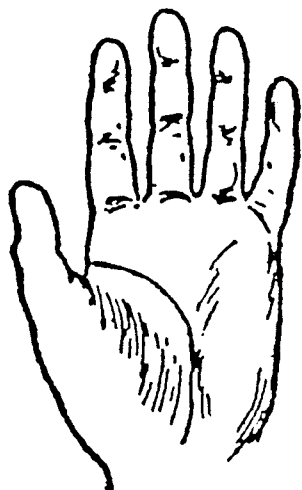


شکل ۱۱: وجود اشکال جزیره‌ای در روی خط عمر یا زندگی

باید توجه داشته باشید که همیشه اشکال ستاره‌ای معانی جالبی دارند. شکل ستاره بر روی هر خطی دیده شود نباید از کنار آن به راحتی گذشت. زیرا این نوع اشاره دارای مفهوم مهمی است. وجود شکل ستاره بر روی خط عمر یا زندگی نشان از بروز مرگ آنی و نابهنگام دارد. البته به معنای هر نوع ضرر و زیان مادی و معنوی نیز بوده که فرد در اثر تحمل چنین خسارتی دچار مشکل سلامتی شده و مرگ را تحمل می نماید. وجود شکلی شبیه به مربع در روی خط عمر یا زندگی نیز خبر از درمان مداوم دارد. یعنی احتمال قریب به یقینی وجود دارد که فرد در طول عمر دچار بیماریهای شده و همیشه تحت درمان خواهد بود. (شکل ۱۱)

## قسمت دوم خط عقل و خرد

این خط درست از وسط کف دست می‌گذرد و گویی کف دست را به دو قسمت تقسیم می‌کند. همیشه وجود خط عقل و خرد عمیق و بارز نشان از خوش بینی، اندیشه عالی و موفقیت در کارها می‌باشد. این خط ممکن به طور مستقیم از کنار بیرونی دست تا کناره خارجی دست ادامه داشته و یا در وسط کف دست با خط عمر و زندگی تلاقی نماید.



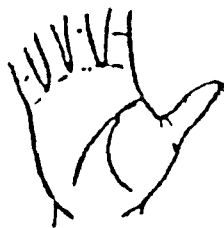
اگر کف دست خودتان را در برابرتان بگیرید، خط عقل از وسط دو انگشت شست و سیاه می‌گذرد. به طوری که گویی دست شما را از وسط به دو نیم کرده و در یک سمت موج دست و در طرف دیگر انگشتان قرار دارند. خط عقل و خرد چنانچه به سمت موج دست متمایل بوده و یا به طور مستقیم از یک لبه به لبه دیگر ادامه داشته باشد، نشان می‌دهد که صاحب چنان دستی در ابتکار، ابداع و قدرت تخیل بسیار قوی می‌باشد. این نوع افراد به طور عموم دارای قابلیت‌های فکری و ذهنی و استعدادهای هنری می‌باشند.

### درون تضادهای شدید

اگر خط عقل و خرد به صورت دایره وار در اطراف تپه‌ای که به عنوان برجستگی ونوس گفته می‌شود، دوام داشته باشد و یا اینکه به طور خمیده از یک لبه به سمت لبه دیگر ادامه یابد، آن زمان باید استنباط کرد که صاحب این نوع دست از قدرت بسیار خارق العاده فکری و عقلی برخوردار است.



در این نوع افراد بیماری ملانکولی دیده می‌شود و به جهت تفکر قوی و نداشتن قدرت مقابله با حقایق دست به کارهای جنون‌آمیزی می‌زنند که غالب افراد خودکشی کننده از این دسته انسانها محسوب می‌گردند.



اگر خط عقل و خرد به سمت انگشت کوچک متمایل بوده و به سمت میچ دست نیز ادامه یافته باشد، آن زمان می‌توان نتیجه گرفت که صاحب این نوع دست دارای خصوصیت اخلاقی عجولانه در تصمیم گیریها بوده و شخصیتی عصبانی و خشمناک دارد.



این نوع انسانها به زودی عصبانی می‌شوند و واکنشهای شدیدی از خود نشان می‌دهند و در چنا شرایطی وضعیت خویش را نمی‌توانند درک نمایند. غالب انسانهایی که دست به جنایت و قتل می‌زنند

دارای چنین خطوطی در دستان خود بوده و لذا توصیه می شود اگر در دست فردی چنین خطوطی موجود بود، او را به عقوبت عصبانیت خودش آگاه گردانید.

اگر خط عقل و خرد از خط عمر و زندگی جدا گردد و گویی نوعی دو راهی را ایجاد می نمایند، آن زمان باید استنباط کرد که احب این نوع دست به خود اعتماد به نفس زیادی داشته و در هر کاری فوری تصمیم می گیرد و فردی بسیار عجول می باشد. هر اندازه میان خط عقل و عمر فاصله زیاد باشد، به همان میزان متهاجم و جسور بودن فرد را در تصمیم گیریها و اتخاذ تدابیر و سیاستگذاریها نشان می دهد و این نوع انسانها در کارهای اجرایی مفید می باشند.



اگر خط عمر و خط عقل و خرد در نقطه ای به همدیگر نزدیک بوده و وصل گردند و یا تا لبه دست ادامه یافته و در آنجا در کنار هم قرار گیرند که به نظر برسد با همدیگر در تلاقی خواهند بود، آن زمان باید تصور کرد که صاحب این دست انسانی خود کم بین بوده و به هیچ وجه به خودش اعتماد ندارد. این نوع انسانها در کارهایشان محتاط بوده و در برابر هر کاری با طمأنینه برخورد می نمایند و به هر موردی تردید و شبیه دارند.



### خطوط عقل در انسانهای بسیار زیورک

اگر خط عقل و خرد در کف دست انسانی از یک طرف شروع شده و تا سمت دیگر ادامه داشته باشد، این انسان دارای هوش، ذکاوت و



فراست بسیار بالایی است. اما زیرکی و فراست و ذکاوت وی تنها در کارهای ساده و سطحی می باشد. البته این نوع خط در احب دست حالات و رفتارهای مختلفی نیز ایجاد می نماید. به طوری که صاحب چنین خطی همیشه در هر کاری افراط کاری را پیشه کرده و حتی در اندیشه و تفکراتش نیز بسیار فاناتیک می گردد. اگر خط عقل و خرد انسانی در کف دستش بسیار بارز و عمیق دیده شود و به همین سان خط قلب وی نیز آشکار و مبرز باشد، باید توجه داشت که این نوع فرد تمام دقت و هوش خود را به خاطر منافع و خواسته های خویش بکار برده و انسانی بیرحم و غیر منصف می شود. غالب این نوع افراد احساسات خودشان را مخفی نگهداشته و بر حسب منطق خودشان عمل کرده و حرکت می نمایند.



اگر خط عقل و خرد در کنار خط قلب حرکت کرده و دیده شود و از سمتی از کنار دست شروع شده و به کنار دیگرش دوام داشته باشد، آن زمان می توان استنباط کرد که چنین فردی در دنیای عقل و احساس کاملاً خلو نیت داشته و صاحب کرامات است و هر تصمیمی را که اتخاذ می نماید با عقل و خرد خویش انجام داده و به عبارتی فعل و قول این نوع انسانی یکی می نماید. البته باید توجه نمود که چنین فردی حتی در مسایل کاری و شغلی و هم چنین در آرزوها و خواسته ها کاملاً ثابت قدم می باشد.



این نوع انسانها در مسایل زناشویی نیز بسیار صادق بوده و زمانی که به کسی عشق می‌ورزند و یا با فردی ازدواج می‌نمایند، بسیار به آن دل بسته و هیچگاه خیانتی نمی‌کنند. اما تنها عیبی که در این نوع افراد وجود دارد این است که بسیار کینه توز می‌شوند.

انسانهایی که دارای خط مذکور در کف دستشان می‌باشند می‌توانند برای رسیدن به آرزوهایشان و کسی که به آن عشق ورزیده‌اند، حتی سالیان سال انتظار بکشند ولی به آن برسند. در انتقام نیز اینگونه هستند و گذر زمان احساس کینه‌توزی آنها را کاهش نمی‌دهد و دیر یا زود به انتقام خود جامه عمل می‌پوشانند. البته ناکفته‌نماند که دارندگان چنین نشانه‌ای غالباً تودار بوده و اسرار خود را به دیگران بیان نمی‌نمایند.

### علامتی بسیار بد و ناپسند

کسانی که خطوط قلب و عقلشان به همدیگر نزدیک بوده باشند، بسیار نادر می‌باشند. در واقع می‌توان گفت که در هر هزار نفر تنها یک نفر دارای چنین خطوطی می‌باشند و متأسفانه دارندگان این خطوط دوستان اندکی را می‌توانند برای خود جلب نمایند.

اگر خطوط قلب و عقل به همدیگر نزدیک بوده و در یک درجه طول داشته باشند، باید قبل از هر چیز به خطوط موفقیت آنها توجه نمود. اگر این دو خط در کنار خط موفقیت عمیق و بارز دیده شوند، آن زمان باید نتیجه گرفت که صاحب چنین دستی در موضوع عشق و زناشویی و در زمینه کار و شغل به آرزویش خواهد رسید و موفقیت‌هایی با او همراه خواهد بود.

بعضاً دیده شده‌است که خط عقل حرکت و سمتی مخالف و بر عکس دارد. یعنی به سمت بالا در حرکت می‌باشد و خط قلب را قطع می‌نماید. این نوع فرد در واقع انسانی است که در او هیچ ترحم و مرحمتی وجود ندارد. چنانچه در دست این نوع فرد خط عقل کوتاه باشد و یا احتمالاً اشاراتی از قبیل ستاره و یا دایره و یا نقطه و یا نردبان دیده شود، آن زمان باید یقین حاصل کرد که این فرد ناخواسته دست به جنابتی خواهد زد. این نوع انسانی در واقع با درون و احساس خود قطع رابطه نموده و بیگانه می‌شود. اما علیرغم این نوع خط، اگر

برجستگی زهره در چنین فردی بیشتر و نمایان بوده باشد، جای لطف و امیدواری وجود دارد. زیرا چنین فردی از وجدانی آگاه و بیدار برخوردار بوده و گاهگاهی تازیانتهای وجدان بر احساسات او فرود می آید و وی را از خواب غفلت و کینه تیزی و بیرحمی بیدار می سازد.

چنانچه خطوط عقل، زندگی و قلب به همدیگر تلاقی نموده و قاطی شده باشند، این نوع علامت از بروز اتفاق و حادثه آتی خبر می دهد که به نهایت در اثر تصادف امکان مرگ وجود دارد. البته اگر این فرد متوجه خطوط خود شده و در هر اقدامی محتاط باشد، شاید بتواند برای مدت مدیدی خطرات را از خود دور سازد.

### تیپهای هیجان بخش

اگر خطوط عقل، قلب و زندگی به همدیگر تلاقی نیافته باشند (شکل ۲۰) و یا طرز حرکت و شکل گیری آنها از حالت معمولی به دور باشد، باید نتیجه گرفت که صاحب این نوع دست در کارهایش به طور دائم بی اعتنا بوده و خونسردی کسل کننده ای دارد. این نوع انسانها حتی در بحرانی ترین و حساسترین مواقع نیز اقدامات و عملکردهای ناشیانه و به دور از عقل از خود نشان می دهند. باید توجه داشت که خط عقل یکی از خطوط مهم در کف دست انسانهاست. زیرا قابلیت های ذهنی انسانها را در کنار قدرت ذکاوت و هوشیاری آنها نشان می دهد. اگر خطوط دیگر آشکار و میز هم نباشند، این خط در دست تمامی انسانها به خوبی دیده می شود.



اگر در دست انسانی تنها خط عقل دیده شود و یا خط عقل موجود بوده ولی از خط قلب اثری دیده نشود، آن زمان می‌توان نتیجه گرفت که صاحب دست انسانی خودخواه و خودبین می‌باشد. در چنین فردی خصوصیات منفی رفتاری و اخلاقی نهاد می‌یابد. به طوریکه خست، بیرحمی، بی‌انصافی، خرد پرستی و مننعت‌طلبی در او متظاهر می‌شود.

اگر خط عقل عسب و سبرز بوده و دارای طول خوبی باشد، نشانه‌ای از قدرت ذکاوت و هوشیاری است. نبود طول کافی و یا محسوس نبودن خط عقل نشانه بی‌خردی و سطحی‌نگری انسان است. اگر در کف دست انسانی خطوط عقل و زندگی هر دو کوتاه باشند، نشان از این است که فرد به دلیل کارهای بی‌خرदानه و ناشیانه خویش شاید در زندگی خود را به خطراتی بیندازد و عمرش به زودی به پایان برسد. وجود ستاره در نوک خط عقل و زندگی حاکی از بروز مرگ زود هنگام می‌باشد و فرد در زندگیش ناکام خواهد مرد. البته برای نتیجه‌گیری قطعی از این نمودار بایستی به سایر خطوط نیز توجه شود.

اگر در دست انسانی خط موفقیت قری و آشکار دیده شود و خط عقل ضعیف یا منقطع باشد، نشان از عدم امکان رسیدن به موفقیت و یا شکست در کارها می‌باشد. یعنی به عبارتی می‌توان استنباط کرد که در کارها عقل و خرد نقشی نداشته و فرد بدون تکیه بر آنها عمل می‌کند و به موفقیتی نخواهد رسید.

### عدم وجود اعتماد به نفس و ترسو بودن

خط عقل موجود در دست چپ هر فردی اشاره به میراث دارد. برای اینکه وضعیت ذهنی هر فردی را از روی خط عقل شناسایی کنید، باید به هر دو خط موجود در دستان فرد توجه نمایید. خط عقل غالباً به سه نوع دیده می‌شود:

(۱) امکان اینکه از خط زندگی و عمر منشعب شده باشد.

۲) امکان دارد با خط عمر و زندگی یک بوده باشد.

۳) امکان دارد در بیرون از خط عمر و زندگی قرار گرفته باشد.

اگر خط عقل در کف دست فردی موجدار دیده شود، نشانه‌ای از بی‌ثباتی و عدم اعتماد فرد به خود و حالت جبن و ترسویی وی می‌باشد. چنین فردی نمی‌تواند بر خودش حاکمیت داشته باشد و از ذهنیت و شخصیت ناچیزی برخوردار است. برای اینکه در این نتیجه‌گیری مطمئن باشید، باید به خط عقل فرد در دست دیگرش نیز توجه نمایید. اگر در هر دو دست اینگونه بود، آن زمان می‌توان استنباط کرد که نتیجه‌گیری درست بوده است.

اگر خط عقل در دست فردی به شکل زنجیری باشد، نشان از خصوصیت خاص آن فرد می‌باشد. چنین فردی حساس، خجالتی و متلون مزاج می‌باشد. به هر چیزی زود باور یافته و تغییر ماهیت می‌دهد. چنین انسانی در تصمیم‌گیری قاطع و محکم نمی‌باشد. دائم در کارهایش دچار مشکل شده و حتی در کارهای ساده نیز چندان موفقیتی نمی‌یابد. اگر تنها قسمتی از خط عقل در دست فردی زنجیر وار دیده شود، آن زمان باید توجه نمود که تنها مقطعی از زندگی فرد دارای شرایطی خواهد بود که در فوق بدان اشاره شد. اگر در ادامه خط عقل صاف باشد و به خوبی دیده شود، نشان می‌دهد که فرد در دوران دیگر زندگیش به خوبی در کارهای ذهنی و عقلی پیشرفت کرده و موفقیت‌هایی در آینده او دیده می‌شود.

### دعوت به زندگی منظم و معمولی

زمانی که در دست انسانی خط عمر و زندگی متغیر جهتی را دیده باشیم که در سطحی آشکار و در جای دیگر نامحسوس است و با خط عقل نیز زمانی تلاقی کرده و زمانی از آن دور است، باید نتیجه گرفت که قابلیت فرد در زمینه‌های عقلی و هوشی همیشه در تغییر و تحول خواهد بود. اگر بر روی خط عقل فرد علامت صلیب یا نردبانی دیده شود، حاکی از آن است که فرد در طول زندگیش بارها با بیماری‌هایی روبرو شده و یا حوادثی بر سرش عارض خواهد شد که هشیاری و

عقل و قدرت شناخت خویش را از دست خواهد داد و یا اینکه دچار سکنه مغزی شده و عمر سختی را پشت سر خواهد نهاد. البته داشتن این نوع اشارات در دست دلیلی بر نگرانی و ترس فرد نمی تواند باشد. زیرا با درایت و آگاهی و در عین حال هشجاری و دقت توجه به اتفاقات اطراف خود و احتیاط در عملکرد می تواند جلوی حوادث را بگیرد. خواب و استراحت خوب و توجه به سلامتی جسمانی و روحی می تواند جلوی بسیاری از مشکلات فرد را که ناشی از استرسهایش خواهد بود، از بین ببرد.



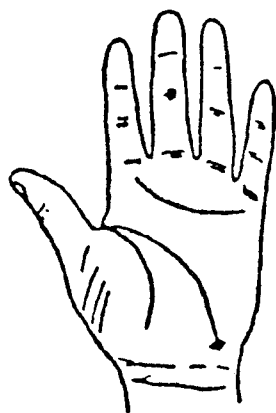
لازم است به مقصدی که خط عقل به آن سمت در حرکت است، توجه گردد. خطی که به سمت بالا در حرکت باشد، نشان از به آرزو رسیدن صاحب دست بوده و ترقی او را در کارهایش خبر می دهد. اگر خط عقل به سمت پایین متمایل باشد دلیل بر شکست و عدم موفقیت وی در کارهای فکری و ذهنی است. اگر خطوطی ریز از خط عقل جدا شده و دارای طولی نسبت محسوسی باشند، آن زمان می توان نتیجه گرفت که فرد دارای قابلیت های ذهنی بوده و اگر به درستی از آن استفاده نماید، به موفقیت هایی خواهد رسید. اگر سمت و حرکت خطوط ریز به بالا باشد، آن زمان می توان استنباط کرد که فرد از نیروی تخیل و عقل خویش به خوبی بهره خواهد گرفت و موفقیتها با او همراه خواهند بود. اگر بر روی خط دایره و یا صلیبی و هم چنین ستارهای دیده شود، نشان از عدم موفقیت و شکستهای وی است.

#### نشانه ای از شخصیت دوست داشتنی

اگر خطی از خط عقل جدا شده و به خط قلب برسد، این نشانه

خبر از حاکمیت احساس بر منطق و عقل می دهد. این نوع افراد غالباً انسانهایی مهربان بوده و همیشه اسیر احساسات و ترجمات خود می باشند و نمی توانند منافع خویش را در نظر بگیرند که در جامعه بدین نوع انسانها، افراد رقیق القلب گفته می شود.

اگر بر روی خط عقل شکل جزیره ای دیده شود که به شکل دایره ای کوچک می باشد، آن زمان می توان نتیجه گرفت که در مقطعی از حیات فرد، حادثه ای به وقوع خواهد پیوست که دیگر فرد برای مدتی نخواهد توانست از قدرت و تخیل خویش بهره ببرد. اگر خط بعد از این دایره صاف ادامه داشته باشد نشان از بهبود یافتن مجدد فرد بوده و اگر ناصاف و غیر محسوس دیده شود، آن زمان می توان گفت که فرد اسیر این بیماری و مشکل خود خواهد بود.



باید به برجستگیها نیز توجه کنید.

اگر بر روی خط عقل خطوط ریزی دیده شود، این علائم نشان از بیماری دارد که مربوط به سیستم عصبی و روحی می باشد. یا اینکه این احتمال وجود دارد که فرد در زندگیش بارها به کارهای فکری روی آورده ولی ناامید و شکست خورده خواهد بود. اما برای اینکه معنای دقیق این علائم را دریابیم، لازم است که به برجستگیهای روی دست نیز توجه کنیم.

اگر بر روی خط عقل ستاره ای دیده شود، همیشه از بروز خطری

خبر می دهد. برای درک نوع خطر باید به خطوطی که از ستاره جدا شده اند، توجه نماییم. اگر خطی که بعد از ستاره شروع شده و به سمت خطی آشکار در دست حرکت نماید، مشخص می نماید که خطر در چه زمینه ای خواهد بود. برای مثال اگر خط به سمت خط عمر یا زندگی حرکت کرده باشد، نشان از آن است که فرد در اثر ندانم کاری و یا اشتباه فکری و ذهنی دچار مشکل و اشتباه عملی شده و جاننش را به خطر خواهد انداخت. اگر این خط به سوی خط لب برود، بروز بیماری قلبی و خطر مرگ را خبر می دهد. اگر به سمت خط موفقیت حرکت کرده باشد، آن زمان می توان استنباط نمود که خطر در زمینه کارها و موفقیتها بوده و همیشه با شکست مواجه خواهد شد. اگر بروی خط عقل ستاره ای دیده شده و بعد از آن خط به طور آشکار ادامه داشته باشد، آن وقت می توان گفت که فرد در زندگی تحت عمل جراحی قلب قرار خواهد گرفت یا اینکه بیماری بسیار جدی تری او را متأثر خواهد ساخت.

### قسمت سوم

#### خط قلب یا دل

خط قلب درست در زیر انتهای انگشتان واقع شده است و همین خط همیشه دنیار درونی هر فرد را مشخص می سازد. در دست تمامی اشخاص خط قلب بارزتر و مشخص تر از خط عقل دیده می شود و اگر میزان مبرز بودن و آشکار شدن خط قلب بیشتر باشد، حاکی از آن است که صاحب آن دست در عواطف و احساسات بسی هیجانی تر بود و دنیای درونیش بر همه چیز پیشی دارد.



اگر در کف دست فردی خطوط عقل و قلب هر دو عمیق و آشکار دیده شوند، مشخص می گردد که صاحب چنین دستی همیشه به فکر دیگران بوده و نیکوکاری از همه چیز بزرگتر ارجحیت دارد و منافع دیگران را بر منفعت خود ترجیح می دهد.





اگر خط قلب از انتهای انگشت سیاه شروع شده باشد، صاحب چنین دستی در دنیای احساسات خود به هیچ وجه تابع قانون و اصول نبوده و بیش از هر چیزی با احساسات خود حرکت می نماید.



آنهایی که در مسایل زناشویی سازگاری دارند.

اگر خط قلب از زیر انگشت وسطی شروع شده باشد، نشانگر این است که صاحب چنین دستی در عمرش تابع قوانین و اصول بوده و دارای شخصیتی آرام و معقول می باشد و جایی را برای حاکمیت احساسات خود قایل نمی شود. این گونه انسانها در زندگی مشترک و مسایل زناشویی نیز بسیار سازگار بوده و رابطه متقابل و مشترک را با منطق اداره می نمایند.



اگر خط قلب عمیق دیده شده ولی در روی آن خطوطی ریز مشاهده گردد که گویی آن را منقطع ساخته است و هم چنین برجستگی ونوس بزرگتر و مشهودتر باشد، آن زمان باید نتیجه گرفت که این فرد همیشه آتشین مزاج بوده و دارای شخصیتی حریصانه و بوالهوسانه است. در این نوع انسانها بیداری احساس بیشتر و قویتر بوده و از حس ششم نیرومندی نیز برخوردار می باشند و گویی فکر و اندیشه دیگران را گاهی می توانند بخوانند. این نوع خاصیت و نشانه بیشتر در دستان هنرمندان تئاتر و اپرا و هم چنین نویسندگان دیده می شود.

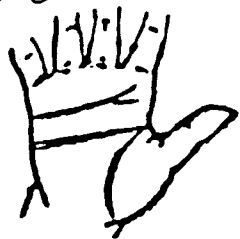


اگر خط عقل از خط قلب برجسته تر و مشهودتر باشد و در عین حال کمی طولانی تر از خط قلب دیده شود، آن زمان باید فهمید که این نوع فرد در عشق و مسایل عاطفی حساس تر نبوده و آن را در ردیف نخست اهداف خویش قرار نمی دهد. این نوع فرد به طور عموم احساسات خود را به کنار نهاده و بر اساس تصورات خود حرکت می نماید و خود را منطقی تر دانسته و عمل می نماید. در نتیجه چنین فردی به خود بیشتر مغرور شده و در کسب دوستان و یا داشتن همکاران صمیمی در رنج می باشد و تنهایی را تجربه می کند. این نوع انسانها حتی در زندگی مشترک و زناشویی خویش نیز دچار مشکل شده و اگر رابطه صمیمی نیز با همسرشان داشته باشند، گویی زن و شوهر همدیگر نبوده و دو دوست جلوه می نمایند. حالت سردی در میان آنها به وضوح دیده می شود.



اگر در کنار خط قلب خط دومی دیده شود و به عبارتی خط لب به گونه ای دیده شود که گویی دو تا می باشد، آن زمان باید دانست که صاحب چنین دستی از نظر احساسات بسیار قوی بوده و قدرت درک احساسات درونی دیگران را نیز دارد. البته این نوع انسانها بسیار نادر می باشند و چنین علامتی با درصد بسیار پایینی دیده می شود. اگر چنین فردی دارای خط عقل طولانی و عمیقی نیز بوده باشد، آن زمان می توان نتیجه گرفت که این فرد با مشکلات و احساسات جامعه خویش آشنایی داشته و تلاش خواهد کرد که آنها را به نحوی از انحاء حل نماید. غالب این افراد حتی تا مرحله ای می رسند که خودشان را

فدای مصالح جامعه می نمایند و یا دست به کارهایی می زنند که مشکلات و بحرانهای جامعه را برطرف می نمایند. این علامت غالباً در دستان انقلابیون، ایده آلیستها دیده می شود. (شکل ۳۰)

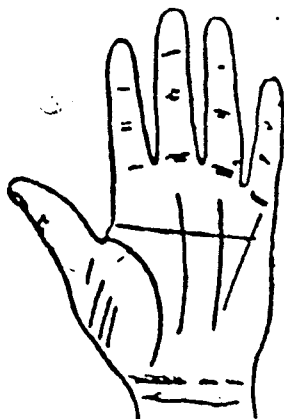


### کسانی که اسیر احساسات نیستند.

اگر چنان به نظر برسد که گویی خط قلب تحت کنترل خط عقل است، آن زمان می توان به این نتیجه رسید که صاحب چنین دستی همیشه احساسات خود را اسیر عقل و منطق کرده و به وسیله عقل احساسات خود را در کنترل خویش دارد. این نوع انسانها به طور عموم در پی ثروت اندوزی بوده و چندان اهمیتی به عشق و روابط عاطفی نمی دهند.



اگر در دست انسانی خط قلب مشهود نبوده و یا موجود نباشد یا اینکه خط قلب آن بسیار نزدیک به خط عقل او باشد، این نوع انسان غالباً فردی خودخواه و منتهع طلب می گردد. در برابر مسایل و مشکلات و یا وظایف خونسرد و بی قید می شود. از طرفی یک سری خصوصیات منفی را از خود نشان می دهد که ذکر آنها در این مقوله نمی گنجد. (شکل ۳۲) اگر در هر دو دست خط قلب مشهود نباشد، نشان می دهد که این فرد از عالم احساسی و عواطف بویی نبرده و فردی بی رحم می شود.



در برخی از دستان دیده شده که خط قلب تا وسط کف دست ادامه دارد و به یکباره از وسط دست به سمت پایین ادامه پیدا می‌کند که در چنین حالتی باید درک کرد که صاحب دست از دنیای عواطف و احساسات بیگانه بوده و با رحم و شفقت در او بسیار ضعیف است. این نوع انسانها به دلیل داشتن خصوصیات منفی نمی‌توانند در کارها و روابط موفق باشند و به همین جهت همیشه حالتی ناامیدانه و مأیوس دارند. اگر این نوع حالت تنها در یک دست از فردی دیده شود، مشخص می‌گردد که فرد در طی عمر خود بارها با مشکلات رفتاری خویش مواجه شده و شکست خواهد خورد و در نهایت متوجه اشتباهات خود شده و روش مسالمت‌آمیز و مناسبی را پیش خواهد گرفت (شکل ۳۳)

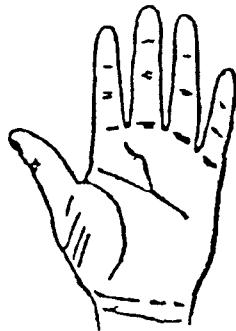


دستی که فاقد خط قلب می‌باشد.

اگر خط قلب طویل بوده و تا برجستگی لونا (ماه) ادامه داشته باشد، نشان از وجود خصوصیت حسادت و جاه‌طلبی فرد دارد. اگر در دست فردی که خط قلبی نزدیک به برجستگی لونا (ماه) داشته و در عین حال برجستگی لونا وسیع بوده باشد، در نتیجه دارندة این نوع دست در زندگی همیشه احساس بدبختی کرده و همیشه شخصیتی بدبینانه را از خود بروز می‌دهد. اگر بر روی خط قلب خطوط ریزی که سرشان به پایین متمایل است، ایجاد شده باشد، نشان از آن دارد که صاحب دست در طول زندگی از نظر عاطفی و احساسی هیچگاه خوشحال و مسعود نبوده و ناامیدی او را در بر خواهد گرفت. چنانچه در روی خط قلب دایره یا مربعی که اصطلاحاً به آنها جزیره گفته می‌شود، ایجاد شده باشد، نشانگر بروز بیماریهای قلبی و عروقی در آینده است. اگر بر روی خط قلب ستاره‌ای دیده شود، باز حاکی از بروز ناراحتیهای روحی و روانی و تأثیرات آنها بر قلب بوده که به

بیماریهای قلبی منجر خواهد شد.

اگر در یک سر خط قلب و یا نقطه‌ای که از وسط دو انگشت سبابه و وسط شروع شده و خط قلب را تشکیل می‌دهد، حالت چنگالی دیده شود، نشان از آن دارد که فرد همیشه به مسایل عاطفی و احساسات دیگران اهمیت به سزایی داده و به عشق و محبت بها می‌دهد. اگر یک سر خط قلب از انتهای انگشت وسطی شروع شده و یا از وسط دو انگشت سبابه و وسطی ادامه پیدا کند، حاکی از آن است که صاحب چنین دستی در زندگیش از نظر احساسات و عواطف و عشق خوشبخت می‌باشد و یا خواهد بود. این نوع انسان از سوی دیگران نیز مورد قبول واقع شده و دوست داشته می‌شود.



دستی که خطوط قلب و عقل در آنها یکی می‌شود.

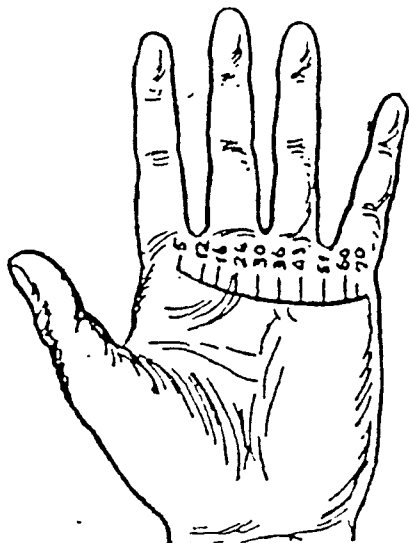
اگر خط قلب در روی دست چنان به نظر برسد که گویی نیم دایره‌ای را تشکیل داده است و به سمت خط زندگی در حرکت است و یا در کنار برجستگی مرکوری یا عطارد حالت وسی تشکیل بدهد، نشان از بروز خطرات بوده و دارنده این نوع دست غالب فردی عصبانی می‌باشد. هم چنین در برابر مسایل فوری واکنش نشان داده و هیجان زده می‌شود. زندگی با این نوع فرد بسیار سخت بوده و سازگاری یافتن با آن نیز مشکل می‌نماید. البته با نگرش به خط قلب و تقسیمات آن می‌توان تخمین زد که چه حوادثی در مسایل عاطفی و احساسی برایش رقم خواهند خورد.

#### قسمت چهارم

#### خط سرنوشت یا تقدیر

خط سرنوشت و یا تقدیر از میج دست شروع شده و تا ابتدای انگشت وسطی ادامه می‌یابد. اگر این خط کاملاً صاف و بدون پرز بوده باشد و دیگر خطوط اعم از قلب، حیات و عقل نیز به خوبی

قابل رؤیت بوده باشند، می توان گفت که دارنده این نوع دست در سایه استعدادها و قابلیت‌هایش خواهد توانست پله‌های ترقی را یکی بعد از دیگری بپیماید و موفقیت برجسته‌ای در زندگی او رقم خواهد خورد.



تخمین سن فرد بر روی خط قلب

البته ممکن است خط سرنوشت در دست برخی از افراد بریده بریده و منقطع دیده شود که این نیز نشان از فراز و نشیب‌های موفقیت‌های فرد در طول زندگی است. لازم به یادآوری است که خط سرنوشت غالباً در دست راست دیده می‌شود و اگر آخرین نقطه این خط به انشگت وسطی منتهی شود، نشان از وجود موفقیت در زندگی او و تعالی یافتن وی در واپسین دوران زندگی می‌باشد.

اگر سر خط سرنوشت و یا تقدیر به سمت انشگت سبابه بوده باشد یا اینکه در حالت تمایل به انشگت سبابه خطی دیگر نیز او را همراهی کند، نشان از آن دارد که صاحب دست به موقعیتی خواهد رسید که به دیگران فرمان خواهد داد. شاید امیر ارتش بوده و یا صاحب مقامی دولتی و مهم بوده باشد.



### خطی که در دست مشهورترین ستارگان سینما است.

اگر از خط سرنوشت خط دیگری جدا شده و به سمت انگشت چهارم و نزدیک انگشت کوچک ادامه پیدا کند، نشان از بروز و وجود شهرت و موفقیت در کارها و نیل به بهترین و قدرتمندترین موقعیتها و مناصب است. این نوع خط در دستان هنرپیشگان معروف و مشهور سینما و موسیقی و هم چنین در دستان بسیاری از سیاستمداران برجسته و موفق دیده می شود. اگر خط سرنوشت به وسیله خطی به دو قسمت منشعب شده باشد، نشان از آن دارد که صاحب خط در طول زندگی هم به موقعیتهای خوب رسیده و هم در جامعه از محبوبیت خوبی برخوردار خواهد بود. این نوع خطوط عموماً در دستان سلاطین، شاهان و رؤسای جمهور دیده می شود.

البته در دستان برخی از رؤسای ادارات و یا مؤسسات نیز این نوع خطوط دیده می شود. اگر خط سرنوشت حالت بریده و یا منقطع پیدا کرده باشد، در هر نقطه ای که بریدگی ایجاد گردد، نشان از وجود ضربات و صدمات بزرگ در آن مقطع زندگی است. این نوع مشکلات غالباً برای صاحب دست ناراحتیها، تأسفها و اضطرابهای مختلفی را عارض می گرداند.



خط سرنوشت تا وسط دست حدود ۳۵ سال از عمر را نشان می دهد. یعنی اگر تا این مقدار بریدگی وجود نداشته باشد، می توان گفت که فرد تا آن سال با هیچ مشکل موفقیتی و یا تری مواجه نخواهد شد ولی اگر در این فاصله در خط تقدیر و سرنوشت بریدگی و یا قطع شدگی دیده شود، حاکی از آن است که فرد تا ۳۵ سالگی با مشکلات شغلی و پیشرفتهایش درگیر خواهد بود. اگر خط زندگی با خط سرنوشت در نقطه ای یکی شده باشد و به همان حالت دوام یافته و یا همدیگر را قطع کرده باشند، نشان از آن است که فرد در زندگی و

حیات خویش موفقیت‌هایش را برای جامعه و یا دیگران فدا خواهد کرد. این نوع خط عموماً در دستان افرادی دیده می‌شود که همیشه به فکر خواهران و برادران و یا اقوام خویش هستند. البته بعضاً در دستان افرادی که زودتر ازدواج کرده‌اند و یا خواهند کرد نیز این نوع خطوط دیده می‌شود. زیرا در این نوع افراد سرنوشت خیلی زود شروع شده و فرد با مشکلات و مسئولیت‌های خانوادگی درگیر گردیده است.



#### کسانی که به روابط خانوادگی اهمیت نمی‌دهند.

اگر خطی از خط زندگی جدا شده و از زیر خط سرنوشت یا انگشت شست عبور کرده و به سمت برجستگی ونوس ادامه یافته باشد، نشان از آن دارد که فرد نسبت به طبیعت علاقمندی خاصی دارد. اگر در کنار این خط خطی از خط عقل جدا شده و با آن موازی دیده شود، آن زمان می‌توان نتیجه گرفت که شغل و موقعیت‌های فرد در زمینه مناسب و مسئولیت‌ها همیشه دچار مشکل خواهد بود. از طرفی در این نوع انسانها حرص و ولع خاصی به داشتن و کسب کردن دیده می‌شود.



اگر خط سرنوشت از وسط دست و یا از کناره آن شروع شده باشد، نشان از عدم وابستگی عاطفی فرد به خانواده‌اش می‌باشد. یا اینکه فرد تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار گرفته و عقاید و علاقش نسبت به خانواده ضعیفتر می‌شود. دارندگان این نوع خط در رابطه با احساس مسئولیت نسبت به دیگران نیز ضعیفتر بوده و خود را برای



مشکلات دیگران درگیر نمی نمایند.  
 اگر در کنار این حالت خط عقل فرد مستقیم دیده شود، آن زمان باید یقین کامل کرد که فرد به هیچ وجه خودش را برای منافع دیگران فدا نکرده و حتی به آنها نخواهد اندیشید.



هر اندازه خط سرنوشت در وسط دست از میج دست فاصله داشته باشد، نشان از بی مسئولیتی و عدم توجه فرد نسبت به اعضای خانواده دارد و حتی این نوع فرد هیچ نقشی را نسبت به نظرات و احساسات دیگران در سرنوشت خود و یا نظر خود در سرنوشت دیگران نمی دهند.

#### در میان مجادلات سخت

افرادی در دستشان خط سرنوشت و یا تدبیر وجود نداشته باشد، مدام در زندگی با مجادلات سختی روبرو خواهند بود. اگر در وسط و یا دیگر نقاط این خط دایره و یا مربعی دیده شود که به آن جزیره گفته می شود، نباید نگران شد. زیرا وجود این علائم در خط سرنوشت معنا و مفهوم بدی ندارد. اما باید توجه نمود که برای مدتی موقعیت و منصب شغلی فرد دچار تحولات شده ولی از ریشه با تغییرات خاصی روبرو نخواهد گشت. اگر اندازه جزیره بزرگتر باشد، آن زمان بحران کاری و یا موقعیتی بیشتر جلوه خواهد کرد.



هرگاه خط تدبیر یا سرنوشت در نقطه ای به دو قسمت تقسیم

گردد، و با خطی در کنار آن به طور ناشناخته دیده شود، این نشانه بدی در سرنوشت نبوده و نشان می دهد که فرد در طول زندگی شغل خود را تغییر خواهد داد. اگر خط تقسیم شده عمیق و مشهود باشد، نشان می دهد که فرد در شغل دوم خود بسی موفقتر خواهد بود. اگر خط دوم نامحسوس بوده باشد، بر خلاف نظر قبلی باید تعبیر کرد و به این نتیجه رسید که فرد در شغل دوم خود چندان موفق و پیروز نخواهد بود.



#### در زمان مناسب باید اصلاح کرد.

همانگونه که گفته شد، خط سرنوشت در دست هر فردی نشانگر موقعیت و آینده شغلی اوست. وجود هر نوع اشارات و علائم بیانگر آن است که فرد در چه جهتی از سرنوشت خود به سمت خوشبختی و یا پیروزی گام برداشته و در چه جهتی موفق نشده و نتایج منفی کسب خواهد کرد. در واقع از روی این خط تمامی نتایج له و علیه فرد را می توان دریافت.

خط سرنوشت در میان فال بینان کف شناسی به عنوان راه آهن شناخته می شود که می توان آن را به هر مقصدی که برای فرد مناسب و مساعد است، تغییر داد. در واقع انسان با شناخت مسیر حرکت و تخمین مقصد نهایی می توان بسان سوزن بانی مسیر ریل را به سمت مورد دلخواه و سعادت هدایت و تغییر دهد. تنها خطی که بشر قادر به ایجاد پل در آن است، همین خط می باشد. بنابراین اگر در روی کف دست خود خط سرنوشتی را مغایر با خواسته خود دیدید، نباید مأیوس و ناامید گردید که دیگر کاری از دست بر نمی آید و باید منتظر تقدیر شد. انسان می تواند با درک وضعیت سرنوشت خود نسبت به انتخاب شغل حساس بوده و مسیری مناسب را طی کند. اگر خط سرنوشت نامحسوس بوده و یا فراز و نشیبهایی در آن مشهود است،

می‌توان با درایت و سیاست‌گذاری‌های منطقی آن را به نفع خود تغییر داد که در اثر این ابتکار عمل تغییرات محسوس خط را در دستان خود خواهید دید. بنابراین می‌توان گفت که خط سرنوشت را می‌توان اصلاح کرد و به سمت و سوق خواسته خود در آورد.

### موفقیت در علم و دانش

ممکن است یکی از شاخه‌های خط سرنوشت به سمت برجستگی مرکوری یا عطارد برود. در آن صورت چنین خط سرنوشتی نشانگر آن است که فرد در زندگی‌اش صاحب کار و شغلی خواهد شد که جنبه علمی و تخصصی خواهد داشت.

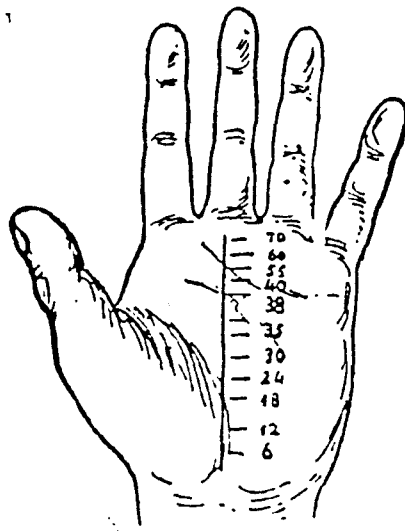
اگر یکی از خطها به سمت برجستگی خورشید هدایت شود، مشخص می‌گردد که فرد در کارهای هنری، علمی، ادبیات موفق خواهد بود و اگر از این رشته‌ها برای خود شغلی را برگزیند، به یقین با موفقیت‌های قابل توجهی مواجه خواهد گردید.

اگر خط سرنوشت در دست چپ به سمت چهارمین انگشت برود و در آنجا شکلی شبیه و محسوس به مربع را ایجاد نماید، آن زمان باید دریافت که فرد در زمینه هنر و ادبیات به شهرت جهانی خواهد رسید. اگر در ابتدای انگشت چهارم و انتهای خط سرنوشت نقاطی دیده شود که شکل لکه‌ها را نمایان سازد، آن زمان می‌توان باور کرد که این شخص در کارهای هنری از قبیل سینما و تئاتر می‌تواند موفق گردد و به شهرت برسد.

اگر خط سرنوشت به طور مستقیم و راست به سوی برجستگی ژوپیتر یا مشتری هدایت گردد، نشان از حاکمیت این فرد بر دیگران داشته و در آینده کارها و مسئولیت‌های بزرگ اجرایی در دستش خواهد بود. اگر خط سرنوشت به سمت برجستگی زحل حرکت کرده و با گذر از آنجا به سمت انگشت چهارم برود یا در میان انگشت سوم و چهارم دیده شود، این حالت معنای خوبی نخواهد داشت. زیرا فرد در زندگی‌اش با بدبختیها و فلاکتها و شکست در کارهایش مواجه خواهد شد.

اگر خط سرنوشت با خط قلب یکی گردد و با همان خط ناپدید

شود، نشان از آن دارد که فرد در آینده دچار عواطف و ماجراهای عاشقانه‌ای شده و بسیاری از مال و ثروت خود را در این راه صرف کرده و از دست خواهد داد که مشکلات ناشی از آن را حس کرده و عذاب خواهد کشید.



تخمین سن در روی خط سرنوشت

اگر خط تدبیر یا سرنوشت با خز قلیب یکی شده و هر دو خط به سمت برجستگی مشتری هدایت شوند، آن زمان باید از نتیجه حاصله خوشحال گردید. زیرا این نوع فرد در زندگیش به موقعیتهای خوبی نایل آمده و خوشبختی را به خوبی تجربه خواهد کرد.

اگر خط تقدیر یا سرنوشت در تلاقی با خط عقل پایان یابد، این اشاره نشان از تصورات و برداشتهای غلط فرد در زندگیش داشته و ثابت می‌کند که آن شخص در آینده در کارهایش بی حساب و کتاب عمل خواهد کرد و دچار خسارتهای زیادی خواهد شد.

در برخی از افراد خط سرنوشت از وسط کف دستشان شروع می‌شود که این نشانه حاکی از بروز دشواریها و سختیهای مالی در زندگی است. اما اگر این خط غلیب‌رغم شروع شدن از وسط کف دست به سمت انگشت سوم یا وسطی هدایت شود، نشان از انرژی و اراده‌ی وی فرد دارد و شخص خواهد توانست در آینده از پس هر مشکلی برآید و ناراحتیها را رفع نماید.

### انسانهای ماجراجو

اگر خط سرنوشت از خط عقل شروع شده باشد، نشان از عزم و اراده فرد داشته و مشخص می‌نماید که فرد در سالهای آخر عمرش دسته‌کارهایی خواهد زد که سرنوشت خود و دیگران را به خوبی و مثبت دگرگون خواهد ساخت. اگر در نقطه شروع خط سرنوشت حالت انشعاب یا چنگالی دیده شود و گویی به دو شاخه تقسیم شده است که یکی از شاخه‌ها به سمت برجستگی لونا (ماه) و دیگری به سمت برجستگی ونوس متمایل باشد، این نوع فرد در آینده با کمکاز قدرت تخیل خود به موقعیتهای خوبی نایل خواهد آمد. برای اینکه وضعیت موفق این فرد را در آینده تخمین زد، می‌توان به سایر خطوط توجه نمود و یا تکمیل آن را در دست دیگر فرد جستجو کرد.

اگر خط سرنوشت قطعه قطعه دیده شود و یا حالت موجی داشته باشد، نشان از اندیشناک بودن فرد دارد و در نتیجه فرد در آینده برای اینکه به اهداف خود برسد دست به ماجراهایی خواهد زد. این ماجراها ممکن است سیاسی، علمی، فرهنگی، عملی باشد.

اگر بر روی خط سرنوشت خطوط بریده و کوچکی دیده شود و یا به وسیله خطی قطع گردد، پاسخ منفی نمی‌توان از این اشاره گرفت. زیرا این حالت ممکن است نشان از پایان خوب سرنوشت فرد داشته و یا اینکه اگر از همان بریدگی باز به ادامه خط پرداخته شود، می‌توان نتیجه گرفت که فرد در کارهایش علی‌رغم وجود موانع و مشکلات به راحتی خواهد توانست آنها را پشت سر نهاده و به اهداف عالی خود برسد و موفق گردد.

### خط سرنوشت علاقمندی عاطفی را مشخص می‌سازد.

اگر به موازات خط سرنوشت خط دیگری دیده شود و در یک نظه این دو خط به همدیگر برسند، این علامت در رابطه با علاقمندی و وابستگی عاطفی می‌تواند معنی شود. یا اینکه نشانگر آن است که فرد در آینده تحت تأثیر فرد دیگری قرار خواهد گرفت. اگر خط سرنوشت دوگانه و یا جفت دیده شود، نشان از شانس و

بخت خوب است. اگر این دو خط به سوی برجستگیهای مختلف بروند، آن زمان می توان نتیجه گرفت که خصوصیات برجستگیهای روی خط به او کمک خواهند کرد.

انسانهایی که در کف دستشان خط سرنوشت ندارند و یا نامحسوس است، در واقع افرادی هستند که زندگی برایشان چندان اهمیتی نداشته و شغل، در تو منصب برایشان بی رنگ جلوه می کند. چون بی تفاوت به زندگی حرکت می نمایند، لذا سرنوشتشان نیز نامحسوس و نامعلوم است. این نوع انسانها فقط ارتزاق می کنند، می خوابند، تلاش می نمایند و روزگار عادی را پشت سر می گذارند. در واقع زندگی و حیات خود را حس نمی کنند تا اثری از آن در روی دستشان دیده شود. البته شاید دیده باشید و یا ادعا نمایید که اینگونه انسانها اتفاقاً خیلی راحت زندگی می نمایند و احساس بدبختی و یا آرزوهای بزرگ نمی کنند. اما باید توجه نمایید که چون هیچ نوع تنوع و تغییراتی در زندگیشان ایجاد نمی شود، آنها از تحولات بیگانه بوده و لذت یا تلخی تحولات مثبت و منفی را درک نمی کنند. در حقیقت خوشبختی و یا بدبختی معنای لازم را برای آنها ندارد. برای اینکه معانی کامل خط سرنوشت را نسبت به زمان وقوع آن درک کنید.



### قسمت پنجم خط خورشید

به طور عموم به خط موفقیت یا پیشرفت، خط خورشید گفته می شود. در دست هر انسانی این خط دیده شود، مسلم است که آینده ای بس روشن خواهد داشت و موفقیتها و رفاه و پیشرفتهای شغلی او را شادمان خواهد کرد. خط موفقیت دقیقاً در زیر انگشت چهارم، یعنی انگشتی که به آن حلقه می اندازند، قرار می گیرد. این

خط از همان نقطه شروع شده و به پایین ادامه می‌یابد. اگر دوام آن محسوس باشد، نشان از موفقیت فرد است.

### از دواجهای منتهی به ثروت

اگر در دست فردی خط موفقیت از میان خط زندگی بگذرد و یا در برجستگی ونوس ظاهر گردد، می‌توان اعتقاد یافت که فرد به موفقیت و ثروت خواهد رسید. افرادی که چنین خطی را در دست خود دارند محققاً در اثر ازدواج با فردی ثروتمند به مال و منال خوبی رسیده و یا صاحب میراثی عظیم می‌گردند.



اگر خط موفقیت از کنار کف دست شروع شده و به سمت تپه لونا (ماه) ادامه یابد و یا از محل برجستگی یا تپه ماه شروع گردد، شخص باز به موفقیت‌هایی نایل می‌آید که این موفقیت منوط به تصمیم و بازتاب نگرش و واکنشهای اجتماع خواهد بود. بیشتر هنرمندان تئاتر یا سینما و ورزشکارانی که دارای این نوع خط می‌باشند، با نگرش مردم خط سیر موفقیت خود را رقم می‌زنند.



البته ناگفته نماند که نقطه شروع خط موفقیت اگر به غیر از جای خاص خود شروع شود، نشان از ماندگار نبودن موفقیت داشته و پایداری آن مورد تردید است. برعکس این قضیه اگر خط موفقیت از محل میج دست شروع شده و از خط سرنوشت کاملاً ظاهر گردد، نشان از موفقیت ماندگار داشته و معلوم می‌شود که این موفقیت برای

مدت طولانی ادامه خواهد یافت.

اگر خط موفقیت از خط تنذیر یا سرنوشت متولد شود، نشانگر آن است که فرد در کار خود به موفقیت‌هایی نایل خواهد آمد. جایی که خط سرنوشت با خط موفقیت منفک گردند، در واقع نشان دهنده:



زمان شروع موفقیت فرد می‌باشد که باید بر اساس تخمین و درجه بندی و تشخیص سن آن را معین نمود.

#### موفقیت‌های مختلف

اگر خط موفقیت از خط سرنوشت جدا شده به سمت انگشت انگشتری ادامه پیدا کند، نشان از دوام و بقای طولانی موفقیت دارد. اگر خط موفقیت از وسط کف دست شروع شده و به سمت انگشت انگشتری دوام داشته باشد و در کنارش خطوط دیگری به طور قابل رؤیت یا نامحسوس نیز مشخص شود، آن زمان می‌توان دریافت که اقبال و شانس همیشه باور آن شخص خواهد بود. اگر در کنار خط موفقیتی که از ناحیه انگشت انگشتری شروع شده و به پایین ادامه دارد، خط‌های ریزی نیز دیده شوند، آن زمان می‌توان نتیجه گرفت که فرد برای خود اهداف مختلفی داشته و تلاش‌های زیادی را برای رسیدن به اهداف صرف خواهد کرد و به تمامی آنها در مقاطع مختلف زندگی نایل خواهد آمد.





چنانچه خط موفقیت از ناحیه خط عقل شروع شده باشد، آن زمان می توان گفت که فرد با تکیه بر اندوخته های فکری و تصورات عقلی خواهد توانست به موفقیت هایی نایل آید. این کار ممکن است اکتشاف، ابتکار، ایجاد و اختراع بوده باشد که غالب نویسندگان، مخترعان و مکتشفان چنین خطی را در دست خود دارند. در این حالت نمی توان از شانس و اقبال بحث کرد زیرا موفقیت فرد در دستان خود و با تکیه بر غیرت و همت و اندیشه اش مقدور خواهد گشت.

### تأثیرات شایعه پراکنی

اگر بر روی خط موفقیت - هر نقطه ای که باشد - دایره هایی به شکل جزیره دیده شود، نشان از بروز اختلاس، کلاهبرداری و یا سوء استفاده از موقعیت است که فرد ممکن است در طول حیات شغلی خود دست به آنها بزند. در واقع این علامت معنای خوبی نداشته و به بدنامی اطلاق می گردد. البته باید گنت که شاید افراد دیگری زمینه ساز بدنامی و سوء شهرت فرد گردند که باز از این نوع علامت می توان استنتاج کرد. (شکل ۵۰)



اگر از خط موفقیت خط دیگری جدا گردد و به سوی یکی از برجستگی های انگشتان ادامه یابد، تأثیرات ناشی از آن برجستگیها در موفقیت فرد اثر خواهند کرد.

به طور مثال اگر از خط موفقیت خطی به سمت برجستگی مشتری یا ژوپتر ادامه یابد، این نشانه ثابت می کند که فرد در کارهای اداری یا فرماندهی و یا رهبری و مدیریت موفق خواهد بود.

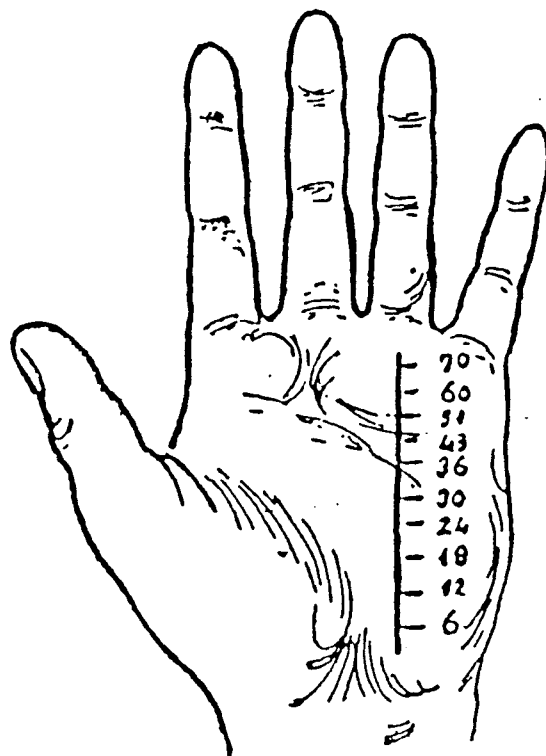


اگر از خط موفقیت خط دیگری جدا شده و به سمت برجستگی زحل ادامه بیاکند، می توان ثابت کرد که فرد همیشه با شانس خود به طبقات بالاتری خواهد رفت. این نوع فرد ممکن است اسیر سرنوشت و شانس خود باشد ولی خوشا به حال این فرد که شانس نیز با او یار خواهد بود.

چنانچه خط موفقیت به سمت برجستگی خورشید ادامه یابد، این نشانه به یقین حاکی از پیروزی و موفقیت‌های فرد در کارهای مختلف است که باعث سرافرازی و سربلندی و ارتقای حیثیت و شرف خود و خانواده و حتی کشورش می شود. این نوع نشانه را عموماً نشانه سعادت جاودانه می نامند.

اگر خطی از خط موفقیت جدا شده و به سمت برجستگی مرکوری یا عطارد روان شود که محل آن زیر انگشت کوچک است، می توان استنباط کرد که فرد در کارهای تجاری و بازرگانی و امور ساده و بازاریابی موفق خواهد بود و هیچگاه شکستی و یا خسارتی نخواهد داشت.

اگر بر روی دست فردی علامت و یا خط موفقیت دیده نشود، آن زمان می توان گفت که فرد در کارها و شغل خویش با شانس و اقبال همراه نبوده و هر نوع تغییر و تحول در زمینه کار و شغل منوط به همت و تلاش و عزم خود شخص است. این نوع افراد به طور عموم دارای زندگی و شغلی ساکت و آرام می باشند و چندان به موفقیت‌های بزرگ و یا محسوسی نایل نمی آیند. اما اگر در فرد خط سرنوشت قوی و محسوس باشد، شرایط به هر نحوی ادامه یابد، موفقیتها با آن فرد همراه و همگام خواهند بود. البته نوع موفقیت باز به اراده و خواسته فرد بستگی دارد. شاید به نظر برسد که از سوی جامعه نیز مورد تقدیر و تمجید قرار گرفته و مشهور خواهد شد، اما باید گفت که در این



تخمین سن بر روی خط موفقیت.

رابطه موفقیتی برای فرد محسوس نیست.

با این تدبیر و اوصاف مشخص می‌گردد که وجود خط موفقیت در دست انسان می‌تواند بسیاری از مسایل را در آینده رقم بزند و مشخص نماید. ناگفته نماند که محل اصلی ظهور و دوام خط موفقیت همانگونه که گفته شد از زیر انگشت انگشتری می‌باشد ولی این احتمال نیز وجود دارد که از برجستگیهای عطارده، ماه و یا خطوط عقل، سرنوشت و زندگی ظاهر گردد.

اگر خط موفقیت از خط زندگی ادامه پیدا کند، آن زمان می‌توان یقین کرد که موفقیت فرد با قابلیتها و استعدادی شخصی وی مقدر خواهد شد. وجود خط موفقیت صاف و بدون پرز نشان از موفقیت و پیروزی مطلق فرد در کارها و وظایفش می‌باشد.

### در سایه حمایتها

اگر خط موفقیت از برجستگی لونا (ماه) شروع شده باشد، نشان از نایل آمدن فرد به موفقیتها بوده اما این موفقیتها تنها در سایه حمایتها و مساعدتهای دیگران مقدور خواهد بود. شاید این نوع فرد در کارهایش قابلیت و استعداد کافی در کسب موفقیتها نداشته باشد و لذا باری دیگران او را به درجاتی خواهد رساند که برای خودش نیز قابل حیرت خواهد بود.

اگر در کف دست فردی خطوط عقل و موفقیت هر دو آشکار دیده شوند، در واقع می توان نتیجه گرفت که فرد در کارهای فکری پیروز خواهد شد. کارهای فکری می تواند شاعری، نویسندگی، هنرپیشگی، سناریو نویسی باشد.

اگر خط موفقیت از وسط دست انسان شروع شده و ادامه یافته باشد، چندان رمز موفقیت دائمی نمی تواند باشد. زیرا ممکن است در طول زندگی با مشکلاتی مواجه گردد و در شکست دادن مشکلات به موفقیتهایی برسد که این نوع موفقیت را نمی توان در زمره موفقیتهای شغلی قرار داد.

اگر خط موفقیت از روی خط قلب شروع شده باشد، نشان از موفقیت فرد در کارهای هنری و صنایع مستظرفه است.

### موفقیتهایی که زاینده استعدادهاست.

برای اینکه موفقیتی را ناشی و منبعث از استعدادهای بالقوه بر شماریم، لازم است که خط موفقیت از روی خط قلب شروع شده و به سوی برجستگی خورشید ادامه داشته باشد. اگر چنین حالتی در دست کسی دیده شود، محقق است که روزی با استفاده از استعدادهای خود خواهد توانست به موفقیتهای خوبی نایل آید.

حقیقت امر اینکه وقتی انسان بتواند استعدادهای خودش را تقویت نموده و به سمت و سوی کسب موفقیت هدایت و سوق دهد، مسلم است که به نهایت پیروزی از آن فرد خواهد بود. در چنین شرایطی باید هم خط قلب و هم خط موفقیت برجسته و مبرز باشند. اگر در دست انسانی خطوط عقل و موفقیت کاملاً آشکار دیده

شوند، یقیناً آن فرد در کارهای هنری بسیار کارآمد خواهد بود. اگر در دست انسانی دو انگشت انگشتری و وسط به اندازه هم بوده و مقدار اندکی تفاوت در بین آنها از نظر طولی وجود داشته باشد و در عین حال خط موفقیت نیز در دستش موجود باشد، می توان نتیجه گرفت که فرد دارای استعداد بسیاری از نظر عقلی و حس ششم بوده ولی این استعداد را در قمار بازی به کار خواهد بست. شاید به نظر برسد که فرد اگر نخواهد قمار نمی کند. ولی خصوصیتی که بر شمرده شد، نشان از عاشق بودن فرد به قمار بازی بوده و موفقیتهايش در قمار بازی مشخص خواهد شد.

اگر در دست فردی خط موفقیت کاملاً آشکار، طولانی و عمیق بوده باشد و در عین حال انگشت انگشتری وی با انگشت کوچکش از نظر طولی یکی بوده و یا تفاوت کمتری داشته باشد، می توان گفت که فرد در تجارت موفق خواهد بود و اگر در قرعه کشی و یا قمار نیز شرکت نماید، بیشتر مواقع موفقیت را تجربه خواهد کرد.

در بسیاری از انسانها وجود خط موفقیت نشان از صحت مزاج و سلامتی و بنیه خوب جسمانی است. انسانهایی که در آنها خط قلب و موفقیتهايشان عمیق، طولانی و مشهود است، غالباً با موفقیتهای دیگران خوشحال شده و سعی دارند زمینه موفقیتهایی را فراهم آورند که نفع دیگران در آن است.

### ستاره بخت و موفقیت

میرز و آشکار بودن خطوط عقل و موفقیت، به طور عموم نشان از موفقیت فرد در زمینه های اقتصادی و پولی دارد. وجود چندین خط در روی برجستگی خورشید (جایی که خط موفقیت در آنجا ظاهر می شود) نشان از امکان موفقیت فرد در کارهای هنری دارد. انسانهایی که دارای این حالت و خصوصیت باشند در کارهای خود به شهرت و معروفیت جهانی می رسند. البته در این نوع افراد میزان آرزوها و خواسته ها نیز زیاد می باشد که همین توقع و خواسته ها خود دلیلی بر تلاش مستمر آنها جهت کسب موفقیت می باشد. اگر در نوک خط موفقیت ستاره ای دیده شود، نشان خوبی برای

صاحب آن محسوب می‌گردد. چنین فردی در آینده به یقین به شهرت رسیده و کاری را که شروع کرده باشد، حتماً در آن پیروز خواهد بود. در برخی از دستان انسانها نشانه‌هایی به چشم نمی‌خورد که ثابت کند دارای شخصیت‌های هنرمندانه‌ای بوده و به درجه شهرت و معروفیت برسند. اما مع الوصف مشاهده می‌شود که چنین افرادی علی‌رغم نداشتن نشانه موفقیت در کار هنری، باز در کارهای سینمایی، نمایشی و سایر رشته‌های هنری به موفقیت‌هایی نایل می‌آیند. این افراد در حقیقت از جمله انسانهایی هستند که در آنها خطوط قلب و عقل برجسته‌تر است. البته موفقیت آنها به سادگی متدور نمی‌شود و منوط به تلاشهای مستمرشان می‌باشد.

در بعضی مواقع نیز دیده می‌شود که فردی هنرمند تا پایان عمر تلاش می‌کند و آثاری را از خود خلق می‌نماید ولی به هیچوجه شهرت کافی برای خود دست و پا نمی‌کند و حتی به نظر می‌رسد که در کارهایش موفق نیست. این افراد اگر در زمان حیاتش مورد ارزیابی واقع گردد، مشخص می‌شود که در دستانش علائم و یا خطوطی در رابطه با موفقیت موجود نمی‌باشد. اما همین که از دنیا می‌روند و وفات می‌یابند، بالافاصله شهرت آنها عالمگیر می‌شود.



در واقع این افراد در زمان مرگ و یا آخرین روزها و هفته‌های زندگی صاحب خطوطی در رابطه با موفقیت در دستان خود می‌شوند که چون عمرشان کنایت نمی‌کند، بعد از مرگشان به شهرت می‌رسند. البته برخی از هنرمندان اگر دارای خطوط موفقیت هم باشند، شاید خط موفقیت آنها از چندین قسمت منقطع گردد، که در این صورت نیز کار آنها بدون شهرت و معروفیت ادامه می‌یابد و بعد از مرگ شناخته می‌شوند. در شکل قبل، نمونه‌ای از خط موفقیت منقطع را می‌بینید.

## قسمت ششم خط سلامتی و صحت

خط سلامتی از زیر انگشت کوچک شروع شده و خود را آشکار می‌نماید. ادامه این خط به سمت وسط کف دست بوده و از آنجا تا خط حیات یا عمر ادامه می‌یابد.



اگر خط عمر و زندگی اطراف انگشت شست را به صورت زنجیری احاطه کرده باشد و خط صحت و سلامتی نیز ضعیف و منتقطع دیده شود، نشان از ضعف بنیه و ناتوانی جسمانی فرد دارد. چنین انسانی تا پایان عمر مسلماً با انواع بیماری دست به گریبان خواهد بود.



اگر خط سلامتی و یا هر خطی که از خط سلامتی جدا شود و به سمت خط عمر حرکت کرده و با آن در تماس باشد، نشان از بروز بیماری و به طور عموم اتفاق افتادن بیماری خاصی که بتواند عمر و زندگی فرد را تحت تأثیر قرار دهد، داشته و حتی احتمال بروز مرگ را نیز رقم می‌زند. البته ناگفته نماند که رفع و پشت سر نهادن این نوع بیماریها نیز محتمل می‌باشد.



### اگر سلامتی شما ضعیف بوده باشد.

وجود شکل یا علامت شبیه به جزیره و یا لکه‌ای خاص بر روی خط سلامتی نشان از اتفاق افتادن بیماری را دارد. اگر این علامت در بالای خط عقل نماد یابد، احتمال زیاد وجود دارد که فرد در زندگیش دچار بیماریهای گوش، حل و بینی شود.



بر عکس این، اگر همین شکل، یعنی لکه یا جزیره در زیر خط عقل دیده شود، می‌توان نتیجه گرفت که فرد در طول حیات خویش دچار بیماریهای سینه، ریه، کبد خواهد شد. البته اگر نوع ناخن فرد دراز و بادامی شکل بوده باشد، احتمال ابتلاء به این بیماریها بیشتر است.



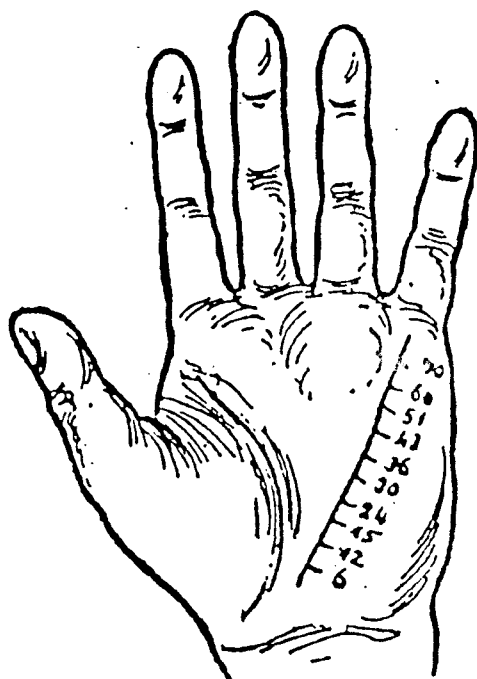
اگر خط سلامتی بریده شده و منتقطع دیده شود و در محلی که خط حیات و یا عمر در آن جای گرفته، انتهای خط سلامتی به آن رسیده و در تماس باشد، آن زمان می‌توان استنباط کرد که فرد دچار بیماری مهلک و جدی تری شده و به نهایت وفات خواهد یافت. اگر خط حیات یا عمر بریده شده باشد و از آنجا به خطی دوگانه تبدیل شده و خط سلامتی نیز دیگر دوام نداشته باشد، آن زمان می‌توان نتیجه گرفت که فرد دچار بیماری جدی شیده ولی از مرگ نجات خواهد یافت و بعد از آن باید به سلامتی خویش بیشتر توجه نماید. زیرا سلامتی وی صدمه دیده و همیشه در معرض آسیب دیدن خواهد بود.





### خط حیات یا عمر تضمین می‌کند.

اگر خط سلامتی از خط زندگی با عمر دور بوده باشد و یا حالتی را نشان دهد که انگار از آن فاصله می‌گیرد، نشان از آن دارد که فرد علیرغم ابتلاء به بیماری به راحتی آن را پشت سر خواهد نهاد. از طرفی وجود چنین علامتی در دست حاکی از وجود عمری طولانی بوده ولی احتمال بروز بیماریها را نیز خبر می‌دهد. داشتن این نوع اشارات در دست ثابت کننده آن است که هر نوع بیماری نیز برای فرد عارض گردد، باز خواهد توانست آنها را به سلامتی پشت سر بگذارد و به عمر طولانی خویش ادامه دهد. (شکل ۶۰)



تخمین سن فرد در روی خط سلامتی و صحت.

در ادامه و جهت تکمیل موارد مذکور باید گفت که عدم وجود یا عدم امکان رؤیت خط سلامتی در دست نشانه بدی نبوده و محسوس نبودن آن از محسوس و قابل رؤیت شدنش بهتر است. شاید در ابراز این حمله تعجب نمایید، اما این موضوع صحت دارد.

اگر در زیر انگشت کوچک خط سلامتی ایجاد شده و از وسط کف دست عبور کرده و از روی خط عمر نیز بگذرد و حالتی را نشان دهد که گویی خط عمر را به دو قسمت تقسیم نموده است، این در حقیقت

معنای بدی داشته و ثابت می‌کند که جان و عمر فرد در طول زندگیش پیوسته در خطر خواهد بود. سلامتی و صحت فرد تحت تأثیر عوامل مختلف بوده و احتمال بروز بیماریهای خطرناک وجود دارد و در اثر همین بیماریها احتمال زیادی وجود دارد که فرد جانش را از دست بدهد.

اگر خط سلامتی با خطوط عمر و قلب یکی شده و شکل مثلثی را تشکیل داده باشند، نشان از بروز بیماری قلبی است که خطر پایان عمر را نیز با خود دارد.

اگر از خط قلب جایی به شکل دایره و یا شبیه به آن دیده شود، نشان از ابتلای فرد به بیماری قلبی می‌باشد. اگر خط سلامتی عمیق و قابل رؤیت بوده باشد و در عین حال رنگی تیره‌تر از بقیه خطها داشته باشد، نشان از احتمال ابتلای فرد به بیماریهای سخت و داشتن تب فراوان در بیماریها دارد. اگر بر خلاف این خط سلامتی نامحسوستر، بی‌نظم‌تر و در عین حال رنگ تیره داشته باشد، آن وقت می‌توان گفت که فرد در عمر خود بارها به بیماریهای صفرای و سنگ صفرا و هم



چنین بیماریهای کبدی مبتلا خواهد شد.

چنانچه خط سلامتی با خطوط ریزی تشکیل شده باشد و به ورت خطوط منقطع دیده شود، نشانگر آن است که فرد از لحاظ جهاز گوارشی دچار مشکل خواهد شد و در دوران مختلف زندگی احتمال دارد از ناحیه معده، روده و سایر جهازهای گوارشی ناراحتی بکشد.

### قسمت هفتم

### خط ازدواج و زندگی مشترک

محل قرارگیری خط ازدواج و زندگی مشترک در میان خط قلب و انگشت کوچک می‌باشد. اگر در روی کف دست این خط دارای حالت صاف، بارز و بدون پرز بوده باشد، نشان از ازدواج سعادت‌مند

و توأم با خوشبختی است.



اگر این خط به سمت داخلی کف دست هدایت شده باشد و حالت قوسی از خود نشان بدهد، حاکی از آن است که همسر فرد دارای عمری کوتاه خواهد بود و علیرغم داشتن زندگی خوب و سعادت بخش، متأسفانه همسرش را به زودی و در سن میان سالی از دست خواهد داد.



اگر خط ازدواج به شکل چنگال و دو سر دیده شود، نشان از بروز طلاق و ناکام ماندن دوران زندگی مشترک دارد.



چنانچه حالت خط دو سر در بیرون از خط ازدواج دیده شود و انگار در انتهای آن خط مشاهده نگردد، آن زمان باید پذیرفت که ازدواج فرد با نامزدش در دوران قبل از ماه غسل و یا شب زفاف به ناکامی سوق یافته و از همدیگر متارکه خواهند کرد. وقتی خطی از خط ازدواج منشعب شده و به سمت انگشت شست هدایت گردد و با خط عمر که اطراف آن انگشت را احاطه کرده در تماس باشد، و یا کمی از روی آن عبور کرده و سر دیگرش به گونه ای باشد که انگار باز حالت چنگال را تشکیل بدهد، نشان از امکان بروز طلاق را در زندگی دارد. این طلاق با دخالت دیگران بوده و گریز از آن ممکن نخواهد بود.



باید صبور و آرام بود.

اگر خط ازدواج از روی خط موفقیت عبور کند، نشان از آن دارد که فرد به خاطر ازدواجی که کرده موفقیت شغلی و اجتماعی خویش را از دست خواهد داد.



اگر خط ازدواج به گونه‌ای پایان یابد که سرش به دو قسمت و یا دو خط منتهی گردد و شکل چنگال را ایجاد نماید، یا اینکه یکی از این خطهای دو شاخه شده به سمت خط قلب متمایل بوده و یا نزدیک آن قرار بگیرد، نشان از عدم خوشبختی فرد در زندگی زناشویی دارد. البته دلیل این بحران و عدم احساس خوشبختی خود فرد می‌باشد. شاید تصور شود که اگر فرد به نهایت تن به متارکه بدهد، شاید لذت خوشبختی را بچشد، اما اینگونه نخواهد بود و هیچگاه از همسرش جدا نخواهد شد. افرادی که دارای این نوع خط در دست خود باشند، همیشه عمری توفانی و زندگی زناشویی بسیار پر آشوب را پشت سر خواهند نهاد. برای رهایی یا کاهش از بحرانها موجود بایستی فرد بر خود مسلط باشد و لاقط خویشتن را کنترل نماید تا کار به جاهای باریکی نکشد.

### تضاد فکری

اگر خطی از خط ازدواج جدا شده و به سمت خط عقل حرکت

نماید و از روی آن بگذرد، نشان از آن دارد که در میان زوجین اختلاف سلبنه و نظر وجود دارد و رخ خواهد داد. کسانی که دارای این نوع خط در دست خود باشند، احتمالاً با کسانی ازدواج نمایند که از نظر اعتقادات دینی با همدیگر تفاوت دارند.

اگر خط ازدواج به نزدیکی یا روی خط سرنوشت برسد و در همان نقطه و یا با گذر از آن شکل صلیبی را تشکیل بدهد، نشان از آن دارد که زندگی مشترک به نهایت با خسران و زیان همراه خواهد بود.



اگر بر روی خط ازدواج شکل دایره‌ای ایجاد شود، نشان از بروز حالات تأسف و ناامیدی در ازدواج دارد و ممکن است این حالت ناشی از خیانت همسر بوده و یا حادثه‌ای باشد که زندگی زوجین را به خطر انداخته و آسایش آنها را سلب نماید.



### خوشبختی در زندگی مشترک

خطی که از خط ازدواج جدا شده به سمت بالا متمایل باشد و با انحنايي مختصر به سمت انگشت انگشتری هدایت گردد و در آنجا با خط موفقیت یکی گردد، نشان از آن دارد که چنین ازدواجی منتهی به خوشبختی شده و فرد با ازدواجش به چنان موقعیتی نایل خواهد آمد که در زندگی و کوشش نیز موفق خواهد بود. امکان دارد این ازدواج از

لحاظ ارث و میراث برایش مهم بوده و یا وصلتی باشد که از طریق آن و فامیل شدن با خانواده طرف مقابل به موقعیتهای مهم لشکری یا کشوری برسد.



اگر بر روی خط ازدواج و زندگی مشترک حالات زنجیر گونه مشاهده گردد و این خط از روی خط موفقیت عبور نماید یا در آن به پایان برسد، نشان از بروز بحرانی در زندگی دارد که ممکن اختلاس، کلاهبرداری و یا تبانی غیر قانونی باشد که زندگی مشترک را نیز تحت تأثیر بگذارد. در چنین حالتی از دست دادن موقعیت شغلی و اجتماعی محتمل است.



اگر در ابتدای خط ازدواج حلقه‌ای مشاهده شود، نشان از آن دارد که همسرش قبل از ازدواج با وی عاشق فرد دیگری بوده و به ناچار تن به ازدواج با وی داده و همیشه فکرش به دوست و یا فرد قبلی می‌باشد و در زندگیش همیشه ناراحتی و تأسف از این حادثه را حس خواهد کرد. این حالت در خود فرد نیز صدق می‌نماید. اگر خط ازدواج به صورت معمولی و بدون پرز ادامه داشته باشد، حاکی از آن است که اگر در زندگی مشترک بحرانهایی نیز رخ بدهد، به نهایت حل خواهند شد و ازدواج و زندگی شیرینی برای زوجین فراهم خواهد آمد.

اگر خط ازدواج خیلی کوتاه بوده و نوک آن به سمت بالا باشد، این حالت نشان می‌دهد که فرد در طول زندگیش به سهولت تنبه ازدواج

نداده و شاید تا آخر عمر ازدواج نکند.  
 از طرفی با درک خط ازدواج و تخمین دوره‌های آن می‌توان حدس زد که فرد در چه سن و سالی ازدواج خواهد کرد. هر اندازه خط ازدواج به خط قلب نزدیک بوده باشد، فرد در سنین جوانی و کم سالی تن به ازدواج خواهد داد. البته از خطوط تأثیری که در نزدیکی خط ازدواج ظاهر می‌شوند نیز می‌توان سن تخمینی ازدواج فرد را مشخص کرد.



اگر خط سرنوشت با خطوط تأثیری کنار خط ازدواج یکی شده و بعد صاف گردد و در خطی مستقیم به مسیرش ادامه دهد، باید گفت که فرد از ازدواجی بسیار خوب و با سعادت برخوردار خواهد شد. بر خلاف این اگر خط سرنوشت به خطوط تأثیری نزدیک شده و بعد از آن ضعیف دیده شود و به همان حالت راهش را ادامه بدهد، آن زمان می‌توان دریافت که فرد در ازدواج و زندگی مشترک خود دچار ناکامیها و بدبختیها خواهد شد.



اگر بر روی خط ازدواج تعدادی خطوط دیگر دیده شوند، این نشانه حاکی از آن است که در زندگی مشترک مشکلی نداشته و صاحب چندین فرزند خواهند شد. اگر این خطوط آشکارتر و پر رنگتر دیده شوند، نشانه تولد فرزندان ذکور و اگر کم رنگتر ولی باز آشکارتر دیده شوند، حاکی از به دنیا آمدن فرزندان مؤنث می‌باشد.



خط ازدواج تنها خطی است که در روی کف دست از سوی هر کسی قابل رؤیت نیست و بسیاری از افراد آن را به اشتباه تعیین نموده و ارزیابی می نمایند و از این رو باز تنها نقطه‌ای است که ممکن است تعبیر از آن درست حاصل نشوند. این خط در برجستگی مرکوری یا عطارد دیده شده و به سمت نوک این برجستگی تمایل دارد. ولی این حالت در تمام افراد صدق نمی‌کند و ممکن است بسیاری از انسانها فاقد این نشانه باشند. البته بودن این خط در روی برجستگی عطارد به منزله وجود خط ازدواج نمی‌تواند باشد. اگر فرد در طول زندگی دچار حوادث عشقی شده و یا ماجراهای عاطفی با جنس مخالف داشته باشد، همین حالات تأثیراتی را در فرد ایجاد کرده و چنین خطوطی در کف دست فرد ایجاد می‌شود. شاید دیده باشید که برخی افراد علی‌رغم اینکه ازدواج نکرده‌اند ولی در روی کف دست خود خطوطی دارند که شباهت زیادی به خط ازدواج دارد. این خطوط نشان می‌دهند که چنان فردی گرچه در زندگیش ازدواج نکرده ولی دچار عواطف و حالات خاص منتج به ازدواج در او ایجاد شده است. به همین جهت امروزه به خطوط ازدواج یا زندگی مشترک نام خط علاقمندی و عشق نیز نهاده‌اند.

اگر بر روی دست انسانی چندین خط ازدواج دیده شود، نشان دهنده آن است که فرد در طول زندگیش چندین بار ازدواج خواهد کرد یا اینکه بارها اسیر عواطف عشقی و ماجراهای ناشی از آن خواهد شد. خط ازدواج هر اندازه عمیق بوده باشد، دلیل عمیق و ریشه دار بودن ازدواج و یا رابطه عشقی را با خود به همراه دارد.

### عشقهای آتشین و بزرگ

خط ازدواج از سایر خطهای موجود در دست انسان بسی نازک‌تر



و نامحسوس تر است. این حالت دلیل بر آن نیست که فرد در ازدواجش شکست خورده و یا تجربه‌های عشقی ضعیفی را پشت سر خواهد نهاد. خط ازدواج در نقطه شروع عمیق بوده و بعد ضعیف تر می شود. این حالت نشان دهنده آن است که فرد در ازدواجش بسیار ثابت قدم بوده و در مراحل دیگر زندگی چندان لذتی از ازدواجش نخواهد چشید و زندگی مشترک برایش یکنواخت جلوه خواهد کرد.

در خط ازدواج مثل سایر خطهای موجود در دست، باز موانعی دیده می شود. این علائم تماماً نشانگر موانعی هستند که در طول ازدواج و یا رابطه عشقی می تواند اتفاق بیفتند. اگر بر روی خط ازدواج علامت صلیبی دیده شود، نشان از بروز مانعی بزرگ در ازدواج و خوشبختی حاصل از آن است. شاید این مانع دخالت فردی از اطرافیان و یا خیانت یکی از طرفین زندگی مشترک باشد. وجود ستاره نیز در روی خط ازدواج و یا انتهای آن نشانه مانع می باشد. چنین علامتی نشانگر بروز ناراحتی و تلخکامی شدیدی در زندگی است. اگر خط ازدواج در روی دست از نقطه‌ای قطع شود و یا بریدگیهایی بر روی آن مشاهده شود باز می توان حدس زد که در زندگی مشترک مشکلاتی پدید خواهد آمد که این مشکلات می تواند مداخلات دیگران در زندگی خصوصی شود.

البته برخی از فال بینان به دلیل اینکه نمی توانند خط ازدواج یا زندگی مشترک را تشخیص دهند، آن را بی اهمیت جلوه داده و به تعبیر و معنی آن نمی پردازند. حال آنکه اگر خط ازدواج به همراه خصوصیات برجستگی زحل توأماً تعبیر و معنی شود، بسیاری از حقایق زندگی شخص محرز می شود. برای اینکه حقایق را از این خط دریابیم لازم است که خط ازدواج را که به سمت برجستگی زحل در جریان است مسورد ارزیابی قرار داده و آنگاه حرکت آن را در برجستگی لونا (ماه) بررسی کنیم. این حالات می توانند واقعات لازم را پیش روی ما بگذارند. خطی که از برجستگی لونا شروع شده و به تنهایی به برجستگی زحل برسد ولی در تماس با آن نباشد، نشان از وجود و ظهور روابط عشقی فرد در زندگی می باشد. این روابط نمی تواند ماندگار بوده و یا منجر به ازدواج شود ولی در دل و روح

شخص تأثیر بسزایی خواهند گذاشت. اگر خط ازدواج و یا یکی از خطوط آن به برجستگی زحل رسیده و در تماس با آن از کنار زحل بگذرد، نشان از بروز عشق و یا ازدواج آتشینی است که ماندگار خواهد بود.

خط ازدواجی که به سوی برجستگی لونا در حرکت باشد و به برجستگی زحل نیز برسد که در میان این منطقه تورفتگی محسوسی در روی پوست دست ایجاد شود، می توان استنباط کرد که فرد در روابط عشقی و یا ازدواج خود دچار ناامیدی و حرمان خواهد شد. در تعیین و تبیین موضوعات مربوط به ازدواج بررسی خط سرنوشت نیز از اهمیت بسزایی برخوردار است. خطی که از روی برجستگی لونا آغاز شده و با خط سرنوشت متحد و مشترک گردد و رنگی تیره تر و عمقی وسیعتر نشان دهد، آن زمان می توان تعبیر کرد که ازدواج و یا رابطه عشقی فرد بسیار عمیق و کامل خواهد بود و از داشتن چنان زندگی احساس خوشبختی خواهد کرد. اگر این خط در نزدیکی خط خورشید نیز دیده شود که بسیار خوب است.

اگر خط ازدواج از روی برجستگی مرکوری یا عطارد گذشته و با حالتی آشکار به سمت پایین حرکت نماید و رفته رفته نازکتر شود، نشان از بروز بیماری است که در طول ازدواج و زندگی مشترک یکی از زوجین را اسیر خود خواهد ساخت. البته باید اضافه کرد که فرد مبتلا به بیماری به مرگ زود هنگام نیز دچار خواهد شد. اگر در وسط خط ازدواج شکلی شبیه به حلته دیده شود، آن زمان باید گفت که فرد از ازدواج خود احساس آرامش و خوشبختی نخواهد کرد و احتمال متارکه و جدایی نیز وجود دارد. شاید این جدایی از طریق قانونی صورت نپذیرد.

اگر در کنار خط ازدواج آشکار خط دیگری به موازات آن دیده شود، حکایت از آن دارد که فرد ازدواج کرده و بعد از ازدواج بار دیگر اسیر احساسات عاطفی و عشقی خواهد شد و با فرد دیگری رابطه خواهد داشت. اگر خط دوم بیشتر آشکار بوده و عمیق باشد، آن زمان باید دانست که این رابطه برملا شده و احتمال دارد زندگی نخست فرد دچار نوسانات و یا ناکامیها گردد.

## قسمت هشتم هلال ونوس

این خط به طور عموم در میان انگشت سبابه و وسط قرار می‌گیرد و ظاهر می‌شود و تا انگشت انگشتری ادامه می‌یابد. این خط به حالت نیمه دایره دیده می‌شود.



### افرادی که بسیار حساس هستند.

در رابطه با این خط فال بینان تعبیر و نظرات مختلفی دارند. برخی از فال بینان این خط را از لحاظ اخلاقی منفی تلقی نموده و ادعا می‌نمایند که وجود چنین خطی در دست فرد نشان از بروز انحرافات اخلاقی بوده و یا اینکه بنیه‌ها و اعتقادات اخلاقی در فرد ضعیف می‌باشد. اما غالب فال بینان و به خصوص چیرو به این عقیده پایبند هستند که چنین خطی با اخلاق فرد هیچ ارتباطی ندارد و برعکس با حالات دقت نظر و توجه فرد در ارتباط می‌باشد. بر اساس اظهارات عالمان برجسته وجود این خط در دست فرد نشان از خصوصیات اخلاقی بارز بوده و چنین فردی از رقت قلب و نرمی خاصی برخوردار می‌باشد. هم چنین وجود این خط می‌تواند دلیل بر احساساتی بودن فرد بوده و علایمی را در ابتلای وی به بیماریهای روحی و روانی از خود نشان دهد.

این خط بسان سایر خطوط نادر نبوده و در اغلب انسانها دیده می‌شود. اگر دست فردی دارای برجستگی هلال ونوس بوده باشد، مسلماً خطهای مختلف و متعددی نیز در درون کف دست او دیده

خواهد شد. اگر به وسط کف دست چنین فردی دقت نمایید، در خواهید یافت که چندین خط کوچک و بزرگ به طرفین کشیده شده‌اند و علیرغم اینکه خطهای بارز دیده می‌شوند ولی به قدری پیچیدگی در در میان خطها وجود دارد که تعبیر کردن آنها مشکل می‌نماید. این حالت نشان می‌دهد که شخصیت صاحب چنین دستی بسیار آشفته بود و عموماً دارندگان چنین دستی از خصوصیات اخلاقی تندی برخوردار هستند. یعنی در شوخی و شادمانی افراط داشته و به همان میزان در عصبانیت و خشم نیز افراط کار هستند. به زودی عصبی شده و واکنش از خود نشان داده و به سرعت فروکش می‌نمایند.

دستهایی که دارای خطوطی اندک و یا نامحسوس می‌باشند، عموماً انسانهایی هستند که دارای ملایمت رفتار بوده و شخصیت آنها به عنوان انسانهای تنبل و بی‌عاشناخته می‌شود. این نوع افراد اگر خط هلالی ونوس را هم در دست خود داشته باشند، چندان تأثیری در رفتار و خل و خوی آنها ندارد.

کسانی که دارای دستانی زمخت باشند و یا رنگ آنها خیلی تیره باشد، حاکی از آن است که فرد بسیار حریص بوده و در مسایل جنسی بسیار طالب می‌باشند و به انسانهای هوسباز معروف می‌باشند. در این نوع دستها خط هلالی ونوس آشکارتر دیده می‌شود و آنها در مسایل جنسی خیلی قدرتمند و رفتارشان متنوع و در عین حال خشن است.

دستهایی که حالت معمولی داشته و خطوط در آن نه زیاد و نه کم دیده می‌شود، غالباً دارای انرژی ملایم و متوسطی بوده و زیاد خود را در هیجان‌ات و یا استرسها قرار نمی‌دهند و بر عکس از قابلیت‌های ذهنی بیشتری برخوردار می‌باشند.

اگر خط هلالی ونوس با خطهای دیگر در تماس بوده و یا با خطهای دیگر قطع شود، و هم چنین برجستگیهای لونا و ونوس در آنها وسیعتر دیده شود، این نوع انسانها دارای خصوصیات اخلاقی عصبی و تند داشته و همیشه از حالات هیستریک رنج می‌برند.

اگر خط هلالی ونوس بتواند از برجستگی زحل گذشته و خط آپولون را قطع نماید، آن زمان می توان گفت که فرد دارای خصوصیت خشم آلودی بوده و گاهی از خود رفتارهایی را بروز می دهد که منطبق با اصول نمی باشند. این افراد غالباً در ایجاد ارتباط با دیگران و یا انجام کارهای فکری و عملی عاجز و ناتوان هستند.

### شخصیتی نامتعادل

اگر خط هلالی ونوس از میان برجستگی مرکوری و خط آپولون عبور کرده باشد، به طوریکه نیم دایره ای را تشکیل داده و خود را متظاهر سازد، آن زمان می توان نتیجه گرفت که فرد تحت تأثیر خصوصیات مرکوری قرار گرفته و به عبارتی در کارهای تجاری موفق خواهد بود. اگر خط هلالی ونوس از دو ساسه خط تشکیل شده باشد، نشان از قدرتمند بودن و استعداد و بنیه کافی جسمانی داشته و شخصیت این فرد نیز بسیار متدراغه جلوه خواهد کرد.

اگر بر روی خط هلالی ونوس خطهای کوچک و ریزی دیده شود که غالباً همین خطها دارای پرز می باشند، می توان استنباط کرد که فرد در کارها و رفتارهایش دچار نقصان شده و برخورد نامعقولی بعضاً از خود نشان خواهد داد.

به طور عموم دستهایی که در آنها خط هلالی ونوس مشاهده می شود، دارای خصوصیات دوگانه ای هستند. یا در آنها عشق و محبت و نرمی زیاد است و یا اینکه انسانهایی تند مزاج و خشمناک هستند. البته تغییر این حالات باز به وجود خطهای دیگر و تمایل خط هلالی ونوس به سایر برجستگیها و خطها بستگی دارد. اما در کل باید گنت که افراد صاحب خط هلالی ونوس انسانهایی هستند که دارای یک خصوصیت اخلاقی واحد و یکسانی نبوده و در آنها دوگانگی اخلاقی دیده می شود. به طوری که گاهی نرم و ملایم و خوش رفتار و شادمان دیده می شوند و زمانی اخمو، تودار و خشمگین به نظر می آیند.

اگر خط هلالی ونوس در کنار دست دیده شود و با خط ازدواج در

تماس باشد، نشانگر آن است که فرد در زندگی زنشویی و ازدواج بسیار مشکل پسند می‌باشد و چیزها و توقعاتی از همسر خود دارد که امکان وجود آن بسیار مشکل می‌باشد. این نوع افراد چون مزیت‌های غیر قابل قبول و یا غیر ممکن را می‌جویند و به آن دسترسی نمی‌یابند، غالباً در خانواده پرخاشگری می‌نمایند و به انسان‌های تندخو و خانواده آزار شهرت دارند.

### قسمت نهم

#### با استفاده از خطوط چگونه می‌توان تاریخ را تخمین زد؟

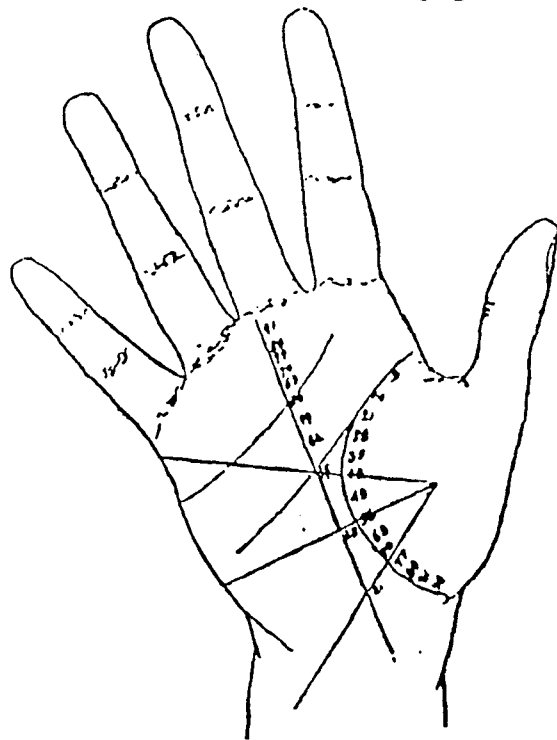
برای آنکه بتوان از روی خطوطی که بر روی دست انسانی نشسته، تاریخ وقوع حوادث را تخمین زد، می‌بایست از سیستمی که در کتب عهد قدیم ذکر شده و به نام سیستم هفتگانه موسوم است، بهره گرفت. در این سیستم آمده است که خطوط دست هر انسانی در هفت سال یکبار دگرگون می‌شود و تغییر می‌یابد. بر اساس همین نظریه و سیستم، وسط کف دست به عنوان میانگین عمر انسان تلقی می‌گردد و میانگین عمر در فال بینی به وسیله دست حدود ۳۵ سال ذکر می‌شود. یعنی وسط دست را باید سن ۳۵ سالگی قلمداد نمود. بینه نقاط دست را می‌توان بر اساس همین تقسیم بندی ارزیابی نمود و نیم اول دست را تسم به ۵ کرده و به هفت قسمت مساوی تقسیم نمود و همان معیار را برای نیم دوم دست اعمال داشت. (شکل ۷۵)

#### تخمین تاریخ حوادث به طور قطع امکان ناپذیر است.

فال بینان کف دست قبل از اینکه به تعبیر و یا معانی خود بپردازند، سعی می‌نمایند که بدون پرس و جو از خود فرد، اقدام به تخمین سن واقعی فرد نمایند. بدین ترتیب هم یقین یافتن صاحب دست به کار فال بین ممکن می‌شود و هم اینکه فال بین به سهولت می‌تواند حوادث را ارزیابی کرده و تاریخ تخمینی حوادث را بیان دارد.

مسلم است که هیچ کس نمی‌تواند از روی رؤیت و توجه به خطوط دست، تخمینی در رابطه با تاریخ دقیق و ساعات و هفته‌ها و

با روز حادثه بیان دارد. آنچه که به عنوان تاریخ تخمین حادثه در فال بینی دست بیان می‌شود، حدس و تخمینی قریب به زمان وقوع است نه تخمین و یا اعلام زمان دقیق بروز حادثه. یک فرد فال بین برجسته تنها می‌تواند سال بروز حادثه را تخمین بزند و بیش از آن قادر به بیان زمان دقیق نیست. برخی از فال بینان ادعا دارند که در روی دست افراد حروفاتی را رؤیت می‌نمایند که با تکیه به آنها قادر هستند زمان دقیق را بیان دارند. حتی ادعا می‌نمایند که با توجه به آن علایم که شکل حروف را دارند می‌توانند فردی را که در زندگی صاحب دست اینای نقش خواهد کرد و یا به عنوان همسر با او شریک زندگی خواهد شد، تخمین بزنند.



ولی تمام این ادعاها دروغ بوده و به هیچ وجه ممکن نیست. زیرا تا به امروز هیچ عالم فال بینی حتی چیر و ادعا نکرده است که در دست انسان علایمی مثل حروف الفباء دیده شده است. شاید خطوطی دیده شوند که شکل حروف را نمایان سازند ولی این خطوط تنها شباهت داشته و خود حروف نمی‌توانند باشند.

### هر دست با دیگری متفاوت است.

فال بینان به طور عموم زندگی هر انسانی را روی هم رفته هفتاد سال در نظر گرفته و تخمین می‌زنند. بر اساس همین تقسیم بندی لازم را در روی کف دست انجام داده و بر روی آن قسمتها بروز حوادث را رقم می‌زنند. البته باید دانست که بر روی هر نوع خطی نمی‌توان تخمینی از بروز حادثه را از لحاظ سنی انجام داد. در تخمین و تقسیم بندی حوادث در سن و عمر آدمی که غالباً بر روی خط عمر انجام می‌پذیرد، از بالا به پایین اقدام به تقسیم بندی می‌نمایند و برعکس آن در تقسیم بندی خطوط سرنوشت و سلامتی از پایین به بالا اقدام لازم انجام می‌پذیرد. بررسی و تقسیم بندی خطوط قلب و عقل نیز از جایی که شروع شده، انجام می‌گیرد.

لازم به ذکر است که نوع و شکل خطوط در تمام دستها به آنگونه که در تصاویر این کتاب ملاحظه می‌کنید، نبوده و تفاوتهای فاحشی در میان دستها وجود دارد. هم چنین باید توجه کنید که حتی خطوط دو دست یک فرد با هم یکی نبوده و مشترکاتی کامل در میان آنها نمی‌توان یافت.

به همین خاطر فال بینان کف دست به سهولت نمی‌توانند تخمینهای درستی از بروز حوادث را در روی خط زندگی و یا سایر خطوط بیان دارند. چه بسا انسانهایی یافت می‌شوند که ادعا می‌نمایند قادر به تعبیر خطوط کف دست هستند ولی در عمل از این کار عاجز می‌باشند. زیرا در نظر داشتن تمامی خصوصیات و خطوط مختلف برای یک فرد ممکن نبوده و به تمرین و ممارست نیاز دارد. چه بسا تعبیری که این افراد بیان می‌دارند درست نبوده و اسباب ناراحتی و یا شادمانی بیپرده فرد را فراهم بیاورند. در حال حاضر ثابت شده که حتی خطوطی در دستها دیده می‌شود که تا به حال شناخته نشده و حتی در کتب قید نگردیده است. شاید نمونه هایی را که در این کتاب مطالعه می‌کنید، برای هر زمان و مکان و جهت هر فردی صادق نباشد و خطوطی در روزها یا سالهای آینده یافت شود



که نتوان نمونه‌های مشابه آن را در این کتاب یافت. لذا کتاب فال بینی کف دست را به عنوان فرهنگ باید شناساند و پذیرفت که هر پنج با ده سال بایستی از نو بررسی شده و تازه‌های علم فال بینی بدان افزوده شود.

اما آنچه که محرز است، اینکه خطوط عمر، قلب، عقل کاملاً در دست شناخته شده بوده و هر فردی با کمی تمرین و مطالعه می‌تواند این خطوط را تعبیر نماید.

### قسمت دهم

## شناسایی و درک برجستگی‌های کف دست

در روی کف دست هفت برجستگی وجود دارد که چهار تای آنها در انتهای انگشتان دیده می‌شود که نرم می‌باشند. دو تای از آنها در کنار کف دست و یک مورد در انتهای انگشت شست واقع شده است. با نگاه به این برجستگیها، هر کدام از آنها نسبت به دیگران آشکارتر و بارزتر دیده شود، صاحب آن دست خصوصیات مربوط به آن برجستگی را با خود دارد. (شکل ۷۶)

در این شرایط هر کدام از انگشتان نامی را که بر روی برجستگی نهاده شده، آن را بر خود دارد که نوع و شکل انگشت باز خصوصیت منحصر به فردی را برای آن برجستگی به همراه دارد. در دست برخی از انسانها برجستگی انتهای انگشتان خیلی بارزتر دیده می‌شود و برعکس آن بعضی از دستها فاقد برجستگی لازم بوده و یا از مبرز بودن ناقص می‌باشند. برخی از دستها نیز دارای برجستگی بوده ولی چندان محسوس نیستند و یا صاف به نظر می‌رسند. بجالب آنکه برخی دیگر نیز به گونه‌ای هستند که گویی به جای برجستگی، حالت تورفتگی در روی آن منطقه به چشم می‌خورد.

هر کدام از تپه‌های موجود در دست بارزتر باشد، شخصیت فرد تحت تأثیر آن برجستگی قرار دارد. اگر برجستگی محسوس نبوده و صاف دیده شود، شخصیت آن فرد نیز به همان میزان چندان مشخص و قابل وصف نمی‌باشد. اگر به جای برجستگی، حالت تورفتگی در انتهای انگشتان دیده شود، شخصیت فرد نه تنها بارز و قابل وصف نخواهد بود که از نظر وجود خصوصیت‌های لازم محروم خواهد

بود.

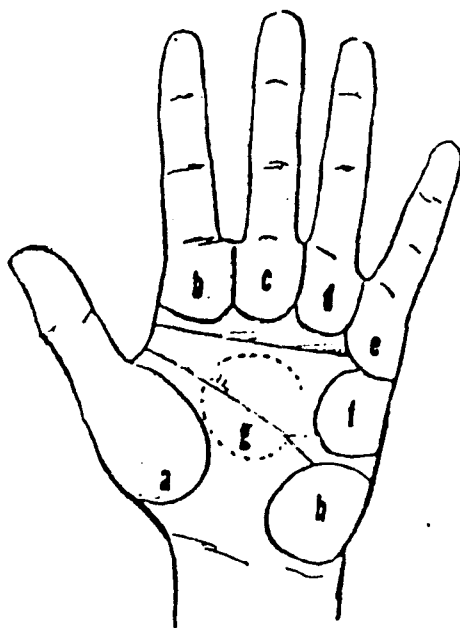
در فال بینی کف دست ابتدای امر باید به برجستگیهای کف دست توجه نمود تا از طریق آنها به خصوصیات بارز فرد پی برد. زمانی که خصوصیت فرد مشخص گردید، می توان وضعیت وی را رد روی دیگر خطوط بررسی کرد و نتیجه کلی را گرفت. اگر به فرض یکی از برجستگیهای کف دست فردی بارزتر و مشخص تر باشد و در عین حال انگشت مربوط به آن برجستگی نیز نسبت به بیه درشت تر دیده شود، آن زمان باید تصور کرد که دست فرد دارای تیپ خاص خودش است. به طور فرض ممکن است این فرد دارای خصوصیت اپولون بوده و یا از خاصیتهای مشتری برخوردار باشد.

در دست برخی از افراد به جای یک برجستگی، دو تایی از برجستگیها مبرزتر دیده می شوند. در آن صورت مشخص است که خصوصیتهای هر دو برجستگی در وجود شخص نماد یافته و تأثیر خواهند نهاد.

### سمبل انسانهای بزرگ

#### ● برجستگی (وپیتر) مشتری:

این برجستگی در زیر انگشت سبابه قرار دارد و در هر دو دست دیده می شود. این برجستگی نسبت به بنیه بسیار مبرزتر و قابل تشخیص می باشد. برجستگی زیاد این قسمت نشانه انتظارات و خواسته های فرد در رسیدن به اوج و مراتب ترقی بالاست. هر اندازه این برجستگی زیادتر باشد، میزان حرص و آرزوی فرد را در رسیدن به مقام و جاه مشخص می نماید. دستهای دارای این نوع خاصیت عموماً صاحبان خود را به سمت رهبری جامعه، سیاستمداری، رهبری دینی و یا نظامی و همانند اینها هدایت می نمایند.



- a) برجستگی ونوس      b) برجستگی مشتری      c) برجستگی زحل  
 d) برجستگی آپولون      e) برجستگی عطارد      f) برجستگی مریخ  
 g) منطقه هموار مریخ      h) برجستگی لونا یا ماه

این برجستگیها ممکن است در تمامی دستها آشکارا دیده نشوند. در برخی از دستها یکی از برجستگیها و در بعضی دو یا سه برجستگی آشکارتر دیده می‌شوند. در چنین شرایطی فرد تحت تاثیر خصوصیت‌های مختلف این تپه‌ها قرار دارد.

خصوصیات اخلاقی بارزی از قبیل امر کردن، احساس غرور داشتن، وابسته به عقیده و یا ایده آل بزرگی بژدن، علاقمند به خود نمایی و ظاهری خوش داشتن، علاقمندی به طبیعت و اوصافی از این قبیل در واقع نشانه‌های خاص این نوع برجستگی است که در انسان آشکارتر می‌سازد. اما باید گفت که در میان انسانها کمتر کسانی یافت می‌شوند که دارای برجستگی بارزتر از نوع ژوپیتر باشند. این قسمت از دست در تمامی دستان تا حدودی برجسته‌تر از بقیه دیده می‌شود، اما کسانی که دارای خاصیت‌های مشتری یا ژوپیتر هستند، نوع برجستگی‌هایشان بسی بلندتر و بارزتر است.

افرادی که در آنها برجستگی منطقه ژوپیتر بیشتر و آشکارتر باشد، غالباً دارای قدی متوسط بوده و بینه جسمانی خوبی دارد. این نوع

انسانها از پوست خوبی نیز برخوردار بوده و بدون پرز دیده می شود. از نظر هیكل نیز درشت استخوان بوده و تا حدودی چاق به نظر می رسند ولی چاقی آنها محسوس نبوده و بد شكل به نظر نمی رسند. چشمان آنها نافذ و معنادار بوده و بینی شكل ماری دارند. یعنی به صورتی است که اصطلاحاً می گویند دارای بینی مار کبراست. این افراد دارای لبهای گوشه تالو و قرمز رنگی دارند و لب پایینی آنها نسبت به لب بالایی کلفت تر و گوشه تالوتر دیده می شود.

اگر بر روی این برجستگی علامت صلیبی دیده شود، نشان از داشتن زندگی مشترک و ازدواج مسعود دارد. اگر در روی آن برجستگی ستاره ای دیده شود، نشان از آینده ای روشن و موفق دارد.

### دنیای درونی بسیار عمیق

#### ● برجستگی ساترن یا زحل،

این برجستگی در زیر انگشت وسطی قرار دارد. این برجستگی هر اندازه بیشتر باشد و نسبت به بقیه برجستگیها وسیعتر دیده شود، نشان از وجود قدرت در شخص دارد. غالباً برجستگی وسیع و بزرگ در زیر انگشت وسطی باعث می شود که خود انگشت وسط نیز بزرگ و قوی به نظر برسد. دستهای بسیار نادری وجود دارد که در آنها برجستگی ساترن یا زحل بیشتر بوده و یا بزرگتر به نظر برسد. اگر انگشت وسطی و برجستگی آن بزرگ و آشکارتر باشد، و علیرغم اینکه در کنار این تپه چنان به نظر می رسد که فرو رفتگی دارد، باز صاحب چنین دستی خصوصیات بارز ساترن را با خود دارد. دقت نظر، تیز بینی، توجه افراطی به بهداشت و سلامتی، دت نظر به جزئیات هر چیزی، محتاط بودن در کارها و حرکت آرام و زیرکانه از خصوصیات است که از برجستگی زحل ناشی می شود.

اگر این تپه بسیار بارز باشد، در مقطعی از عمر آدمی منجر به بیماری مالیخولیا می شود. کسانی که دارای برجستگی زحل باشند، عموماً انسانهایی شکاک بوده و نسبت به هر چیزی تردید دارند. همین خصوصیت باعث می شود که با هر کسی نتوانند افت و خیز

نمایند و از دوستان کمتری برخوردار می‌باشند. این افراد تو دار بوده و بهترین مشغولیت آنها مطالعه یا تماشای فیلم می‌باشد. در شرایط زیادی بسیار خجالتی و یا منزوی بوده و به زودی عصبانی می‌شوند. زندگی با این نوع انسانها بسی مشکل است زیرا به دیگران اهمیتی نمی‌دهند و احتیاط کاری افراطی آنان سبب رنجش خاطر دیگران و همراهان می‌شود. خودشان نیز عیوبشان را دانسته و در ازدواج کردن نیز احتراز دارند و به ندرت آماده ازدواج می‌شوند.

این نوع افراد در مسایل دینی و اعتقادات بسیار حساس بوده و افراط گرا می‌باشند. کسانی که دارای خصوصیات ساترن یا زحل می‌باشند، عموماً از قد و قامت بلندی برخوردار بوده و رنگ پوست کم رنگی داشته و گویی کم خون دیده می‌شوند. سیمای آنها دراز و ظریف است. استخوانهای گونه هایشان برآمده تر دیده شده و دارای دستها و بازوهای درازی می‌باشند. در سخن گفتن و حرفهای آنها همیشه به نوعی نیش زبان و کنایه و طعنه زدن مشهود است. این افراد نسبت به موسیقی بسیار وابسته بوده و علاقمند می‌باشند و اگر بخواهند می‌توانند موسیقیدان خوبی بشوند.

اگر بر روی تپه یا برجستگی ساترن علامت صلیب دیده شود، نشان از ضعیف قلب بودن صاحب دست دارد. اگر در روی این قسمت از دست علامت صلیب بوده و در روی خط قلب او نیز اشارات منفی دیده شود، نشان از بد نیت و بد سرشت بودن فرد دارد. اگر در روی برجستگی ساترن علامت ستاره‌ای دیده شود و در جاهای دیگر نتوان حالت خنثی این علامت را یافت، باید قبول کرد که فرد دیر یا زود به بیماری خیالات و یا مالیخولیا دچار خواهد شد. انسانی که دارای چنین نشانه‌ای باشد، قدرت حاکمیت بر خود را نداشته و بیشتر خیال پرست می‌شود. این نوع انسانها بیشتر دارای دنیای درونی عمیقی بوده و به غیر از خود به کس دیگری نمی‌اندیشند و از این رو با انزواطلبی و رانده شدن سوی جامعه به بیماری مالیخولیا مبتلا می‌گردند.

اگر برجستگی ساترن در انسانی بیشتر باشد، در او میزان صبر و

بردباری نیز بیشتر می شود. اما همانگونه که برجستگی یاد شده بزرگتر باشد و در عین حال برجستگی مرکوری نیز بزرگتر دیده شود، این نوع فرد نمی تواند بر خود حاکم گردد. اگر چنانچه علیغم بزرگی برجستگی زحل، در منطقه برجستگی ونوس نیز علایم بارزی دیده شود، آن زمان شرایط فرق می کند و فرد بسیار مهربان و باترحم می شود و نسبت به طبیعت علاقمندی زیادی می یابد.

کسانی که زندگی را زیبا می بینند.

#### ● برجستگی آپولون:

این تپه یا برجستگی در زیر انگشت چهارم قرار دارد؛ یعنی زیر انگشتی که انگشت را در آن می اندازند. اگر در فردی منطقه آپولون برجسته تر و آشکارتر باشد، همیشه زیباییها را دیده و زندگی را بسی خوشایندتر می بیند و تصور می کند. این نوع انسان دائماً نکات بارز و مثبت زندگی را دیده و فردی خوش نیت می شود و به عبارتی نیک بین می گردد. غالباً کسانی که دارای برجستگی در قسمت آپولون هستند، دیگران را به خوبی تسلی داده و امیدوار به زندگی می نمایند. آنان به خوبی می دانند که چگونه از زندگی لذت ببرند. از چیزهای زیبا خوششان آمده و به آنها با عینک خوش بینی می نگرند. اگر دست به کارهای هنری و یا ذوقی بزنند و یا در ادبیات فعالیت نمایند، آثار آنها همیشه خوشایند جلوه می کند و زیباییها را در آثار خود نقش می دهند. اگر بر روی برجستگی آپولون ستاره ای دیده شود، می توان گنت که چنین فردی اگر دست به کارهای هنری و یا ادبی بزند، به نهایت شاهکاری را از خود ایجاد خواهد کرد.

انسانهایی که دارای برجستگی آپولون در دستان خود می باشند، بیشتر در کارهای آزاد و غیر دولتی موفق هستند ولی متأسفانه همیشه نمی توانند خودشان را با شرایط محیط وفق دهند.

اگر کسی که دارای برجستگی آپولون است، در او برجستگی مرکوری یا عطارد نیز مشهود باشد، آن زمان می توان باور کرد و نتیجه گرفت که وی در کارهایش موفق خواهد بود. دارندگان برجستگی

آپولون غالباً انسانهایی با قد و قامت متوسط بوده و در کارها بسیار دقیق می‌باشند و از نظر سلامتی جسمانی نیز مشکلی ندارند و بدنی ظریف دارند.

قوه ابتکار و ابداع در این نوع انسانها بیشتر است و هر آنچه را که مایل باشند به خوبی درک کرده و یاد می‌گیرند. در ادبیات و هنر بسیار کارآمد بوده و قابلیت تقلید در آنها بیشتر است. لحظه‌ای نشاط و خنده از رویشان دور نشده و اگر عصبانی بشوند، به یکباره عصبانی شده و سریعاً ناراحتی و خشمشان فروکش می‌نماید. رابطه دوستی آنها گذار بوده و به کسی چندان وابسته نمی‌شوند. بیش از هر چیزی به ذوق و علائق خویش اهمیت می‌دهند. مسافرت را دوست داشته و در هر فرصتی زمینه مسافرت را برای خود فراهم می‌آورند. در زندگی نیز به خاطر داشتن روحیه خوب بسیار مسعود بوده و احساس خوشبختی می‌نمایند.

اگر در دستان فردی هم برجستگی مرکوری و هم برجستگی آپولون آشکارتر باشد، بهترین خصوصیت در فرد ایجاد می‌شود. زیرا همیشه تصمیمات و نظراتش خوش بینانه بوده و در مسایل علمی و تحقیقی نیز سرآمد می‌شوند. بهترین مقالات در آنها ایجاد می‌شود و بدون اینکه احساس مشکلی بنمایند، در اندک زمانی مطالب زیبایی را از خود خلق می‌نمایند. اگر بخواهند سخنوران خوبی به بار می‌آیند و حرفهایشان به سهولت در دیگران تأثیر می‌گذارد.

اگر به همراه برجستگی آپولون، برجستگی ماه یا لونا نیز آشکارتر باشد، قدرت تخیل و نظریه پردازی و قابلیت تفکر در چنین فردی افزایش پیدا می‌کند. اما اگر به همراه برجستگی آپولون، در قسمت برجستگی ونوس نیز شرایط مبرزی دیده شود، آن زمان می‌توان نتیجه گرفت که فرد می‌تواند خودش را در نظر دیگران به خوبی مقبول سازد و این آرزوی او هم محسوب می‌گردد.

## عاشق تفریح و ورزش

### ● برجستگی مرکوری یا عطارد:

این تپه یا برجستگی در زیر انگشت کوچک قرار دارد. وجود برآمدگی و حالت مبرز در این تپه، باعث می‌شود که فرد در کارهای فکری و نظری رشد خوبی داشته باشد. غالب افراد صاحب برجستگی مرکوری در کارهایی از قبیل علوم، حقوق، سیاست و پزشکی موفق هستند. البته کسانی که دارای برجستگی زیاد در این قسمت باشند، دروغگوی برجسته نیز می‌شوند و چنان داستانها و ماجراهای دروغین سرهم می‌کنند که کسی قدرت شک و تردید در خود احساس نمی‌کند.

افرادی که دارای برجستگی در نطقه عطارد یا مرکوری هستند، غالباً قدی متوسط، اندامی لاغر داشته و در کارها بسیار دقیق و تمیز می‌باشند. همیشه باتحرک و زنده دل و با نشاط به نظر می‌رسند. به ورزش و تفریحات خیلی اهمیت داده و عاشق آن هستند. در اینها قدرت قابلیت و ابتکار بیشتر است و اگر لب‌په سخن بگشایند، خیلی خوب و جذاب و گیرا حرف می‌زنند. اگر با کسی بحث و مجادله لفظی داشته باشند چنان با استادی ماجرا را به جاهای دیگری کشانند و موفقیت و حاکمیت خودشان را در مباحثه رقم می‌زنند که طرف مقابل خود غافل و متحیر از آنچه که اتفاق افتاده می‌شود.

اگر رونی برجستگی مرکوری سه خط کوچک دیده شود و در عین حال تپه ژوپیتر نیز برجسته تر دیده شود، می‌توان نتیجه گرفت که فرد در کارهای تخصصی و تحقیقی بسیار کارآمد بوده و انرژی زیادی در تحقیقات علمی دارد. این نوع انسانها اگر به کارهای تجاری و یا مشاغل آزاد نیز روی بیاورند، بسیار موفق می‌شوند. افرادی که دارای برجستگی مرکوری می‌باشند، علاقه زیادی به کودکان داشته ولی در سر و صدای زیاد قدرت تحمل آنها را ندارند. این افراد در عین حالی که موفق هستند، همیشه غبطه دیگران را می‌خورند. به طور عموم زودتر ازدواج کرده و از داشتن زندگی مشترک احساس آرامش و لذت می‌کنند.

سلامتی و بنیه جسمانی در این افراد خوب است ولی عصبانیت نیز در آنها زود زود مشهود می‌شود. اما در برخی از آنها ناراحتی



معددهای دیده شده است. اگر بر روی برجستگی مرکوری خطی یا ستاره‌ای و یا صلیبی و یا مثلثی دیده شود، حاکی از موفقیت شخص در کارهایش بوده و همیشه شاهد حوادث خوب می‌باشد... این نوع افراد باید در کارهایشان همیشه جانب احتیاط و نظم را بنمایند زیرا در غیر این حالت وجود علایم یاد شده می‌تواند برایشان بد بماند.

### سمبل جسارت و شجاعت

#### ● برجستگی مریخ:

برجستگی مریخ به سه بخش تقسیم می‌شود. قسمت نخست را مریخ بالایی یا فوقانی نامیده و قسمت دیگر را مریخ وسطی و به نهایت قسمت آخر را مریخ پایینی یا تحتانی می‌نامند. این قسمت از برجستگی در زیر تپه عطارد و وسط خط قلب و عقل واقع است. قسمت مریخ تحتانی و یا پایینی در میان خط عمر و تپه ونوس واقع می‌گردد. مریخ وسطی نیز در وسط کف دست و جایی که آن را نقطه هموار مریخ می‌نامند، واقع شده است.

کسانی که دارای برجستگی‌هایی در نقطه مریخ هستند، غالباً انسانهایی جسور و با شهامت می‌باشند. در آنها خونسردی و عقل سلیم حاکمیت دارد. قابلیت دستور دادن و رهبری کردن در این نوع افراد بیشتر است. به طور معمول در تمامی دستها برجستگی مریخ تا حدودی دیده می‌شود. زیرا در هر انسانی به مقدار مناسبی حالات و روحیات جسارت و شهامت وجود دارد. کسانی که فاقد این برجستگی باشند، مسلماً نمی‌توانند در برابر مشکلات و یا ناملایمات پتاب مقاومت داشته و با آنها به مبارزه پردازند.

کسانی که دارای برجستگی قابل ملاحظه‌ای در نقطه مریخ بالایی می‌باشند، نشان می‌دهد که فرد در مجادله با مشکلات زندگی و شرایط موجود بسیار متهاجم بوده و از چیزی و یا مانعی نمی‌هراسد. این نوع افراد با زیرکی و کاردانی هر راهی را امتحان می‌نمایند تا بتوانند به هدف خویش برسند و از پس مشکلات بر آیند. افرادی هستند که مدام مجادله کرده و از پیروزی خویش لذت می‌برند.

افرادی که در آنها تپه مریخ تحتانی برجسته تر است، عموماً انسانهای جسور و نترسی هستند که بدون ملاحظه به نبرد و مجادله با مسایل و مشکلات خود و زندگی و حتی جامعه می روند و به وجه نیکویی دیگران را هدایت می نمایند. گویی اینها با خطرات و ریسکها بیگانه بوده و چیزی را به عنوان ترس نمی شناسند.

اگر در دست کسی منطقه مریخ هموار که در وسط دست واقع است، دارای خطوط کوچکی باشد، حاکی از آن است که فرد به سرعت در هر موضوع غیر قابل قبول خود عصبانی می شود. اگر در این نوع انسانها منطقه هموار وسیع دیده شود و یا برجسته باشد، چنین فردی مانع نمی شناسد و مدام خودش را به درون خطرات و مشکلات می اندازد تا آنها را رفع نماید. اهداف او را رفع مشکلات تشکیل داده و چنین چیزی در سرلوحه برنامه های زندگی او قرار دارد.

انسانهایی که دارای برجستگیهایی در مناطق مختلف مریخ هستند، غالباً افرادی متوسط قامت، دارای قدرت جسمانی قوی و به حد عالی منتظم می باشند. قدرت تفکر و ذکاوت در اینها بسیار خوب بود و به هر چیزی اهتمام بورزند، همان را به نتیجه می رسانند. انرژی در اینها پایان پذیر نیست و خستگی را نمی شناسند. بسیار دست و دل باز بوده و به روابط دوستی اهمیت زیادی می دهند. تنها چیزی که نباید در مورد این افراد فراموش کرد اینکه، نباید به هیچ وجه آنها را عصبانی کرد، زیرا در صورت عصبانی شدن تا جایی که انتقام نگرفته و یا حقانیت خود را ثابت نکرده اند، دستاز مجادله و خصومت بر نمی دارند. رفتار آنها در برابر دیگران دیپلماتیک می باشد.

اگر در روی مناطق مریخ علامت صلیب یا خطوط موازی و یا ستاره دیده شود، نشان می دهد که فرد از شخصیت بسیار خوبی برخوردار است و در کار مجادله بیش از هموعان خود متهاجم تر می باشد. در این نوع انسانها خشم و رافت همسان است.

### دنیای انسانهای ضعیف

#### ● برجستگی لونا یا ماه،

این برجستگی در سمت راست کف دست واقع شده و به طور عموم شکل و جریان قدرت تفکر انسانها را مشخص می سازد. اگر در

انسانی این منطقه بیش از سایر مناطق برجسته باشد، می توان استناد کرد که فرد دارای قابلیت زیادی در کارهای فکر بوده و قدرت تفکر در او بیشتر است. چنانچه منطقه برجسته ماه بیشتر باشد، در او استعداد های فکری از قبیل نویسندگی، شاعری بیشتر ظاهر می شود. در روی برجستگی لونا یا ماه خطوطی نیز دیده می شود که این خطوط در نوع خود شخصیت فرد را مشخص می نماید. اگر منطقه ماه یا لونا به جای آنکه برجسته دیده شود، وسیع به نظر برسد، ضعف و نقصان فکری فرد را می رساند. در این نوع انسانها قدرت تخیل بسیار کم بوده و در کارهای محاسباتی و فکری نیز عاجز دیده می شوند. غالباً این نوع انسانها چون خود قدرت تفکر و تجزیه و تحلیل مسایل را ندارند، آنچه را که می شنوند به زودی باور نکرده و با ناباوری با حقایق برخورد می نمایند و زیان آن را نیز می بینند. این نوع افراد در واقع چند روزی از زمان و حرکت هموعان خود گویی عقب مانده تر هستند.

اگر منطقه ماه به طرز افراطی وسیع بوده و در عین حال برجسته باشد، دارنده چنین شرایطی با واقعیات دور بوده و ارتباط خودش را با دنیای واقعیات و تفکرات قطع می سازد. این نوع افراد غالباً دنیایی برای خود ایجاد کرده و آن را انسانهایی ضعیف می شمارند.

انسانهایی که از قدرت تفکر عاجز هستند تنها عشقشان تفریحات و سفرهای ساده است. به موسیقی علاقمند بوده و اگر مایل باشند در موسیقی موفق می شوند. در واقع کارهایی که نیاز زیادی به فکر ندارد، برایشان مفید واقع می شود. در دستان بسیاری از موسیقی دانان این نوع نشانه ها دیده می شود.

البته باید گفت که دستانی که حائز شایط مذکور باشند، بسیار نادر بوده و اگر هم داشته باشند، با تپه ای دیگر شرایط خویش را تغییر می دهند. در آن صورت باید اوصاف هر دو تپه را ارزیابی کرد تا به نتیجه کلی رسید.

### تپه توفانی

#### ● برجستگی ونوس

این تپه در زیر انگشت شست واقع گردیده است. اگر تپه ونوس

وسیع، برجسته و آشکار باشد، دائماً نشاط، علاقمندی به موسیقی، داشتن شخصیتی جاذب را به همراه دارد. این نوع انسانها خصوصیات منحصر به فردی دارند و اداره کردن آنها بسی مشکل می نماید زیرا بسان توفان می مانند.

اوصافی که برای دارندگان برجستگی در ناحیه ونوس می توان بر شمرد اینکه: دوست داشتنی بوده و به عشق و روابط عشقی بسیار توجه می نمایند. در برابر دیگران به نوعی جاذب بوده و بسیار دست و دل باز هستند. در خرج کردن ابایی نداشته و هر قدر پول در بیاورند به همان میزان زندگی راحتی را برای خود ترتیب می دهند. قدرت جنسی در این افراد بسیار بوده و همیشه اسیر نیازمندیها و نفسانیات خود بوده و به عبارتی چشم چران و هوسران هستند. اگر فردی که دارای برجستگی وسیع و بزرگ در در ناحیه ونوس باشد و انگشت شست او نیز به همان میزان بزرگ و قوی دیده شود، آن زمان باید نتیجه گرفت که فرد دارای قدرت اراده و شخصیت بارزی بوده و آنچه را که حس می کند و باور دارد، به آن فکر کرده و خواهد رسید. اما اگر انگشت فرد ظریف بوده و به نوعی باشد که به راحتی به عقب برگردانده شود، نشان از ضعف شخصیت وی داشته و اسارت دائمی وی در احساسات و نفسانیاتش را ثابت می نماید.

انسانهایی که در آنها برجستگی ونوس خوب رشد کرده، به خوبی راههای پول در آوردن و ثروت اندوزی را می دانند. گرچه در تجارت زیاد موفق نمی شوند ولی در کارهای هنری و صنایع دستی و کارهای فکری و ذوقی از قبیل نویسندگی، سناریو نویسی مهارت داشته و نبوغ خودشان را می توانند نشان دهند.

اگر فردی که در آن برجستگی ونوس کاملاً مشهود بوده و در عین حال تپه لونا نیز برجسته باشد، آن زمان می توان استنباط کرد که چنین فردی می تواند در صورت علاقمندی به موسیقی در کار هنر موزیک نیز موفق باشد.

### شکل دست چه چیزی را ثابت می نماید؟

زمانی که به فال دست نگاه می کنید، تنها توجه به خطوط و پا برجستگیهای روی دست کنایت نمی کند. در کنار توجه به موارد یاد

شده، باید به شکل انگشتان و دست نیز توجه گردد. خطوط روی کف دست تنها قابلیت‌های انسان را در کنار سرنوشت و آینده وی مشخص می‌سازد، حال آنکه شکل انگشتان و دست در کنار تبیین تأثیرات ارثی و ژنتیکی، به خصوصیات و شخصیت‌های فرد نیز اشاره دارد. شکل دست، روند زندگی و نوع نگرش فرد را در زندگی مشخص می‌نماید و در عین حال تمامی جزئیات نهفته در درون ذات آن را نیز بیان می‌دارد. زمانی که چوبداری برای خرید گوسفند یا گاوی پا به میدان معامله می‌گذارد، قبل از اینکه به سن و یا وزن حیوان توجه نماید، به پوست، زمختی دستها و بازوها و ماهیچه‌ها و هم چنین نحوه ایستادن حیوان دقت می‌نماید. یعنی بدین ترتیب او می‌داند که با توجه به نقاط مختلف بدن حیوان، چه چیزهایی برایش می‌تواند ارزشمند باشد. به طوری که جنس حیوان و شیردهی و یا گوسفالی بودن آن مشخص می‌شود. در جریان بررسی جنسیت و ذات درونی انسان نیز توجه به شکل دست و ناخنها و انگشتان از اهمیت به سزایی برخوردار بوده و می‌توان آنچه را که در خطوط دست نمی‌توان به آن دست یافت، در نوع، شکل و ناخن دست به موارد نهفته در ذات بشر پی برد.

### خصوصیات مختلف:

زمانی که به شکل دست فردی نگاه می‌کنید، ناخواسته تفاوت‌هایی را در میان همان دست با دستان خود و یا دیگران مشاهده می‌نمایید. یعنی شباهت خواه ناخواه در برابر دنیایی از اسرار قرار می‌گیرید که با پردازش به آنها خصوصیات مختلف فرد را می‌توانید دریابید. زمانی که دست فردی را با انگشتان زمخت مشاهده می‌کنید، مسلماً تفاوت‌هایی را در خلق و خوی او با کسی که دارای دستی ظریف و انگشتانی نازک است، متوجه می‌شوید. این در حقیقت تنها در ورودی شما به دروازه اسرار درونی انسانهاست. شاید در نگاه ساده و گذرا به سیمای هر دو نفر چیزی را به غیر از تفاوت قیافه مشاهده ننمایید، اما زمانی که به دستان هر دو نفر می‌نگرید، خواه ناخواه آنچه را که نمی‌دانستید، بدان وقوف می‌یابید.

تا به امروز متخصصان امر و حتی آناتومی شناسان هفت نوع دست را معرفی کرده‌اند که انسانهای روی زمین دارای یکی از این خصوصیات و ویژگیها می‌باشند.

(۱) دست ابتدایی و بدوی که انگشتان آن شکل خاصی داشته و در اصطلاح به دستهای غیر تیز معروف هستند.

(۲) دستهایی که چهار گوشه شناخته شده و غالباً انسانهای کارآمد و متبحر از این نوع دست را دارند.

(۳) دستهایی که نوک آنها به باد بزن شباهت دارد که این نوع انسانها به طور عموم عصبی بوده و اما انرژی زیادی دارند.

(۴) دستهای گره دار که تمایل گر دستهای شخصیتهای فلسفی می‌باشند.

(۵) دستهایی که دارای انحنا بوده و غالب هنرمندان از این نوع دست برخوردار می‌باشند.

(۶) دستهای ایده آلیست که غالب انسانهای درون گرا و پیشرفت کرده از این نوع می‌باشد.

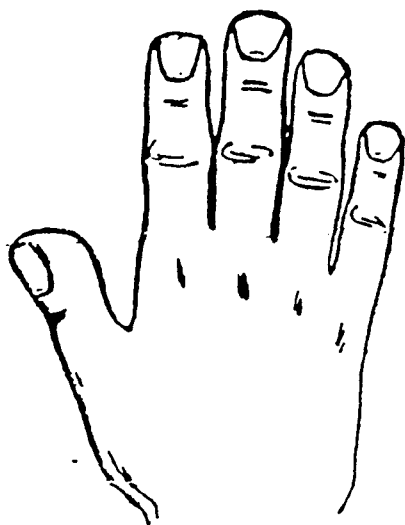
(۷) دستهایی که خصوصیات پیچیده و زیادی را در خود دارند و نمایش می‌دهند.

در کشورهای پیشرفته و یا عقب مانده هیچ تفاوتی میان دستهای انسان وجود ندارد. یعنی به عبارتی می‌توان دستهایی را که دارای خصوصیات بالا هستند هم در کشورهای متمدن یافت و هم در کشورهای عقب مانده. منتها تنها تفاوت در این دو منطقه در نوع زندگی و نوع کارکرد و مشاغلی است که افراد بدان مشغول هستند. غالب دستانی که انسانهای ساکن در کشورهای فقیر از آن برخوردار هستند، از نوع شماره ۱ بوده که کثرت این نوع دست به مسایل وراثتی و محیطی و تغذیه بستگی دارد. اما به طور عموم در جهان دستهایی که به اصطلاح چهار گوشه هستند، بیشتر دیده می‌شود.

### دستهای ابتدایی یا غیر تیز

دستهایی که دارای چنین خصوصیتی باشند، (شکل ۷۷) از نظر شکل و اندازه کمی کوچک دیده می‌شوند. انگشتان در این نوع دست

زمخت و ناخنها به گونه‌ای دیده می‌شوند که گویی شکل کامل خود را نیافته‌اند.



نمونه‌ای از یک دست ابتدایی

دکتر کایرن در کتاب خود به نام «فیزیونومی بینة جسمانی انسان» در رابطه با این نوع دستها چنین ابراز عقیده می‌کند:  
«این نوع دستها دارای استخوانهای پهن و درشتی می‌باشند و کف دست گویی تمامی آن را در بر گرفته و انگشتان اجزای کوچکی هستند که به دست متصل شده‌اند. این نوع دستها به طور عموم خصوصیات بدوی و ابتدایی را در وجود و شخصیت انسان متبلور می‌سازند.»

از این ابراز عقیده می‌توان چنین نتیجه گرفت که کف دست در این نوع دستها غالباً پهن و بزرگ است. در صاحبان این نوع دستها خصوصیات عجیبی مشاهده می‌شود. گویی در این نوع انسانها مغز چندان رشدی از خود نداشته است. به همان میزان که دستها از نوع عادی متفاوت است، نوع نگرش به دنیا و محیط اطراف و واقعیات در کنار توجه به رفتارها و هنجارها در این نوع انسانها دگرگون شده است. همه چیز را ساده انگاشته و فعالیتهای دماغی و یا مغزی در اینها بسیار اندک دیده می‌شود. در این نوع دستها خطوط نیز در مقایسه با سایر

دستها خیلی اندک و یا نامحسوس است. تنها در کف این نوع دستها می توان خطوط عمر، قلب، عقل را محسوستر یافت. اگر به دقت به این نوع دستها توجه نمایید، در کف دستان این افراد مشاهده می کنید که خط عقل در آنها دارای انحناء و خمیدگی است و گویی با نظم ادامه نیافته است.

در این نوع دستها انگشت شست بسیار کوتاه بوده و زمخت تر دیده می شود. قسمت ناخن به گونه ای دیده می شود که گویی زیر نشار مانده و یا ضربه ای به آن اصابت کرده و آنگونه پهن دیده می شود. کاملاً حالت غیر عادی در نوع انگشتان و ناخنها محسوس می باشد. اگر انگشت شست این نوع افراد را بخواهید تا وسط کف دست ببرد، عاجز از آن می شود. زیرا هم کوتاه است و هم زمختی مانع از خمیدگی می شود. منفصل متصل به ناخن انگشت شست به قدری بزرگ و زمخت دیده می شود که گویی در اثر ضربه ای ورم کرده و یا مثل گره می ماند. این نوع انسانها عادات و رفتارهای ابتدایی و غیر متعارف را نمی توانند تحت کنترل خود داشته باشند و غالباً ناآگاه و بی توجه به رفتارهای خود هستند. حتی انی نوع افراد به حرص و خواسته ها و هوسهای خودشان نیز نمی توانند حاکمیت داشته باشند. افرادی که دارای چنین دستانی باشند، در هنگام عصبانیت، به هیچ چیز در اطراف خود توجه ندارند و هر آنچه که به ذهنشان برسد بیان می دارند و بعد از مدتی متوجه خطاهای خود می شوند. با این حال در هیچ کاری جسارت و شجاعت لازم را ندارند. این نوع افراد دور نگر نبوده و چندان اهمیتی به ثروت اندوزی و یا رسیدن به درجات عالی در کار و زندگی نمی دهند.

تمام فعالیت آنها را خوردن، نوشیدن، خوابیدن تشکیل می دهد. در طول زندگی آنها هیچ نوع تازگی و ابداع مشاهده نمی شود و گویی خط سیر زندگی آنها جریانی کلیشه ای است که از یک نقطه شروع شده و به نقطه ای ختم می شود. این نوع افراد چیزی را از خود باقی نمی گذارند و به اندوختن مال نیز راغب نبوده و انسانهایی با زندگی ساده و یا به نهایت متوسط به شمار می روند.



افرادی که از این نوع دستان برخوردار می‌باشند در برابر قانون بسیار مطیع بوده و نسبت به محترمانه برخورد می‌نمایند. آنها هر کاری را بر اساس منطق انجام داده و روشهای موجود را می‌طلبند و از آنها طرفداری می‌نمایند. تمامی وسایل محیط کار و یا منزلشان در نظم و سلیقه خاصی است. در سلیقه و انتخاب بسیار ممتاز بوده و انتظار دارند که باید همه چیز مرتب و منظم بوده باشد.

این افراد تنها در دنیای بیرون و محل کار و زندگی اینگونه نبوده، حتی در روح و روان خود نیز اینگونه برخورد می‌نمایند. از بحث و جدل هیچ خوششان نمی‌آید ولی با این حال در اعتقادات خود بسیار متعصب بوده و عناد و لجاجت به خرج می‌دهند. افکار و ایمان اینگونه افراد به راحتی تغییر نمی‌یابد. بعد از اینکه اندیشه و یا فکری را بپذیرند و آن را درک نمایند، به عزمی راسخ و اعتقادی محکم از آن جانبداری می‌نمایند. اما به چیزی که اعتقاد پیدا نکنند و یا آن را در سطح نظریه‌ای ساده بدانند، چندان اهمیتی بدان نداده و با دیده تردید به آن می‌نگرند.

متأسفانه این افراد با انسانها نیز چندان الفت و خیز ندارند و نمی‌توانند خودشان را با هر کسی سازگار نمایند. چون در برابر افکار خود با دیگران تناوتی دیده و نمی‌توانند از نظرات خود چشم پوشی نموده و حتی لجاجت به خرج می‌دهند، لذا در نگاه سایرین انسانهای کله شق و لجوج شناخته شده و مورد پذیرش قرار نمی‌گیرند. آنها به جای اینکه به نبوغ و استعدادهای خود توجه داشته باشند، به مسایل و اعتقادات خود پایبند می‌شوند و از این رو زندگی معمولی را ادامه می‌دهند.

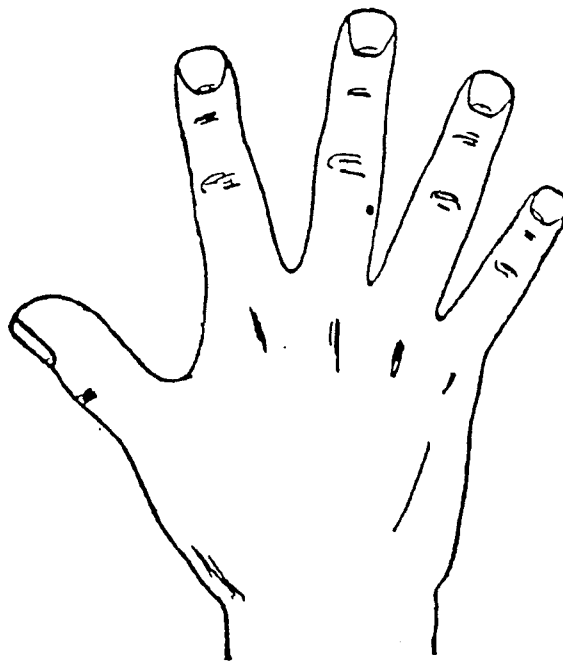
در سخن گفتن آرامش خاصی دارند و گویی می‌خواهند کلام خودشان را حرف به حرف به دیگران بفهمانند. کسانی را که مورد قبول خود دانسته و به آنها با دیده احترام بنگرند، در برایشان خونسردانه برخورد کرده و با صداقت و صبر حرفها و اعمالشان را می‌پذیرند. از این رو بهترین عوامل و پرسنل ارتشی و یا نظامی و انتظامی می‌توانند باشند. اگر از این افراد در مسئولیتهای بالا استفاده شود، در کارشان صداقت داشته و دستورالعملها را به خوبی اجرا می‌نمایند.

### دستان چهار گوش

کسانی که دارای چنین دستانی باشند، به اندازه زیادی کارآمد بوده و از هوش سرشاری برخوردار می‌باشند. قسمت منتهی به میچ در این دست به طور آشکار به شکل مربع و یا چهار گوشه دیده می‌شود. نوک انگشتان نیز به همان صورت چهار گوشه به نظر می‌رسند. این نوع دستها از ناحیه نوک انگشتان گرد نمی‌باشد.

صاحبان این نوع دستها غالباً در کارهای فنی و صنعتی بیشتر کارایی دارند و در کارهای اداری نیز نبوغ این نوع افراد ثابت شده است.

باید گفت که غالب انسانهای موجود در جهان دارای این نوع انگشتان و دست بوده و موقعیتهای اجتماعی و شغلی باعث می‌شود که از نبوغ اینگونه انسانها به نحو احسن بهره برداری نشود. افرادی که دارای این نوع دستان می‌باشد، بسیار متعصب می‌باشند.



نمونه‌ای از دستی که دارای نوک چهار گوش دارد.

این افراد احساسات خودشان را به هیچوجه آشکار نمی نمایند ولی با این حال انسانهای صمیمی و قابل اعتمادی می توانند باشند. اگر با کسی دوست باشند، نسبت به وی احساس مسئولیت و غیرت کرده و جانبداری می نمایند. تنها ایراد بزرگ آنها در این است که ساده انگار بوده و هر چیزی را سطحی ارزیابی می نمایند و متأسفانه تعصب شدیدی در روی تصورات خود دارند. مادامی که چیزی را به خوبی درک نکرده باشند، مایل به پذیرش و باور آن نمی شوند.

در این نوع دستها نیز باز خطوط کمتری دیده می شود. تنها خطوط اصلی در کف دستها مشاهده می گردد. خط عقل بیش از بقیه خطوط در این نوع دستها مشهود بوده ولی این خط راست و کوتاه دیده می شود. در برخی از افرادی که دارای این نوع دستها می باشند، خط عقلشان در انتها به دو شاخه تقسیم می گردد. این نیز اشاره ای به نبوغ این افراد در کارهای هنری می باشد. افرادی که دارای این نوع دستان باشند، در زمان کسب درآمد و ثروت، نخستین کاری را که انجام می دهند این است که خانه و یا محل کار خودشان را به خوبی تزئین کرده و وسایل خانگی و یا اشیای تزئینی می خرند. به خرید وسایل عتیقه و تزئینی و صنایع دستی رغبت زیادی دارند. این نیز به دلیل کارشناس بودن آنها در کارهای هنری و یا صنایع دستی نیست، بلکه نوعی تنظیم گرایشات آنها به هنر می باشد.

### دستهایی با انگشتان کوچک و چهار گوشه

این نوع دستها در میان انسانها بیشتر دیده می شود. کف دستها نسبت به انگشتان وسیعتر است و انگشتان به طور عموم کوتاه و گوشه‌تالو دیده می شود. کسانی که دارای این نوع دستان می باشند، به طور عموم ماده گرا می باشند و نیروی تخیل در آنها قوی نبوده و ایده آلیست نیز به شمار نمی روند. زمانی که چیزی را بشنوند و یا دریابند قبل از اینکه به آن ایمان بیاورند، تمایل دارند که آن را با تمام دلایل و توجیهاتش مشاهده کرده و یا دریابند.

در این نوع دستان نیز غالباً خطوط عقل، قلب و زندگی دیده می شود. اگر خطوط دیگر نیز دیده شود، چندان محسوس نیستند. انسانهایی که دارای این نوع دستها باشند، به طور کلی به غیر از

خودشان هیچکسی را باور ندارند و دنیای درون آنها در نظر دیگران کاملاً مسدود و بسته است. باورشان تنها به خداوند بوده و به آن اعتماد دارند. به پول و ثروت وابستگی و علاقه زیادی دارند و به طور عموم به تدریج صاحب ثروت می شوند. ثروت اندوزی آنها ماحصل استعداد آنها نبوده، بلکه در سایه صبر و بردباری و عزم جزم خود به این ثروت می رسند.

لازم به یادآوری است که اگر دستی خود چهارگوشه باشد و نوک انگشتان نیز چهارگوشه و مربع دیده شود، علائم خاصی را در صاحب آن آشکار می نماید. صاحبان این نوع دستها، از قدرت تخیل و ذهن بسیار نیرومندی برخوردار می باشند. البته اندازه انگشتان در این نوع انسانها بسی درازتر از نمونه قبلی است. کف دستان این نوع انسانها گوشه‌تالو و زمخت دیده شده و باز به شکل مربع دیده می شود. این نوع انسانها در منطق و مسایل واقع بینانه عمل کرده و اهل اصول و قانون هستند.

این نوع افراد در زمان بحث و مجادله به تمام جزئیات توجه می نمایند و قبل از اینکه نتایج مشخص شود، قدرت نتیجه گیری را داشته و تخمین می زنند.

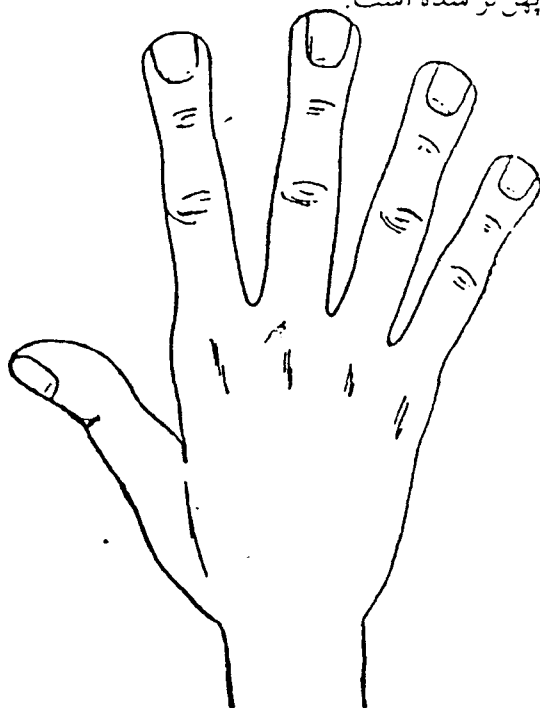
در دستان این نوع انسانها خط عقل بسیار عمیق و آشکار دیده می شود و به طور عموم دارندگان این نوع دستها به کارهای پزشکی، جراحی، حقوق، استادی و کارهای تحنیتی و علمی روی می آورند. دارندگان این نوع دستها مسایل را از دیدگاه علمی و منطقی بررسی کرده و باور نموده و ارزیابی می کنند. آنها نه تنها به مسایل مادی علاقمند هستند، در مسایل معنوی نیز گرایش زیادی داشته و غالب مسایل را در آن سوی ماده می بینند.

اگر کف دست چهارگوشه بوده و انگشتان با گره‌های کوچکی دیده شوند، آن زمان باید تصورات دیگری نسبت به این نوع دستان داشت. دستانی که کف آنها چهارگوشه بوده ولی مناصل آنها با گره‌های کوچکی به نظر برسند، غالباً انگشتانی دراز و ظریف دارند. دارندگان این نوع دستها از نبوغ و استعداد و قدرت تخیل و ذهن بسیار سرشاری برخوردار می باشند و از نمونه قبلی باهوشتر دیده می شوند. دارندگان این نوع دستها هم در کارهای ساده و هم در

کارهای فکری سخت و حل مسایل و ریاضیات سرآمد بوده و در فلسفه نیز با استعداد می‌باشند. دارندگان این نوع دستها غالباً در شغل‌های معماری، ریاضیات، علوم نظری و با شیمی و فیزیک و شاخه‌های علوم تجربی بسیار خوش می‌درخشند. آنها در کار تجارت موفق نمی‌شوند، زیرا همه چیز را با دقت و حساب و کتاب ارزیابی کرده و از کار تجارتي که آشننگی در آن بیشتر است، رنج می‌برند و با اینکه نبوغی در این کار دارند ولی به آن گرایش نمی‌یابند. به ثروت اندوزی اهمیتی نمی‌دهند و در پس انداز کردن نیز کاهل و تنبل می‌باشند. اهل مطالعه زیاد بوده و بیشتر در حول موضوعات مهم و برجسته مطالعه می‌نمایند. برخی از این انسانها خودگاهی صاحب اثر می‌شوند و تألیفات و یا ابداعاتی را پدید می‌آورند. آثاری که ایجاد می‌نمایند و یا می‌نویسند، بیشتر جنبه علمی یا تحقیقی دارد.

#### دست‌هایی با انگشتان ناموزون

این نوع دستان غالباً دارای شکل و حالت متفاوت و غیر معمولی دارد و به عنوان دست‌های ناموزون شناخته می‌شود. به طوری که قسمت کف دست بسی بزرگ و وسیع و طولانی دیده شده و نوک انگشتان نیز دارای شکل بادبزن بوده که گویی با چیزی تحت فشار قرار گرفته و پهن تر شده است.



نمونه‌ای از دست‌های ناموزون

فاصله میان انگشتان در چنین دستهایی بسیار زیاد می باشد. فواصل میان دو مفصل در انگشتان نیز غیر معمولی دیده می شود. به طوری که محل مفصل باگره های درشت دیده شده ولی بعد از آن انگار نازکتر و ضعیف تر به نظر می رسد. انگشتان در این نوع دستها به سادگی به عنب برگردانده می شوند و حالت نرمی خاصی دارند. صاحبان این نوع دستها به طور عموم شخصیت اصلی را نشان می دهند. قدرت تخیل در صاحبان این نوع دستها بسیار قوی می باشد ولی در عین حال از ذکاوت و هشیاری بسیار ساده و سطحی برخوردار می باشند.

کسانی که در کارهای فنی ساده مشغول به فعالیت می باشند، غالباً از این نوع دستها در آنها دیده می شود. صاحبان این نوع دستها قدرت ایجاد و ابتکار وسایل ساده را داشته و چیزهایی که به عنوان ابداعات و یا اختراعات این نوع افراد درست شده و در معرض استفاده عموم قرار می گیرد، چیزهایی هستند که همه می توانند از آن بهره ببرند و مورد استفاده قرار دهند. به طور عموم سازندگان و یا تعمیرکاران ماشینهای لباسشویی، ماشینهای چاپ و کپی برداری، ماشینهای بافندگی و خیاطی و امثال اینها دارای این نوع دستان می باشند. باید گفت که دارندگان این نوع دستها می توانند مهندسان خوبی باشند و در اجرای پروژه های بزرگ نیز اشتراک مساعی داشته باشند ولی با این حال قدرت ایجاد و ابداع چیزهای بزرگ را نداشته و تنها مجریان خوبی در کارهای فنی به شمار می روند. در آنها چیزی که معنای «امکان ناپذیر» داشته باشد، معنی نداشته و باور دارند که هر مشکلی راه حلی دارد. با این وصف خود در حل مشکلات بزرگ عاجز می باشند و از این رو محتاج دیگران بوده و برای حل مشکل خود رابطه خوبی با سایرین دارند. عموماً کارهای ساده و ایجاد وسایل کارآمد ساده برای رفع مشکلات و نیازمندیها از اعمال زندگی آنهاست و از این بابت بسیار کارآمد و فنی به نظر می رسند.

برای اینکه بتوان میزان موفقیت این نوع انسانها را درک کرد، کافی است به خط عقل در کف دستان آنها توجه نمود. در دستان این نوع انسانها خط عقل بسیار عمیق و طولانی دیده می شود و این حاکی از آن دارد که چنین افرادی در کارهای فکری همیشه درگیر بوده و موفق

می باشند. اما در دستان صاحبان این نوع دستها بعضاً موارد غیر عادی نیز دیده شده است؛ به طوری که در کف دست آنها خط عقل یا کمتر و کوتاه بوده و یا اینکه کج و معوج دیده می شود. این نوع خط در دست چنین افرادی حکایت از آن دارد که صاحبان این نوع دستها گرچه سعی می نمایند به کارهای برجسته اقدام نمایند و ابداعاتی را ایجاد کنند ولی به هیچ وجه قادر به کسب موفقیت نبوده و از پس پروژه های بزرگ بر نمی آیند.

انسانهایی که دارای دستانی ناموزون می باشند، بیشتر به کارهای فنی و یا صنعتی روی می آورند. نوع دست این افراد اگر از ناحیه رویی دست، بیشتر به حالت مخروطی شبیه باشد، می توان ادعا نمود که دارنده دست می تواند در کارهای هنری نیز بسیار موفق باشد.

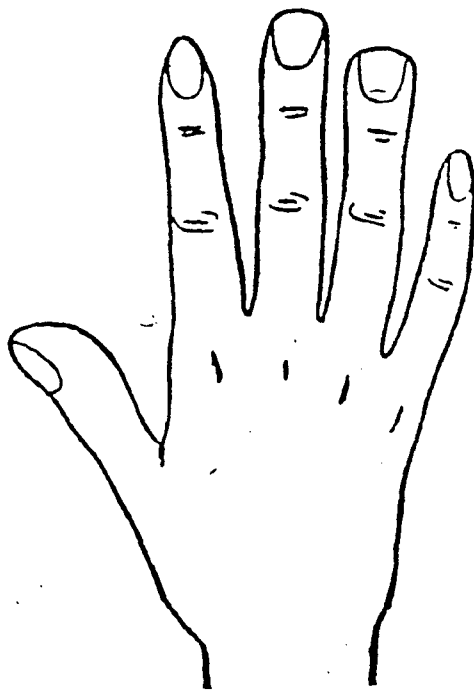
دارندگان این نوع دستها به طور عموم دو نوع روح را در خود حمل می نمایند. همین دوگانگی باعث شده است که دارندگان این نوع دست از دو شخصیت متفاوت برخوردار باشند. در ابتدای امر با نگاه کردن به دستان این نوع افراد بسیار به تحیر می افتیم و شاید تصور می کنیم که شخصیت درونی و ذاتی آنها مثل دستانشان ناموزون و ناهماهنگ است ولی با شناخت روحیه و شخصیت دوم پی به اصل قضیه برده و در می یابیم که دارنده این نوع دست انسانی کارآمد و با تجربه است و در کارهای ادبی، هنری و فنی می تواند موفق باشد و یا بوده است.

اگر کف دست در دارنده این نوع انگشتان به شکل چهار گوش باشد، نشان از آن دارند که صاحب دست از عقل و فراستی ساده برخوردار می باشد. اما اگر بتواند می تواند با تکیه بر علاقمندی و خصوصیت خود در کارهای فنی و اجرایی موفق باشد. هنرمند و یا صنعتگری که از عقل و هوشیاری ساده برخوردار نباشد، همیشه اسیر فردیت و شخصیت خود خواهد بود. زیرا قدرت خیال همیشه در او مزاج بوده ولی چون قادر به اجرای تخیلات خود نمی شود، دست به کارها و یا بیان حرفهایی می زند که برای دیگران عجیب و مسخره می نماید و از این رو غالب افراد، دارندگان چنین دستهایی را به دلیل ناموزون بودن دستهایشان، انسانهایی عجیب بر می شمارند.

البته داشتن کف دست چهار گوشه در دارندگان انگشتان ناموزون

نشانگر متفاوت بودن شخصیت آنها نیز می باشد. به طوری که چنین افرادی بسیار لجوج بوده و کارهای اسلوبی و یا شیوه‌ای کلیشه مانند را ترجیح داده و نوآوری ندارند. البته این خصوصیت در یک فرد هنرمند در شاخه موسیقی و یا نقاشی بهتر است ولی در صنعت و فنون نمی تواند کارساز باشد.

دستانی که دارای انگشتانی ناموزون و کف دست چهارگوشه دارد ولی انگشتان از ظرافت و نازکی محسوس بر خوردار باشند، آن زمان می توان نتیجه گرفت که دارنده این نوع دست در کارهای فکری و تخیلات بیشتر اسیر بوده و از این رو به دنیای مادی توجهی ندارد و فردی معنوی است. به راستی نیز دارندگان این نوع دستها بیشتر علما و رهبران دینی هستند و بیشتر به افکار معنوی توجه دارند. البته نباید استنباط کرد که دارندگان این نوع دستها اصلاً و ابداً نمی توانند خودشان را با دنیایشان هماهنگ سازند، بلکه گاهی در آنها علائق مادی و دنیوی نیز اوج می گیرد و لذا بیشتر مواقع در جنگ و جدال با شخصیت دوگانه خود می باشند. با این وصف غالباً به دنبال افکار و شخصیت ایده آل می روند ولی به هیچوجه موفق نمی گردند.



نمونه‌ای از یک دست با انگشتانی متفاوت



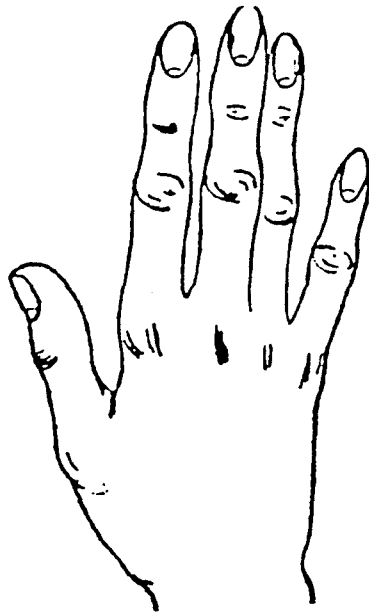
از این رو دارندگان این نوع دستها ناامید بوده و همین ناامیدی آنها بیشتر به مسایل معنوی سوق می دهد. ناگفته نماند که تعداد و میزان دارندگان این نوع دستها خیلی کمتر هستند.

در این میان باید نکته‌ای را ذکر کرد که اگر در چنین دستهایی انگشتان شبیه هم نبوده باشند، که وجود چنین نمونه‌هایی بسیار نادر بوده و کمتر به چشم می خورد؛ آن زمان می توان نتیجه گرفت که دارنده این نوع دست از افکار و اندیشه و قابلیت‌های مختلفی برخوردار است. به طور مثال دارنده این نوع دست از نظر شکل انگشتان به تنوع می رسند. یعنی ممکن نوک انگشت شست فرد مخروطی شکل بوده، انگشت سبابه‌اش گرد، انگشت وسطی چهارگوشه و انگشت‌های دیگر نیز دارای اشکال متفاوتی باشند.

دارنده این نوع انگشتان در مسایل علمی بسیار نابغه می باشند. دست به هر کاری بزنند، به هر شغلی اقدام نمایند و یا مشغول کارهای هنری گردند، یقیناً موفق از کار می آیند. اما باید گفت که چنین انسانهایی در جوامع بسیار اندک می باشند. دارندگان این نوع دستها در یک شاخه نمی توانند حرکت نمایند و چون قدرت تخیلات در آنها بیشتر بوده و در هر زمینه‌ای مشغول گردند بالا فاصله تجربیات خوبی را کسب می نمایند، لذا همین امر باعث می شود که آنها نسبت به نتایج تشنه تر باشند و همین امر آنان را در کارها تلون مزاج می سازد و اگر نتوانند در یک شغلی ادامه کار و فعالیت بدهند، یقیناً به موفقیّت نمی رسند و یا به طور سطحی و منطقی به نتایج نایل می آیند.

### دستانی با انگشتان بادبزی

نمونه این نوع دستها را می توان در انسانهایی که صاحب کارهایی علمی و تخصصی از جمله شیمی و یا رنگرزی هستند، مشاهده نمود. انگشتان در این دستها به گونه‌ای است که گویی هر کدام به آلت و ابزار کاری شباهت دارد. کف دست وسیع بوده و شکل قرارگیری و نوع انگشتان در حالت باز به بادبزن شبیه می باشد. (شکل ۸۰)



نمونه‌ای از یک دست بادبزنی

اگر این نوع دست از ناحیهٔ میخ وسیع بوده باشد، محققاً قسمت بالایی دست از ناحیهٔ نوک تنگ به نظر خواهد آمد. قسمت بالایی دست، یعنی ناحیه‌ای که انگشتان به پایان می‌رسند، وسیع بوده باشد، یقیناً ناحیهٔ میخ دست تنگتر دیده خواهد شد.

اگر همین دست در عین حال زمخت و درشت دیده شود و چنان وانمود شود که دستی قدرتمند می‌باشد، باید نتیجه گرفت که دارندۀ این دست انسانی تنوع طلب و تلون مزاج می‌باشد. دارندگان این نوع دستها غالباً عصبی، بیقرار، عجول، مهاجم، بی اعتنا به خواسته‌های دیگران می‌باشند. با این حال دارای شخصیتی ذاتی هستند و همیشه چیزهایی را چه به صورت عملی و چه به شکل تئوری ایجاد و ابداع می‌نمایند.

در دارندگان این نوع دستها، خط عقل بسیار بارز، راست و عمیق بوده و همین امر باعث می‌شود که عقل سلیم در این دستها باعث شود که رفتارهای مهاجمانه و عجولانه تحت کنترل باشند.

صاحبان این نوع دستها بیشتر ماجراجو می‌باشند و از این رو آرام و قرار نداشته و مدام در حرکت و تکاپو هستند. به نظر می‌رسد که انرژی در اینها پایانی ندارد.

مهندسان و موجدان بسیار برجسته، کارفرمایان بسیار جسور، ایجادکنندگان پروژه‌های فکری و عملی بسیار بزرگ در واقع صاحب این نوع دستها می‌باشند. این افراد به خاطر اینکه به شخصیت و کارآمدی خود وقوف دارند، از این رو تا حدودی بر خود بالیده و فخر فروشی دارند و به هیچوجه دوست ندارند در قید و بند باشند و کسی به آنها دستور بدهد. آزادی عمل و فکر را ترجیح می‌دهند. دست به هر کاری بزنند و یا دنبال هر فکری بروند در آنها گرایش باطل دیده نمی‌شود و نتیجه کارهایشان را به ثمر می‌رسانند.

محیط و شرایط زندگی نیز در این نوع دستها تأثیری ندارد و دارندگان این نوع دستها نسبت به امکانات محیط خودشان به موفقیت‌هایشان نایل می‌آیند. کسانی که صاحب این نوع دستها می‌باشند، عموماً پزشک، حقوقدان، وکیل، ادبیات شناس، نویسنده، دانشمند، هنرپیشه و یا سیاستمدار می‌باشند. چون دارندگان این نوع دستها به نبوغ و استعداد خویش اعتماد داشته و برای رسیدن به نتیجه سریع به شتاب و عجله دست می‌بازند، از این رو دیدگاه آنها برای دیگران بسی متناوت و ناباورانه به نظر می‌رسد و از این رو دیگران دارندگان چنین دستهایی را «دیوانه و بیقرار» دانسته و متهم می‌نمایند.

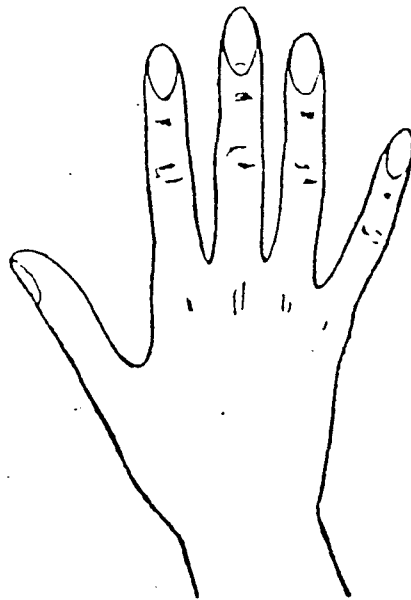
کسانی که صاحب این نوع دستها بوده ولی ناحیه کف دست آنها وسیع بوده باشد، از قدرت تجسم و تخیل خوبی نیز برخوردار بوده و می‌توانند تخیلات خود را به مانند واقعیت در ذهن تجسم کرده و گویی چیز اتفاق نیفتاده را زودتر از موعد به صورت تمام شده و یا اتفاق افتاده مشاهده می‌نمایند و از این رو انسانهایی به نظر می‌رسند که انگار یک روز یا یک دوره از سایرین جلوتر هستند. همین خصوصیت آنها را در درک مسایل یاری رسانده و چنان می‌نماید که از حس ششم قویتری برخوردار می‌باشند و انسانهایی دورنگر می‌باشند.

### دستهایی با انگشتان کشیده و ظریف و زیبا

در یک کلام می‌توان دارندگان این نوع دستها را رمانتیک و احساساتی تعبیر کرد. باید گفت که از این نوع دستها در جوامع به وفور

می توان پیدا کرد. صاحبان این نوع دستها که عموماً دارای دستنمایی دراز با انگشتانی کشیده و ظریف می باشند، از نوعی احساسات ظریف و طبعی حساس برخوردار بوده و به عنوان انسانهایی تابع احساسات شناخته می شوند. در کف شناسی به صاحبان این دستها، دستها عاشق لقب داده می شود.

کسانی که از این نوع دستها داشته باشند، انسانهایی احساساتی بوده و دارای قلبی رئوف می باشند. به مسایل آنگونه که هستند توجه دارند و به زودی از هر چیزی دل آزرده می شوند. قدرت فکر و تخیل در اینها زیاد بوده و از این رو به دستان فیلسوف نیز نامیده می شوند. در کارهای فکری موفقیت همیشه با صاحبان این نوع دستهاست. در طول تاریخ دیده شده است که بهترین موزیکها، عالی ترین آثار هنری، برترین شخصیتهای سینمایی و مورد قبول ترین انسانهای جوامع در ادبیات و مخصوصاً شعر از ناحیه دارندگان این نوع دستها ناشی شده است.



نمونه‌ای از یک دست فیلسوفانه و ظریف

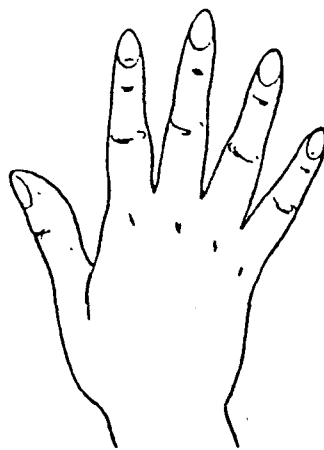
دارندگان این نوع دستها به زیبایی، شیک پوشی و آرایش اهمیت زیادی می دهند. اهل تنوع و تفریح و شادی بوده و با هر چیز ساده‌ای به اوج لذت و شادی می‌رسند. با هر طعنه و کنایه نیز سریعاً رنجیده خاطر شده و تا مدتی کینه به دل می‌گیرند. زیبایی را دوست داشته و عاشق طبیعت می‌باشند و متأسفانه تعریف و تمجید در آنها تأثیرات منفی می‌گذارد. با توجه به اینکه زیبایی طلب می‌باشند از این رو

تعریف و تمجید روحیه منفی خود پرستی و خودخواهی را در آنها افزایش می دهد. ناگفته نماند که ذاتاً در آنها به مقدار معینی روحیه خودخواهی وجود دارد.

در عشق به دلیل احساساتی بودنشان موفق نیستند و به دلیل زود رنج بودنشان، سریعاً تصمیم به قطع رابطه و یا تجدید آن می گیرند و از این رو دارندگان این دستها در جوامع به انسانهای بی وفا شهرت داشته و زنان و مردانی که صاحب این نوع دستها می باشند، متأسفانه به انسانهای شهوتران و تنوع طلب و هرزه معروف می گردند. حال آنکه با شناخت شخصیت آنها می توان به واقعیت پی برد. ناگفته نماند که دارندگان این نوع دستها به صورت ذاتی دلفریب بوده و با هر کسی به سهولت ایجاد رابطه می یابند.

### انگشتان دست مخروطی شکل

به طور کلی انگشتان مخروطی شکل دو نوع می باشند که یکی مخروطی شکل ظریف و کشیده بوده که به آن دستهای فیلسوفانه یا عاشقانه نیز می گویند. کسانی که دارای دستهای فیلسوفانه بوده باشند، بیشتر در کارهای هنری، فکری و ذهنی فعالیت داند. صاحبان دستهای فیلسوفانه غالباً انسانهایی احساساتی، زود رنج و در عین حال متفکر و کم حرف می باشند. در ایجاد ارتباط دچار مشکل بوده ولی به دلیل حرفهای منطقی و ظاهری متفکرانه که دارند، سریعاً در میان مردم جای مناسبی برای خود ایجاد می نمایند. این نوع انسانها همه چیز را با درایت و منطق بررسی کرده و اگر علم و تجربه و دانش کافی در مسایل نداشته باشند، قدرت تجزیه و تحلیل در آنها اندک



نمونه ای از دستی مخروطی شکل

بوده و در برابر مسایل و روابط دچار مشکل می‌گردند که عموماً حالات عصبانیت منطقی و یا تردید و دودلی مداوم در برابر دیگران و مسایل مشهود می‌گردد.

انسانیایی که دارای دستهای مخروطی شکل ظریف می‌باشند بسیار رقیب القلب بوده و اگر مواردی پیش بیاید که دل کسی را برنجانند، از این موضوع بسیار ناراحت شده و گویی با قهر و دشمنی بیگانه هستند و سعی می‌نمایند که به سرعت رابطه را مجدداً احیاء نمایند و دوستی را برقرار سازند. بزرگترین ایراد و عیب این گروه از انسانها این است که بسیار نعام و سخن چین بوده و راز نگهدار نمی‌باشند. در غیب کردن رقبایی ندارند و بسیار شایعه پراکنی را دوست دارند. اما در این میان دستهای مخروطی شکل دیگری نیز وجود دارد که خصوصیات دیگری دارند. به طوری که دستی با انگشتانی به شکل مخروطی که بسیار خوش ترکیب و زیبا دیده شود و از نظر محیطی و گرداگرد انگشت دارای زیبایی خاصی بوده و گرد باشند و حتی نوک انگشتان نیز از نظر دایره‌ای بودن محسوس دیده شوند، خصوصیات دیگری را با خود دارند و نشان می‌دهند.

کسانی که دارای این نوع دستها می‌باشند، در برابر رنگها، طرحها، اشکال و صداها بسیار حساس می‌باشند. در برخی از دارندگان این نوع دستها قابلیت زیادی دیده نمی‌شود ولی به دلیل حساسیتشان به رنگها یا صداها و اشکال، در کارهای هنری از قبیل نقاشی، موسیقی و نویسندگی استعداد دارند. به خاطر اینکه این نوع انسانها از اراده و عزم چندان خوبی برخوردار نیستند در کارهایی که دست به آنها می‌بازند، چندان موفق نیستند زیرا آنها را نیمه کاره رها کرده و یا زود خسته می‌شوند و بدون اینکه به نتیجه برسند، خودشان قضاوت لازم را نموده و ادامه و یا عدم تداوم را برای خود معنی می‌نمایند.

افکار مختلف و گوناگونی ذهن آنها را در بر می‌گیرد. چنان به نظر می‌رسد که انسانی هزار چهره هستند و از هر دهانشان یک صدا بر می‌خیزد. ایراد بزرگ آنها در این است که هیچ کاری را تا پایان ادامه نداده و بیماری ناتمام گذاری دارند. اما در آنهایی که خط عقلشان در کف دستانشان عمیق و بارز باشد از این قاعده مستثنی می‌باشند. دستهایی از این نوع غالباً گوشه‌تالور، نرم و خوشایند می‌باشند. باید گنت هر اندازه دست سنت تر باشد، به همان میزان قابلیت و توانایی بیشتر است.

کسانی که از این نوع دستها دارا باشند، به زودی در اطراف خود تأثیر نهاده و قابل رؤیت می شوند و در اماکن و یا محافل پر جمعیت نیز به چشم می خورند. زیرا دارای خصوصیتی خاص بوده و می توانند به نحوی خودشان را در میان دیگران متظاهر نمایند. بسیار به رقص و جشن علاقه دارند و از مهمانیها لذت می برند. در صحبت کردن و گفت و شنود بسیار مؤثر بوده و می توانند با صحبت کردنشان دیگران را مجذوب خود سازند. در هر مورد و موضوعی می توانند حرف بزنند و اظہار نظر نمایند ولی اطلاعات و آگاهیهای آنها عموماً سطحی می باشد. این افراد متأسفانه بردباری و حوصله پرداختن به عمق مسایل را نداشته و از این رو اطلاعاتشان محدود می باشد. به عبارتی همیشه به جای استفاده و بهره گیری از عقل سلیم، از احساسات و تصورات درونی خود بهره می گیرند. اطلاعاتی را هم که دارند، غالباً به صورت شنیداری برایشان میسر و مقدور شده است. با این حال از هوش و قدرت حافظه خوبی برخوردار بوده و هر آنچه را که شنیده باشند، به خوبی در خاطر نگهداشته و آن را تکرار می نمایند و با توجه به اینکه انسانهایی خوش صحبت می باشند، به راحتی به حرفها و مطالب پرداخت مقبولی داده و می توانند مسایل را به گونه ای بیان دارند که گویی خود در آن زمینه مهارت داشته و متخصص هستند. در یک کلام انسانهایی به شمار می روند که در میان دیگران و جمع دوست داشتنی تر دیده می شوند.

در مورد مسایل عاطفی و عشقی همیشه تحت تأثیر قرار گرفته و زود عاشق شده و به سرعت نیز از عشق و عاطفه خویش دست می کشند. در حقیقت اشتهای میمونی دارند. اگر احساس نمایند فردی بیش از آنها قابلیت و یا استعداد دارد و ممکن جای آنها را در میان جمع بگیرد، قدرت تحمل آن فرد را نداشته و به زودی واکنش نشان داده و حسادتشان را به آشکار در معرض تشخیص می گذارند. به طور عموم سریعاً عصبانی شده و به سرعت نیز آن را فراموش می نمایند. در زمان عصبانیت به هیچ چیز منطقی و استدلال توجه ننموده و هر آنچه به زبانشان بیاید، بیان می دارند و این برایشان به بهای سنگینی تمام می شود. در واقع عجول هم می باشند و به همین خاطر قدرت استدلال خود را از دست می دهند. با توجه به اینکه

روحي مجادله گر ندارند، به راحتی مي توانند روابط گسسته را دوباره احياء نمايند و باز در سايه موهبتي كه خلقت و باني آن به آنها ارزاني داشته، مي توانند بار ديگر در ميان ديگران و حتي انسانهايي كه باعث رنجشان شده اند، جا يگاه خاصي براي خود دست و پا نمايند.

انسانهايي كه داراي اين نوع دستها مي باشند، بسيار رفاه طلب و راحتی جو مي باشند. با اين وصف خود دست و دل باز مي باشند. هميشه اسير احساسات خود بوده و به سرعت نتيجه گيري مي نمايند. اطرافيان و محيط در آنها تاثير زيادي دارد. حتي كوچكترين و بي محتوا ترين چيزها نيز آنها را به سرعت متأثر مي نمايد. رنگ، صدا، حرفهاي دلنشين، اشك، عشق و علاقه، شادي، و چيزهايي شبيه اينها در چنين انسانهايي تاثيرات عميقي دارند.

در دستان اين افراد خط عنل بسيار قدرتمند بوده و مستقيم و منظم مي باشد و اين نشانگر آن است كه فرد در برابر مشكلات زندگي مي تواند به سهولت خودش را رهايي بخشد. اگر صاحب دست زن بوده باشد مي تواند تا حد ملكه شدن پيش برود و اگر مرد باشد قادر خواهد بود در اوج ترين مسندهاي شغلي قرار گيرد.

چنانچه در ميان خطوط عنل و عمر صاحبان اين نوع دستها فاصله اي وسيع ديده شود، آن زمان مي توان استنباط كرد كه چنين فردي به غير از داشتن خصوصيات ياد شده، از حرص و آز زيادي نيز برخوردار مي باشد. اين فرد در برابر مسايل واقع بين نبوده و تمامي موارد شكست را به صورت دراماتيكي ارزيابي کرده و واكنش نشان مي دهد. با تمام اينها دستاني كه داراي خصوصيات مذکور بوده باشند، بيشتر از توانايي الهام برخوردار مي باشند و اگر به خوبي هدايت شوند، مي توانند مديومهاي خوبي از كار در بيانند.

در سخنوري و كسب الهام بسيار كارآمد و نابغه بوده و غالب شخصيتهاي برجسته جهاني و خطبای معروف داراي اين نوع دستان بوده اند. به طوري كه ويليام جنينگز<sup>۱۱</sup> يكي از خطبای آمريكايي كه در دفاع از حقوق توده مردم آمريكا به سخنراني و خطبه خواني پرداخته و در ميان جمعيت آن زمان به فردي مشهور بود كه از دهانش عسل فر مي ريخت، يكي از شخصيتهاي بارز و نمونه محسوب مي گدد.

بايد گفت كه صاحبان اين نوع دستها در مسايل معنوي نيز بسيار



حساس می‌باشند. با توجه به اینکه مسایل معنوی با روح و احساسات فرد در ارتباط است، افراد صاحب چنین دستانی به معنویت بیشتر توجه دارند. اگر در این مسیر هدایت شوند و تقویت گردند، انسانهای بسیار دینداری می‌شوند و اگر بر عکس آن در مسیر احساسات دنیوی هدایت گردند، انسانهای بسیار احساساتی، تأثیر گذار، شهوتران و دلتربیب می‌گردند و این بیشتر در زنان صد می‌کند. یعنی به عبارتی احساسات دنیای درونی آنها را مشخص می‌کند و در آنها حد و مرز متعادلی وجود ندارد. یا به افراط دنیاطلب و تابع احساسات و لذایذ دنیوی هستند و یا اینکه بسیار دیندار و اسیر احساسات ایمانی و دینی می‌باشند. شاید به همین خاطر است که به دارندگان این نوع دستها لقب «دستهای روان درونی» را داده‌اند. در واقع با رؤیت چنین دستانی می‌توان دریافت که صاحب آن تابع درون و دنیای روحی و روانی درون خود می‌باشند.

### اشکال و انواع ناخنها

انسانها عموماً به تنها نقطه‌ای که از وجود خود و دیگران غافل هستند و چندان اهمیت نمی‌دهند، شکل و نوع ناخنها می‌باشد. زیرا تصور می‌نمایند که عضوی زاید در بدن بوده و شاید همه آنها به یک شکل می‌باشند. در تصاویر ضمیمه نوع ناخنها را خواهید دید.

البته ناگفته نماند که ناخنها نه تنها خصوصیات روانی و درونی انسانها را مشخص می‌نماید که از وجود و احتمال بروز انواع بیماریها نیز خیر می‌دهد. اغلب پزشکان در معاینات خود به ناخنها و وضعیت آنها توجه دارند. زیرا می‌دانند که ناخنها علاوه از اینکه احتمال بروز و یا وجود برخی بیماریها را در ارگانهای مختلف بدن مشخص می‌نمایند که به برخی نامتعادلیهای شیمیایی در بدن نیز اشاره می‌کنند.

ناخنها به طور عموم به چهار دسته تقسیم می‌شوند:

(۱) ناخنهای دراز.

(۲) ناخنهای کوتاه.

(۳) ناخنهای پهن و وسیع.

(۴) ناخنهای تنگ و به هم فشرده.

وجود ناخنهای دراز نشانگر آن است که صاحب دست از سلامتی

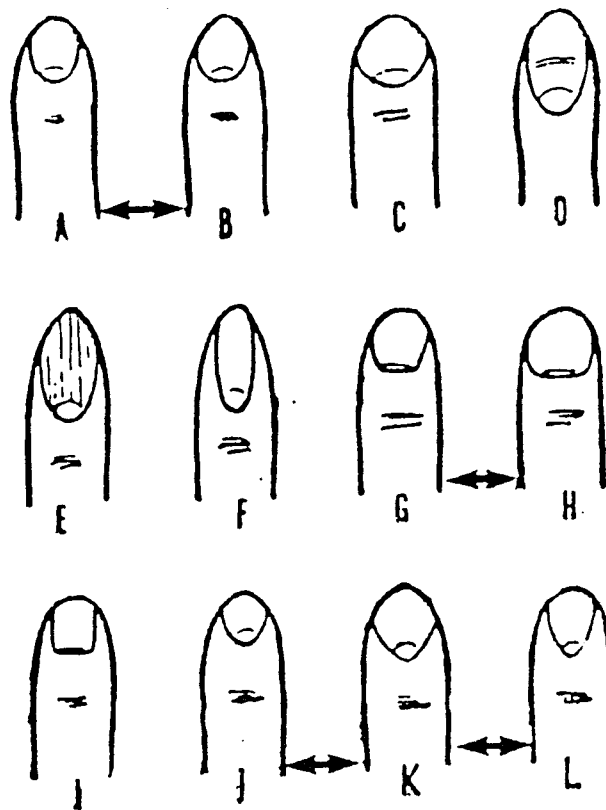
خوبی برخوردار بوده ولی همیشه در معرض ابتلاء به بیماریها می باشد. (شکل D-۸۶) صاحبان این نوع ناخنها غالباً در زندگی خود دچار بیماریهای ریوی شده و جهاز تنفسی آنها همیشه در معرض خطر می باشد و از حساسیت بیشتری برخوردار می باشند. اگر ناخنهای دراز بوده و از رنگ پریدگی خاصی برخوردار بوده و یا به سفیدی بگرایند، نشان از آن دارد که فرد دچار بیماری کم خونی بوده و فرد ضعیفی می باشد و در برابر سرما چندان مقاومتی ندارد. این نوع افراد اگر بیمار شوند، تنها نشانه سریع بیماریشان را که تب شدید می باشد، از خود نشان می دهند. اگر رنگ ناخنها به رنگ هوایی متمایل باشد و بر روی ناخنها خطوط نازکی به امتداد طول ناخن داشته باشند، (شکل E-۸۶) باید نتیجه گرفت که صاحب چنین ناخنی به راستی انسانی حساس و ضعیف در برابر بیماریهاست و باید بیشتر مراقب خود باشد.

ناخنهای دراز و در عین حال تنگ و باریک عموماً نشانگر آن هستند که صاحب ناخن در بیماریهای استخوانی و مخصوصاً نخاع از قبیل سیاتیک، دیسک کمر، آرتروز و... بسیار ناتوان بوده و احتمال بیماری در آن بیشتر است. البته این نوع ناخنها اشاره ای به نوع و بروز بیماریهای نهفته در بدن نیز دارد. (شکل F-۸۶)

ناخنهای کوتاه و گرد نشان از بروز بیماریهایی در ناحیه حلقوم و یا گلو دارد و نشانگر آن است که فرد همیشه از بیماریهای تنفسی و یا ناحیه گلو ناراحت بوده و بروز التهابات مختلف در آن نواحی احتمال دارد. دارندگان این نوع ناخنها، غالباً از بیماریهای آسم، برونشیت مزمن و امثال اینها احساس ناراحتی می نمایند. (شکل B-C-J-۸۶)

اگر ناخنهای کوتاه و بسیار ریز بوده باشد و در انتهای آنها سفیدی هلالی شکلی دیده شود، نشان از وجود بیماری در دستگاه گردش خون دارد و شاید هم در ناحیه قلب و یا عروق دچار مشکل می باشد. (شکل J-K-L-۸۶)

برعکس این قضیه اگر ناخنی از سفیدی هلالی شکل بزرگی برخوردار باشد، (هر نوع ناخن) آن زمان می توان استنباط کرد که



نمونه‌ای از ناخنهای مختلف

صاحب این ناخن دارای قلبی توانمند بوده و سیستم گردش خون در بدنش نیز به خوبی فعالیت دارد. کسانی که دارای این نوع ناخنها باشند، همیشه از شدت ضربان نبض برخوردار می‌باشند. (شکل ۸۶-A-B)

اگر ناخنها به گونه‌ای دیده شوند که گویی در گوشت انگشت فرو رفته‌اند و هم چنین بر رویشان خطوطی دیده شود، آن زمان باید نتیجه گرفت که خطر جسمانی و بیماری نهفته جدی در آن شخص وجود دارد که باید خود را تحت آزمایشات مختلف قرار دهد تا مشکل خود را رفع نماید. (شکل ۸۶-C-H-I)

اگر اطراف ناخنها پولک زده باشد و گویی لایه‌ای پوسته مانند در میان ناخن و گوشت دست وجود دارد، و لایه‌ها منظم و مشخص بر

روی هم دیده شوند، آن زمان باید پذیرفت که شخص دچار ناراحتی عصبی بوده و یا در آن مقطع از زندگی خود با فشارهای روحی و روانی گرفتار است. البته برخی از بیماریهای دستگاہ گردش خون نیز موجب این نوع عارضه می شود. (شکل J-K-L-۸۶)

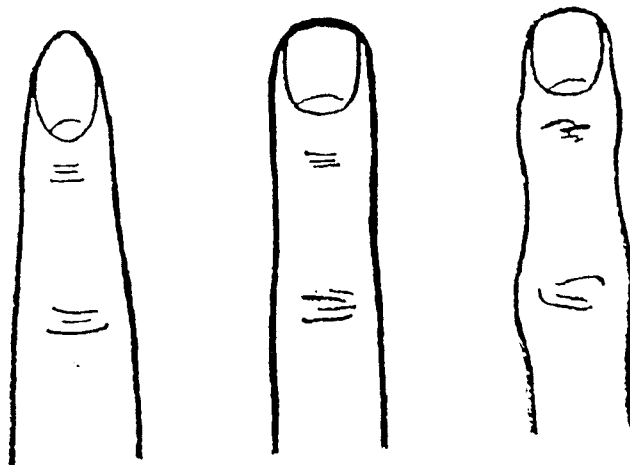
اگر بر روی ناخنها نقاط و لکه های سفید رنگی دیده شود، نشان از آن است که فرد بسیار عصبانی است و یا در این ایام عصبانیت او را اذیت می کند. در این نوع ناخنها لکه سفید هلالی شکل در انتهای ناخنها دیده نمی شود. وجود بحرانهای روحی و فکری نیز چنین عوارضی را در ناخنها ایجاد می نماید.

وجود هر نوع خطی بر روی ناخن همیشه نشان از ضعیف بودن سلامتی فرد دارد. هم چنین ناخنهای شکننده و ضعیف نیز همین استنباط را پیش روی می گذارد. (شکل E-۸۶)

شکل گدگونه ناخن نشان از ناسالم بودن قلب فرد داشته و اگر در این نوع ناخن علامت هلالی گونه سفیدی در انتهای ناخن دیده شود، و یا رنگ به هوایی بزند، نشان از وجود ناراحتی جدی در قلب و عروق دارد.

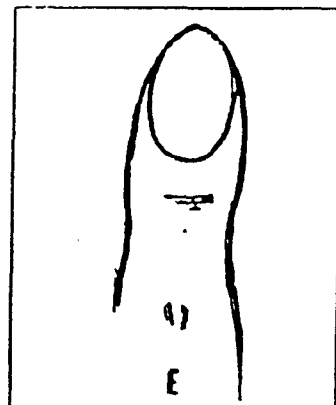
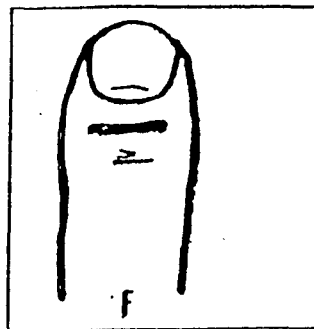
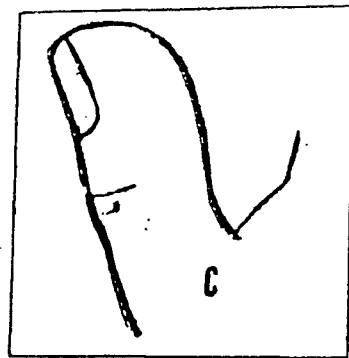
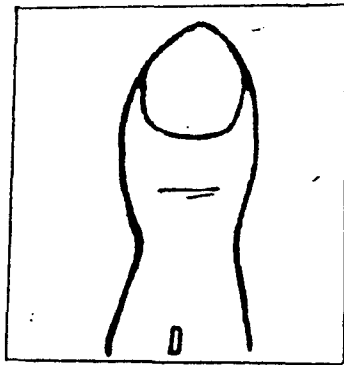
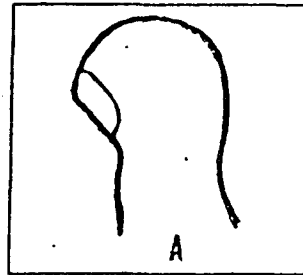
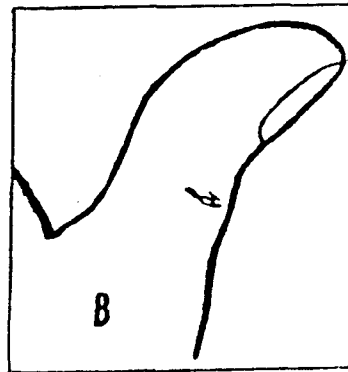
علایم شخصیتی که از ناخنها می توان اخذ کرد.

دارندگان ناخنهای ظریف و کشیده و یا به عبارتی دراز، دارای روحیه ای آرام می باشند.

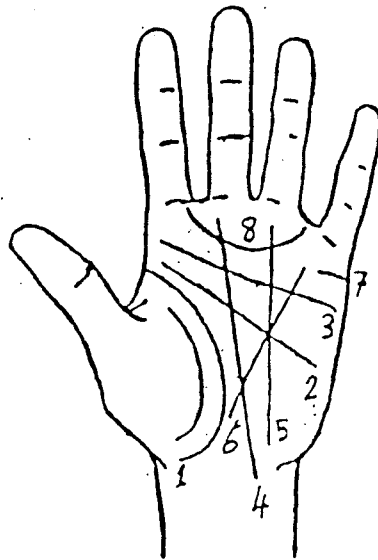


دارندگان ناخنهای کوتاه به طور عموم انسانهای ایده آل طلبی هستند و بیشتر این افراد در شاخه‌های هنر و یا ادبیات به موفقیت‌های قابل ملاحظه‌ای می‌رسند. این نوع انسانها به همه چیز با دید انتقادی می‌نگرند و بسیار دو دل می‌باشند و به همه چیز با تردید نگاه می‌کنند.

انسانهایی که دارای ناخنهای کوتاهی باشند، به همه چیز از عمق توجه می‌کنند و به تحلیل و تجزیه مسایل می‌پردازند. اما عیب دیگری نیز دارند که بسیار عصبانی شده و زود خشمناک می‌شوند.



دارندگان ناخنیهای وسیع یا پهن غالباً انسانهایی هستند که دائماً خودشان را با دیگران درگیر نموده و افرادی مجادله گر و نزاع کننده به شمار می روند. در هر چیزی حالت تهاجم یافته و عصبی می شوند. دارندگان ناخنیهای کوچک و باریک غالباً انسانهای محتاط، ترسو و کم حرفی هستند و از بروز مشکلات هراس دارند. از این رو به همه چیز با شک و شبهه نگریسته و قدرت و جسارت اقدام به کارها را ندارند.



بعد از اینکه به خطوط دست نگاه کردید، باید در آخر به این نکته توجه داشته باشید که خطوط موجود در کف دست هر انسانی با خطوط فرد دیگری مشابهت نداشته و اگر خطوط بروز حوادثی را خبر می دهند، این بدان معنا نیست که دیگر چاره‌ای وجود نداشته و راه‌گریز از ناملایمات وجود ندارد. خطوط آنچه که در حال تکوین و شدن است را به شما نشان می دهد و انسان می تواند با شناخت و درک موضوعات و مسایل راهکاهای مناسبی را انتخاب و ایجاد نماید که محققاً تأثیرات فکری و روحی و عملی باز بر روی خطوط دست را می توان درک کرد. در نگاه اول به خطوط دست می توان به شخصیت کنونی فرد واقف شد و بعد از آن هم فال بین و هم صاحب دست می تواند مسیر زندگیش را آنگونه که مورد نظرش است، تعیین نماید. باید این را بدانید که درک آینده به صورت مطلق ممکن نیست.

آنچه که به عنوان تحلیل از روی خطوط دست حاصل می‌شود، در واقع تخمین و حدس و گمانهای قریب به یقینی است که استنتاج می‌گردد. باید توجه داشته باشید که بسیاری از این حدس و گمانها اگر از سوی کف شناس واقعی و مجرب بیان گردد، به حقیقت خواهند گرایید ولی این احتمال نیز وجود دارد که حدس و گمانها تماماً حالت واقعی به خود نگیرند. باید بدانید که خطوط نشانه‌های قطعی زندگی آینده شما نبوده و تنها زنگ اخطار و صدای هشدار است که به شما در رابطه با خود و زندگیتان به حرکت در آمده و خبرهای نهفته در خود را آشکار می‌سازد.

### علائم عمومی در کف دستها و انگشتان

- خطوط کم رنگ ← فقدان نیرو و انرژی - ضعف جسمی
- خطوط سرخ رنگ ← انرژی زیاد - تمایلات افراطی
- خطوط زرد رنگ ← ناراحتی کبد و صفرا - ترشروئی - بی‌حوصلگی
- خطوط دو شاخه ← خوب
- خطوط چند شاخه ← در ابتدای هر چیز، خط را ضعیف می‌کند،
- ←← در انتهای خط زندگی دلیل کم شدن نیروی عصبی است
- خطوط موجی و نوسانی ← ضعف اراده و عدم اعتماد بنفس
- خطوط شکسته ← معنی خط را در محل گسستگی (شکستگی) قطع و خراب می‌کند
- اما اگر در انتهای یک خط بر بالای خط
- دیگر باشد، شکستگی چندان بد نیست
- خطوط مضاعف (برادر) ← قدرت خط را می‌افزاید

خطوط زنجیره ای ← فقدان نیروی حیاتی - عقیده و ثبات ~~محکم~~

خطوط بالا رونده (پره های قائم) ← خوب  $\parallel$

خطوط نزولی (پایین رونده) ← بد  $\perp$

مربع ← خوب - حفاظت شخص از خطر □

بنجره ← بد #

ستاره ← معانی مختلف دارد \*

جزیره ← بد  $\phi$

صیغ ← معانی مختلف دارد  $\neq$

دایره ← بیشتر خوب است ○

نقطه ← بد است ●

---

دست چپ ← بیشتر نشان دهنده تمایلات طبیعی و ارثی است

دست راست ← بیشتر نشان دهنده کیفیات تربیتی است

- توجه داشته باشید که لکه های سفید روی ناخن دال بر اختلال

سیستم عصبی است و هلال (ماهک) ناخن دال بر قدرت عمل قلب

و سرعت گردش خون است و ناخن های بلند و بلوطی دلیل

ضعف ریه است و ناخنهای کوتاه و بدون ماهک و گرد و بدون

خط سلامتی قوی ← ضعف قلب

### انگشت شست

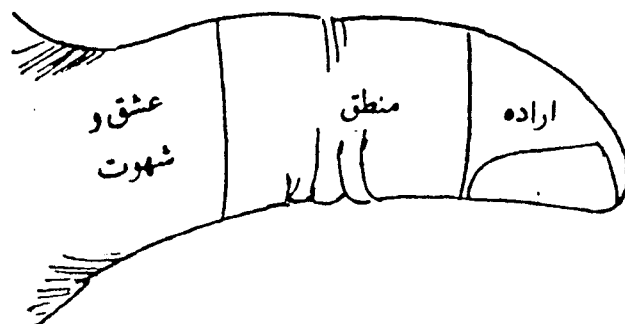
گوشت آلوده بودن و کوتاه بودن شست ← حیوان صفتی

خم داشتن سر شست ← ساده لوحی - سخاوتمندی - بخشندگی

زنجیره ای بودن خط دوم شست ← تنگی نفس



بره های روی بند اول شست ← برونشیت - سرما خوردگی سخت  
 شست کوتاه و زمخت ← بی شعوری - زور گوئی - تندى عقاید  
 شست خوش فرم و بلند ← عاقل - افکار خوب و متعادل  
 شست با انگشت نشانه زاویه قاعده تشکیل دهد ← افراطی بودن احساسات  
 شست نرم و انعطاف پذیر ← تندى افکار  
 شست سخت ← محتاط - با فراست در قضاوت



۱- غرق شدن

۲- تبه کاران - محکومین با اعدام

۳- ضعف اراده

۴- بیدین - بی اراده

۵- اعدام

۶- غرق شدن

۷- عصمت - فروتنی - تقوی

۸- شهوت

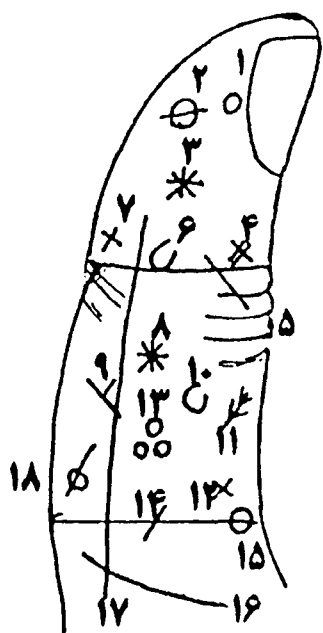
۹- شهوت رانی

۱۰- غرق شدن

۱۱- تنگی نفس

۱۲- بی عصمتی

۱۳- محکوم با اعدام



- ۱۴- شهوت نسبت به اقوام
- ۱۵- دزدی - شیطننت
- ۱۶- رهائی از مرگ
- ۱۷- مرگ ناگهانی
- ۱۸- غرق شدن

انگشت سیابه (نشانه)

بزرگ بودن آن ← غرور (در دست کشیشان و سیاستمداران دیده می شود)

مساری بودن با انگشت بزرگ ← غرور زیاد (انگشت ناپلئون)

مساری بودن با انگشت سوم ← جاه طلبی

تقریباً با انگشت وسط برابر بودن ← قمارباز

۱- ترقی احتمالی

۲- پیش آمدهای خوب - سعادت - عفت - عصمت

۳- بهره و نصیب از بزرگان

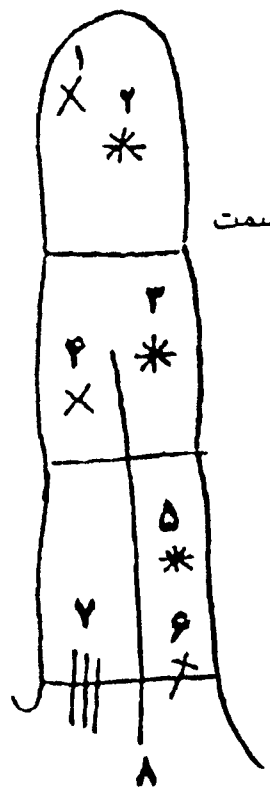
۴- اتحاد و یگانگی با اشخاص عالی مقام

۵- شهوترانی

۶- شهوترانی

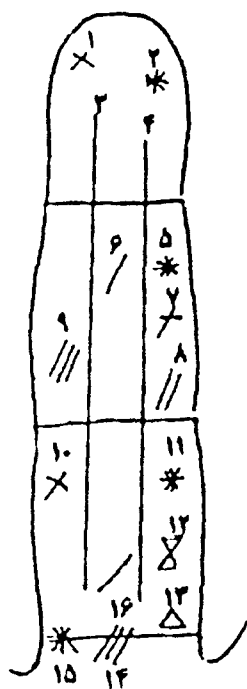
۷- بهره از ارث

۸- خوش سیرتی و خوش قلبی



## انگشت وسطی «بزرگ»

مساوی بودن با انگشت حلقه ← عشق به مال اندوزی  
 بلند بودن آن و خم داشتن سر آن ← عشق به مال اندوزی - سرسختی  
 بلند بودن آن ← عشق به زیبایی و تمایل به شهوت  
 زیاد بلند بودن آن ← قمار بازی - پول حرام



کوتاه بودن آن ← سبکی - هرزگی -

فقدان کنجکاوی

پره های قائم در این انگشت ← استعداد

کشاورزی و معدن

۱- مرگ محبوب و دوست

۲- پیشامدهای ناگپانی بعد

۳- استعداد مهندسی معادن

۴- روحیه نظامی - پیشرفت در نظام

۵- عدم توافق زن و شوهر

۶- ترقی در جنگ

۷- طلاق

۸- زخم از ناحیه حیوانات

۹- بدبختی (بدنام کردن فامیل)

۱۰- سعادت - عقیمی

۱۱- شهرت

۱۲- سعادت در خارج کشور - غمگین

۱۳- بیچارگی در اثر شهوت

۱۴- سعادت - ثروت - شجاعت

۱۵- نازائی

۱۶- صدمه در نظام

انگشت حلقه « انگشت چهارم »

بره های فتم ← استعداد های هنری

بره های فتم بند سوم ← پیشرفت

۱- ترقی

۲- استعداد هنری و صنعت

۳- بدبختی از طرف فرزند دختر

۴- موزیکری شخصی

۵- ارث

۶- تعداد شوهر های خانم ها (به تعداد خط)

۷- سخن چینی

۸- دانائی

۹- آدم بدگو

۱۰- تعداد اولاد (به تعداد خط) خطوط

افقی دختر و خطوط عمودی پسر

۱۱- خود آرائی زیاد

۱۲- به هر کس خوبی کند

بدی می بیند

۱۳- تعداد شوهر های زن

(خطوط عمیق)

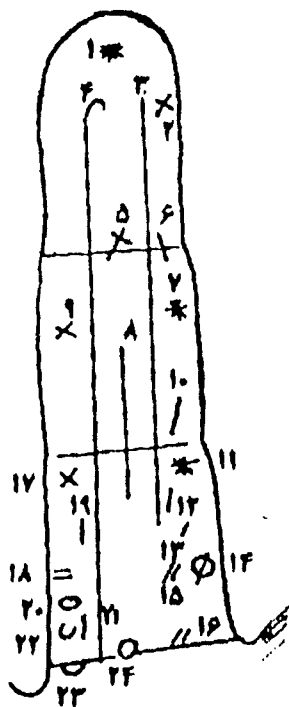
۱۴- بدبختی

۱۵- زخم ناحیه پائین بودن

۱۶- پیشامدهائی که

مسبب آن دوستانند

۱۷- عصمت



- ۱۸- ثروت بوسیله زنها  
 ۱۹- شجاعت  
 ۲۰- بیماری چشمی  
 ۲۱- آدم خیر  
 ۲۲- بدبختی  
 ۲۳- بیماری چشمی  
 ۲۴- ترقی ولی بخاطر زنها زیان می بیند

انگشت کوچک

بلند و خوش فرم بودن انگشت ← نیروی نفوذی بر مردم - دارای قدرت  
 روحی

بلند و موازی بودن ناخن انگشت سوم انگشت ← بلاغت و فصاحت کلام

- ۱- هوسرانی  
 ۲- زیرکی  
 ۳- تجربه و لیاقت (اگر ۳ خط باشد دلیل آدم خیالباف است)  
 ۴- تقلب - دزدی  
 ۵- دروغگوئی  
 ۶- عزم راسخ  
 ۷- خیانت و دروغگوئی

۸- زخم اعضاء پائين

۹- تعداد دخترها (در خانمها برعكس)

۱۰- حيله گر در مقابل دشمنان

۱۱- هوش (پره قائم و دشمن)

۱۲- تعداد پسرها (در خانمها برعكس)

۱۳- هوش

۱۴- دروغگوئي - دزدی

۱۵- شخص دزد و بدجنس

۱۶- شهوترانی

۱۷- شهوترانی (نقاط عميق قرمز)

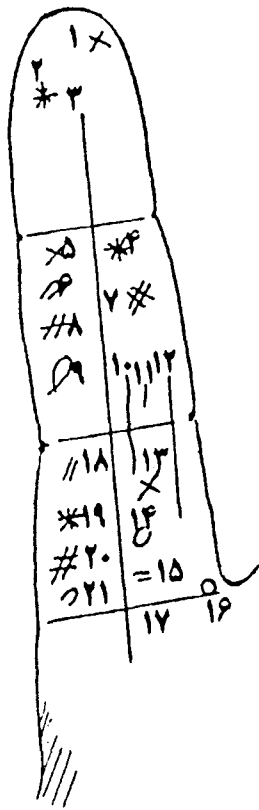
۱۸- هوش مردان (در زنان اگر روی

هر ۲ دست بود دليل بی عصمتی است)

۱۹- شیرینی کلام

۲۰- علاقه به مطالعه

۲۱- عزم راسخ



### شناخت خطوط کف دست

۱- خط قلب

۲- خط سير

۳- خط عمر (زندگی)

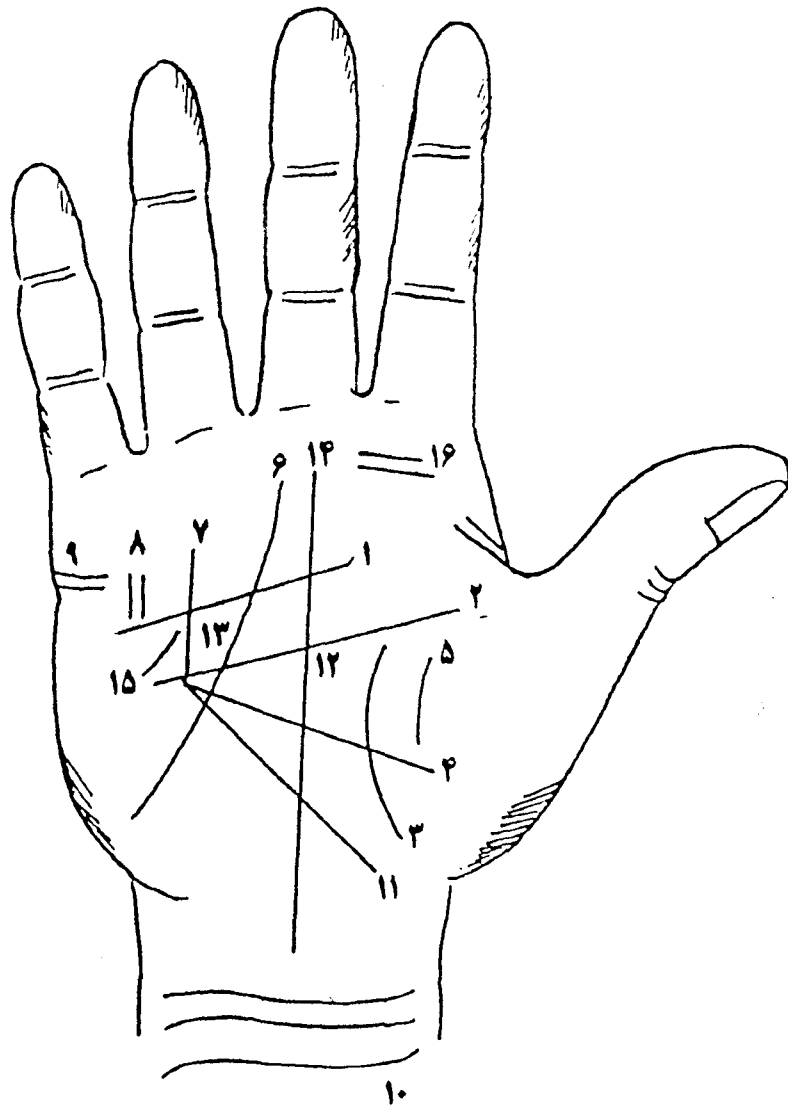
۴- خط سلامتی

۵- مقاومت در برابر بیماریها

۶- خط ثروت

- ۷- خط شانس
- ۸- خط اولاد
- ۹- خط ازدواج
- ۱۰- خط دستبند
- ۱۱- خط کبد (تندرستی)
- ۱۲- مثلث بزرگ (زاویه اعظم)
- ۱۳- مثلث کوچک
- ۱۴- خط تقدیر (سرنوشت)
- ۱۵- حرارت روحی
- ۱۶- خط هوس

توجه - فاصله بین خط قلب و سر را تخته دست نامند.



۱- خط علم و هنر

۲- خط جدیت و کوشش

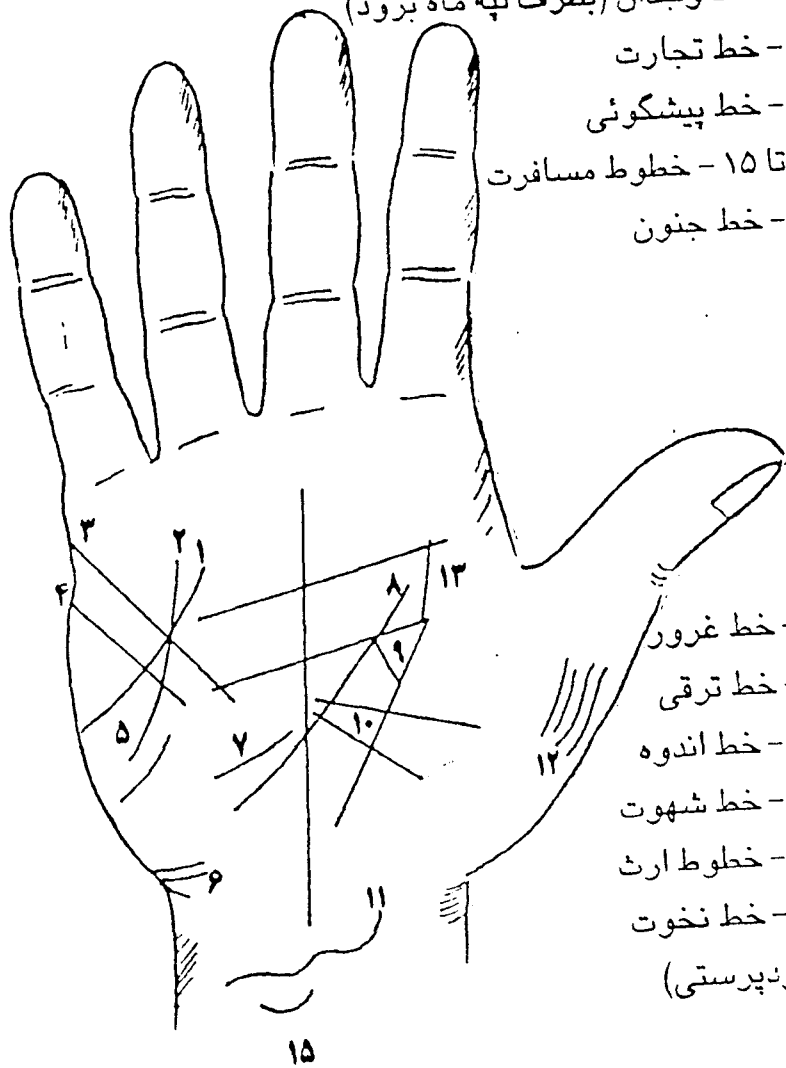
۳- خط وجدان (بطرف تپه ماه برود)

۴- خط تجارت

۵- خط پیشگوئی

۶ تا ۱۵- خطوط مسافرت

۷- خط جنون



۸- خط غرور

۹- خط ترقی

۱۰- خط اندوه

۱۱- خط شهوت

۱۲- خطوط ارث

۱۳- خط نخوت

(خونپرستی)

### تعبیر علائم روی خط قلب

خط قلب نشان دهنده صدمات و غصه های قلبی و عاطفی است

فرمز بودن خط ← شهوت

زرد بودن خط ← امراض کبد

فرمز خونی بودن خط ← قساوت قلبی



بی رنگ بودن خط ← عمر طولانی - کم بودن عواطف  
 ضخیم بودن خط ← خونسردی - بی عاطفگی  
 کوتاه و بدون شاخه و دارای کمی انحناء ← خود پسند - بیوفا  
 قطع شدن با خطی دیگر ← بی ثباتی - ضعف اراده  
 فرورفته بودن خط ← غصه های قلبی  
 شاخه زیاد (شروع و انتها) ← حساسیت  
 بریده بریده بودن ← دو دل - دل بستگی ناپایدار - هوسران  
 به طرف تپ برجیس برود ← به دوستی آنها اعتماد مکنید  
 روی تپ بشکل پنجه باز شود ← خلوص نیت - خوش قلبی  
 اگر دور انگشت نشانه دور بزند ← موفق در کشف امور مخفیه  
 در پائین روی خط سر فرود آید و در بالا روی تپ برجیس صلیب تشکیل دهد ←  
 غصه و کدورت در ازدواج  
 در پائین با خط سر و عمر برخورد کند ← پیشامد ناگوار (مانند شکستن  
 اعضاء)

اگر در هر دو دست یکی باشد ← مرگ ناگهانی  
 در پائین دو شاخه شود یکی بطرف خط سر فرود آید و صلیب تشکیل دهد و خط دیگر  
 بطرف تپ برجیس باشد، یا برود روی تپ صلیب هائی دهد خط اول که بطرف سر فرود  
 آید ← عدم توافق اخلاقی و طلاق و خط بعدی دلیل بر خوشبختی  
 در ازدواج بعدی

در پائین دو شاخه شود یکی بطرف خط سر و عمر و دیگری بطرف برجیس بالا رود و  
 خط سر هم دو شاخه باشد که یکی بطرف تپ ماه رود ← شهوت زیاد  
 پره زیر خط قلب ← امراض

نزدیک بودن به خط سر ← دورنگی - بیهوش شدن  
 در ابتدا دارای ۱-۲ شاخه است و بقیه صاف است ← باهوش  
 خط قلب مضاعف ← ثروت - نیکبختی  
 دو شاخه شدن که یکی بطرف تپ کیوان و دیگری بطرف خط سر فرود آید ← ساده

## لوحی

اگر در ته خط قلب ۳ شاخه باشد و نوک آن ۳ شاخه بطرف باین ← روانی - کم فهم - خود گم کرده

بیخ و خم در آنها ← امراض قلب

نقاط قمر و تیره ← غصه و کدورت

نقاط قمر و تیره ضخیم ← شهوت - امراض تناسلی

نکه آبی ← ضعف مزاج - کسلی

نقطه رنگی موازی ته خورشید ← رنج و اندوه در عشق (شکست عشقی)

نقاط ریز ← نجابت و خوش ذاتی

نقطه عمیق و بیرنگ ← سینه پهلو و مثانه

دایره زیر خط قلب یا بالای خط ← صدمه چشمی

نیمدایره کوچک زیر یا بالای خط در مردان ← امراض تناسلی

زنان ← خطر سقوط

ستاره در اول خط ← پیشرفت در مسافرت

جزیره در ابتدای خط در خانمها ← مرض رحم

آقایان ← امراض کلیوی

صلیب ← حوادث - امراض - امراض قلبی

صلیب رو بروی انگشت ازدواج ← مسافرت پر زحمت و دور

خط قلب کوتاه ← احساسات خود را کمتر ظاهر می کند

خط قلب بلند ← حسادت

شروع این خط از ته مشتری ← احساسات کور عشقی

صلیب اول خط ← قدرت - سعادت

صلیب آخر خط ← مهربانی - خوش قلبی

صلیب بالای خط روی ته کیوان ← دشمنی با اقوام

صلیب نزدیک خط روی ته خورشید و تیر ← ثروت - سعادت

صلیب کوچک ریز خط ← امراض مختلف

خطوط بالا رونده ریز و ضخیم ← زخم و جراحت

خط پیچ و تابدار بالا رونده بطرف تپه تیر در مردان ← خنست

زنان ← عقیمی

یک خط از پائین شروع و بطرف انگشت نشانه بالا رود و مفصل انگشت را قطع می کند

← مرگ ناگهانی

خطوط کوتاه و ضخیم انتهای خط قلب روی تپه برجیس ← امراض سخت

خطوط کوچک قطع شده ← بی ثباتی - شهوت - حماقت

شاخه از سمت قلب به خط سر پائین آید ← بدبختی

یک خط که از خط قلب بطرف تپه ماه پائین آید ← ارتکاب عمل بد

یک خط از پائین خط قلب شروع و به تپه بهرام منفی برسد ← شهوت

یک خط از تپه بهرام مثبت شروع و در محل ضربه دست خط قلبی را قطع کند و خط

فرمز باشد ← مرگ ناگهانی - کسالت

خط ضخیم زیر تپه خورشید خط قلب را قطع کند ← کسالت

شاخه هائی که در انتهای خط قلب بطرف انگشت نشانه بالا رود ← سعادت -

ثروت

خطی که روی تپه کیوان زیر انگشت وسط بصورت کمان از خط قلب بالا رود ←

زندانی - گرفتاری

خطی که در ابتدای خط قلب شروع و ناریشه انگشت کوچک بالا رود در دست زنان ←

عاطفه و پاکدامنی و در مردان ← مهربانی - خوش قلبی

خط مستقیم که از روی خط قلب بطرف انگشت ازدواج بالا رود ← شهرت

خط مستقیم که از روی خط قلب به مفصل انگشت برسد ← گرفتاری بعلت

محبت زیاد از حد

در آخر چنگالی باشد در مردان ← بد اخلاقی

زنان ← شهوت

خط پیچ و تابداری که از صفحه بهرام شروع و خط سر و قلب را قطع کند ← امراض

طحال

در ابتدا باد و خط ضخیم بریده شود ← اتفاق شوم

سر آن به تپه برجیس برسد ← عشق حقیقی

خط کوتاه باشد و به تپه کیوان خاتمه یابد ← فداکاری در عشق  
تشکیل جزیره از تلاقی خط قلب و ازدواج ← ازدواج با اقوام نزدیک یا دور

### تعبیر علائم روی خط سر (سرنوشت)

خط سر در دست چپ نشان دهنده صفات ارثی است و ضخیم بودن این خط را در بین  
کارگران زحمت کش می توان دید  
طویل بودن ← قلب سالم - روح قوی  
کوتاه بودن ← ضعف اراده  
نامرئی و طویل ← فراموشکار  
سری رنگ ← بی احتیاطی  
رنگهای مختلف ← اعمال کبده  
زرد بودن ← امراض کبده، صفرا  
زنجیری بودن خط ← کم خونی - اضطراب  
پیچ و تابدار بودن خط ← نادانی  
مستقیم و طویل ← عقل سالم  
مستقیم و طویل و بدون خط قلب ← خسیس - خودپرست  
جدا بودن از خط عمر ← تندخو - عدم اعتماد بنفس  
در باین بطرف تپه ماه برود ← استعداد شاعری - ادبیات  
در باین دو شاخه شود یکی بطرف تپه ماه رود و دیگری بطرف تپه بهرام ← استعداد  
علوم سیاسی و حقوق  
بریده بریده بودن خط ← فراموشی  
در زیر تپه کیوان شکسته و روی هم سوار شود ← شکستن اعضاء پائین بدن  
در اول بطرف خط قلب بلند شود و پیچ و تابدار باشد ← خون دماغ - امراض  
خونی  
در ابتدا و انتها عمیق و کوتاه از ناحیه صفحه دست نگذرد خط دیگری از تپه کیوان عمود  
بر آن رسم شود ← بیچارگی  
در آخر چنگالی شکل باشد ← تزویر - تصورات بیهوده  
(در خانها) ← عقیم بودن

پره در آخر خط ← تعداد اولاد  
 دو خط سر ← ارث - سعادت‌مندی  
 با خط عمر در زیر کیوان زاویه دهد که راس آن زیر کیوان به خط قلب رسد و شیب ضلع  
 اول بیشتر از ضلع دوم باشد ← ساده لوحی  
 طویل و مستقیم با ناخن کوتاه ← اراده قوی  
 (در خانها) ← مدبر در خانه داری  
 با فاصله کم از خط عمر شروع شود ← امراض مختلف جسمی  
 جزیره در خط ← امراض مغزی - تصورات بیهوده - تنبلی در  
 تحصیل (در ابتدای خط)  
 ستاره ← جنون - امراض سر - خطر در مسافرت  
 ستاره در تلافی خط سر و کبد در خانها ← نازائی - سقط  
 صلیب ← امراض مغزی (روانی)  
 صلیب در زیر کیوان ← صدمه حیوانات به سر  
 صلیب در زیر خورشید ← صدمه در اثر افتادن  
 صلیب در زیر خط سر ← تعداد دشمنان  
 دایره ← تبه کاری - خونریزی - قساوت قلب  
 دایره نزدیک خط سر ← آسیب چشمی  
 نیمدایره ← ضعف قواء فکری - جنایت - خونریزی  
 نیمدایره کوچک ← ضعف بینائی  
 دو نیمدایره زیر خط ← کشمکش بر سر ارث  
 لکه سیاه ← امراض عصبی  
 لکه آبی ← امراض مختلف  
 چنگال در انتهای خط (در مردان) ← حيله گری  
 (در زنان) ← عقیم بودن  
 خطوط از خط سر بطرف تیر بالا رود ← محبت - مهربانی  
 خطوط کوچک از خط سر بطرف تپه برجیس بالا رود ← تقوی - مذهب  
 خطوط بلند بطرف انگشت سیاه بالا رود ← تقوی - مذهب

نقاط ← ناتوانی فکری - خطر در سفر  
نقاط بزرگ و ضخیم (خصوصاً قمری) ← بدجنس  
نقاط آبی ← تب - حصبه

در اول دو شاخه باشد ← جدیت در اعمال  
دو خط از روی خط سر شروع و در تخته دست زیر خط قلب مثلث تشکیل دهد ←  
بخت و سعادت هنگام ناامیدی

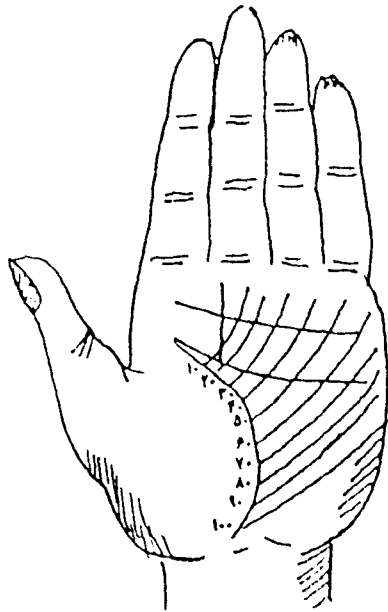
خطوط پیچ و تاب دار که خط سر را قطع کند ← امراض سخت  
بامه چهار خط ضخیم قطع شود ← خشم تا درجه خونریزی (ایجاد  
ضرب و جرح)

در انتها با یک خط ضخیم و کوتاه بریده شود ← نفاق با مادر  
مرع ← حفاظت

چند شاخه بطرف تپه‌ها بالا رود ← خطا و لغزش  
در پایان جزیره باشد ← صبر

اگر با خط قلب موازی نباشد ← آدم تنها (دوست و رفیقی ندارد)

### خط قلبی و خط سر



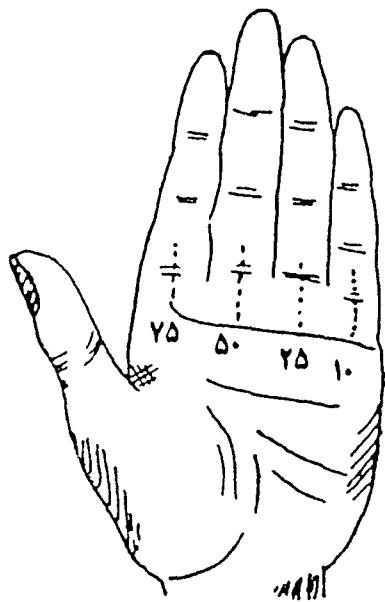
بنا بر عقیده عموم کف شناسان  
خط قلبی و خط سر به یک رقم  
تقسیم بندی می شوند با این  
اختلاف که چون این دو خط  
مخالف یکدیگر شروع می شوند  
در تقسیم بندی نیز بعکس  
یکدیگرند بدین طریق:

الف

۱ - خط قلبی

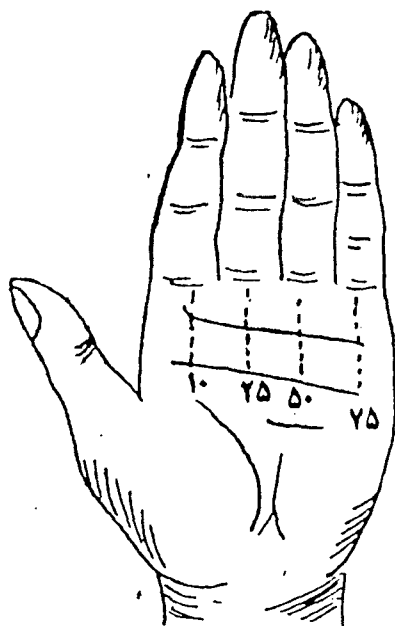
از شروع تا امتداد منصف

انگشت کوچک ۱۰ سال



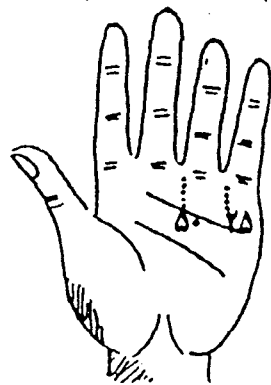
از این نقطه تا امتداد منصف  
انگشت حلقه ۱۵ سال  
از آنجا تا امتداد منصف  
انگشت وسطی ۲۵ سال  
و تا امتداد منصف انگشت  
سیاه ۲۵ سال  
۲. خط سر

از شروع تا امتداد منصف  
انگشت سیاه ۱۰ سال  
از این نقطه تا امتداد منصف

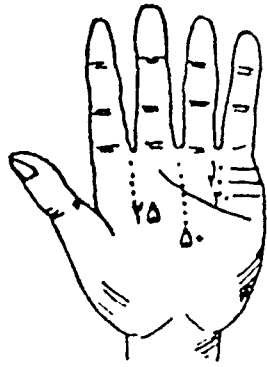


انگشت وسطی ۱۵ سال  
از آنجا تا امتداد منصف انگشت  
حلقه ۲۵ سال  
و تا امتداد منصف  
انگشت کوچک ۲۵ سال  
ب - بعضی از علماء قسمت اول راده سال و  
بقیه را هر یک بیست سال محسوب می  
دارند.

ج - برخی دیگر بطریق ذیل تقسیم می کنند



۱. خط قلبی  
از شروع تا بین انگشتان کوچک  
حلقه ۲۵ سال  
از آنجا تا بین انگشتان حلقه و  
وسطی ۲۵ سال  
و از اینجا تا انتهای خط را بقیه  
عمر محسوب می دارند.



۲. خط سر  
از شروع تا بین انگشتان سیبانه  
و  
وسطی ۲۵ سال  
از آنجا تا بین انگشتان وسطی  
و بنصر ۲۵ سال  
و از این نقطه به بعد برای بقیه  
عمر محسوب می شود.

### تعبیر علائم روی خط عمر (زندگی)

- ستاره ← پیشامد نامناسب
- ستاره نزدیک خط عمر روی تپه ناهید ← بد نامی
- صلیب ← حادثه شوم - ابتلاء به امراض
- صلیب خط عمر را قطع می کند ← مرض خطرناک
- صلیب در آخر و خارج خط ← سعادت در پیری
- خفزه در انتها ← مرگ
- نقطه ← مرض - زخم
- نقطه عمیق ← امراض - زخم
- نقطه روی ناهید نزدیک خط عمر ← بوالهوسی
- لکه آبی ← امراض قلبی
- لکه سیاه ← حصیه - تب شدید
- جزیره ← ضعف مغزی (روانی) - امراض جهاز هاضمه
- مثلث بالای تپه ناهید نزدیک خط ← پر حرفی - دروغگوئی
- نیمدایره روی خط ← غم
- دایره ← صدمه چشمی (در وسط خط اگر باشد)
- دایره در ابتدا که خطوط سر و عمر را ببرد ← مرگ در اثر مسمومیت یا خفگی
- مربع نزدیک آن ← زندان



خطوط پائین رونده بطرف زاویه ← تنزل از مقام  
 خطوط پائین رونده زاویه دار ← فقر در اثر سادگی (دست به باد بودن)  
 خطوط پیچ و تابدار نزدیک خط عمر روی تپه ناهید ← امراض سخت  
 شاخه از انتها بطرف تپه ناهید ← بوالهوسی  
 خط از شروع بشکل نیمدایره به زاویه شست برسد ← شهوت و بدذاتی  
 خط از روی دستبند شروع و خط عمر را قطع کند ← سقوط از بلندی  
 پره قانیه روی خط عمر ← تعداد اولاد  
 خط زنجیره ای خط عمر ← زندگی با سختی  
 خط پیچ و تابدار ← دروغ  
 خط بالا رونده از خط عمر ← پیشرفت در اثر لیاقت  
 خط بالا رونده از خط عمر که شاخه دار باشد ← پیشرفت در اثر لیاقت - با  
 دیانت

خط بالا رونده بطرف خورشید ← ثروت - سعادت  
 خط بالا رونده که به ریشه انگشت وسط برسد و از مفصل بگذرد ← عاقبت خوب  
 خط از تپه برجیس شروع ← با لیاقت  
 خط عمر جدا از خط سر ← اعتماد بنفس زیاد  
 خط عمر ضخیم و فرورفته ← اخلاق بد  
 خط عمر در دو دست به یک فاصله از مبداء یکباره قطع شود ← مرض سخت  
 خط عمر با خطوط نازک قطع شود ← کسالت - امراض جزئی  
 خط عمر نزدیک میج به دو شاخه شود ← تغییرات امور زندگی  
 خط عمر نزدیک میج به دو شاخه شود و یکی از شاخه ها بطرف تپه ماه بالا رود ←  
 فقر - رماتیسم  
 خط عمر نزدیک میج از دو بیشتر باشد ← فکر و خیال بیهوده  
 یک شاخه از عمر بطرف میج بیاید ← اسراف  
 صفحه بهرام بیاید ← عزت به جهت

تجارت

شاخه های خیلی کوتاه منشعب از خط عمر ← امراض - ضعف جسمانی  
 خط عمر که تپه ناهید را احاطه کند و هر چه بطرف زاویه اعظم دایره آن بیشتر باشد ←

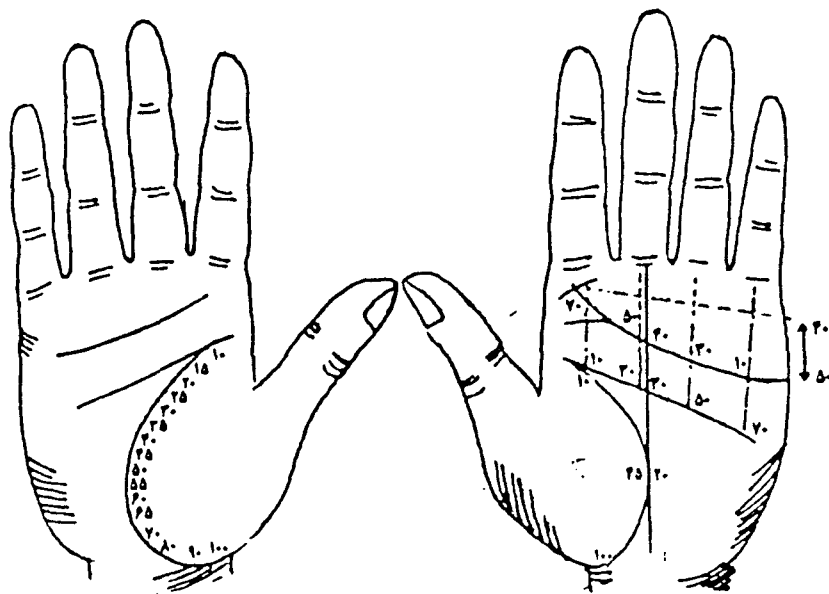
عشق به مادیات بیشتر  
نوعی از تعیین سال در خط عمر :  
خط عمر در انتها ۲ شاخه شده ← علاقه به  
کتاب خوانی و مایه های هنری و زیست شناسی

« موشری » عالم کف شناس معروف خط عمر را بطریق ذیل  
تقسیم می کند .

از شروع تا امتداد منصف انگشت سیابه ۱۰ سال  
از آنجا تا وسط صفحه بهرام ۲۵ سال و بقیه را تا انتهای خط  
پنجاد و پنج سال محسوب و سپس هر یک را به قسمتهای جزء  
منقسم می نماید .

طریقه «دسبارل» خط عمر را به ۱۰ دوره و هر دوره ۱۰ سال  
تقسیم می کند بدین ترتیب : برای ده سال دوره اول پایه پرگار را  
روی منصف ریشه انگشت سیابه قرار داده و پایه دیگر را از  
منصف انگشت حلقه دوران می دهیم تا بخط عمر برسد .  
برای ده سال دوره دوم پایه ثابت بجای خود برقرار ولی پایه  
متحرک را از بین انگشتان حلقه و کوچک حرکت می دهیم تا خط  
عمر را قطع نموده و ده سال دوم بدست آید .

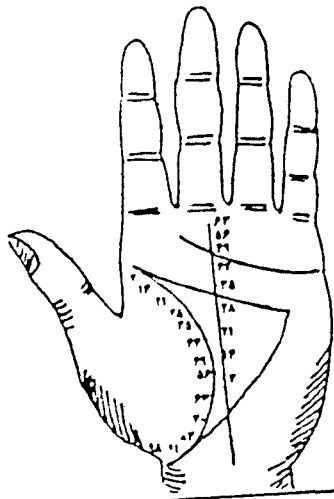
ده سال دوره سوم - پایه متحرک را از منصف ریشه انگشت  
کوچک حرکت میدهیم سپس برای دوره های چهارم و پنجم و  
ششم مساوی قسمت سوم جدا می کنیم .  
سه دوره آخر از هفتاد الی صد سالگی را مساوی دو ثلث قسمت  
سوم جدا و بدینگونه عمر را به صد سال تقسیم می کنیم .



### تعبیر علائم روی خط سرنوشت (تقدیر)

- کمرنگ بودن آن ← به تقدیر و سرنوشت اعتقاد ندارد
- نداشتن این خط ← یکنواختی زندگی - نداشتن احساسات زیاد
- خط تقدیر روشن و مخطط ← جدیت برای ترقی
- خط تقدیر از تپه ماه شروع شود ← سعادت در اثر ازدواج
- خط تقدیر از خط عمر شروع شود ← پیشرفت در اثر لیاقت
- خط تقدیر از تپه بهرام شروع شود ← به مخاطره انداختن برای ترقی
- خط تقدیر از تپه ناهید شروع شود ← در اثر عشق به تمایلات بیهوده می افتد
- خط تقدیر از تخته دست شروع شود ← خوش شانس
- خط تقدیر زیر دستبند و خط دستبند را قطع کند و بطرف بالا صعود کند ← رنج
- خط تقدیر از دو محل انشعاب یابد و در صفحه بهرام به هم متصل شوند ← شانس در عشق و عیاشی
- خط تقدیر در پایان بطرف تپه خورشید ← شانس و سعادت در اثر ثروت یا

و از خط سر بیابا بقیه عمر.



### تعبیر علانم روی خط کبد

خط کبد دلیل بر سلامتی است و نداشتن آن دلیل بر امراض گوناگون  
خط کبد بلند، مستقیم و خوشرنگ ← سلامتی بدن  
اگر به خط عمر متصل باشد ← ضعف قلب  
اگر مستقیم از ته تیر بالا رود ← سالم در طول زندگی  
پورنگ و خونی باشد ← سردرد ناشی از فشار خون  
از ته ماه بطور قوی شروع و به ته تیر صعود می کند ← حس ششم در حوادث  
در ابتدا با یکی از خطوط عمر یا تقدیر یا ثروت تشکیل جزیره دهد ← کشف  
اسرار مکتونه  
در خط کبد ← سعادت - ثابت زندگی  
ستاره روی خط در محل تلاقی با خط سر یا در انتها (در خانها) ← نازائی  
جزیره ← دزدی - جنایت  
صلب ← استعداد به علوم مخفیه (علوم غریبه و ماوراء الطبیعه)  
خط پیچ و تابدار ← عدم صحت  
خط کبد در صفحه بهرام با چنگال ختم شود ← مرگ ناگهانی  
اگر بوسیله خطوط دیگر بریده شود ← سوء هاضمه  
بره در این خط ← امراض  
خط کبیدی را نیز مانند خطوط تقدیر و ثروت تقسیم می نمایند:

الف - از ابتداء تا خط سر ۳۰ سال از خط سر تا خط قلبی دهالی  
 ۱۵ سال و از آنجا به بعد بقیه عمر  
 ب - بعضی این خط را بر طبق ادوار بشری به ۱۳ قسمت  
 متساوی برای ۱۳ دوره زندگی تقسیم می نمایند.

### تعبیر علائم روی خط ثروت

داشتن این خط ← استعداد اختراع - نبوغ  
 شروع آن از طرف خط سر ← هنرمند - صنعتگر  
 قلب ← پیشرفت در امور  
 تپه بهرام ← جنگجو - خونسرد - جرات  
 خط تقدیر ← پیروزمندی و سرفرازی  
 خط وجدان ← خوش ذاتی  
 تپه ماه ← ثروت با کمک دیگران  
 در انتها بطرف تپه تیر برود ← در صدد جمع آوری مال  
 اگر مستقیماً و روی تپه خورشید شیار رسم کند ← ترقی - ثروت  
 در انتها دو شاخه شود ← فکر خود را متوجه دو کار کرده اید  
 در انتها سه شاخه شود ← فکر خود را متوجه فنون مختلف کرده اید  
 خطی که روی تپه خورشید به شاخه های کوچک تقسیم شود (خانمها) ←  
 خود آرائی  
 دو خط ثروت ← شهرت  
 ۳ خط ثروت مستقیماً روی تپه خورشید بالا رود ← مشهور شدن  
 ۳ خط ثروت سه شاخه هنگام عبور از خورشید باز شاخه هائی با او متصل شوند ←  
 ثروت زیاد  
 خطوط دیگر خط ثروت یا تپه خورشید را قطع کند اگر هر دو دست یکی باشد ←  
 موانع و لطمه به ثروت  
 خطوطی از تپه ناهید شروع و خط ثروت را قطع کند ← غم  
 خط ثروت به قطعات تقسیم شده و در تخته دست با خط تقدیر موازی باشد ←

شانس شما از بین نرفته ممکن است مدتی متوقف شود  
 خصی یا خط ثروت بطرف خورشید بالا رود و شاخه هائی به خط ثروت بفرستد  
 سعادت مند (ولی اقوام او مخالف و مانع پیشرفت او می شوند)  
 سزده  $\rightarrow$  حوادث شوم - موانع در پیشرفت  
 نفض  $\rightarrow$  غصه - خسارت در ثروت (ورشکستگی)  
 صیب  $\rightarrow$  موانع در ترقی - خسارت  
 دیزده  $\rightarrow$  اشخاص بی خیال  
 خط ثروت بیج و نابدار  $\rightarrow$  عدم لیاقت شخص  
 مربع  $\rightarrow$  حفاظت در مقابل حملات دشمن  
 دشت خط ثروت و تقدیر هر دو  $\rightarrow$  موفقیت شخص  
 جریده  $\rightarrow$  سعادت بعد از ازدواج

### تعبیر علائم روی خط دستبند

بصورت سه خط موازی و روشن  $\rightarrow$  سلامتی - ثروت  
 روی سه ماه خاتمه یابد  $\rightarrow$  مسافرتهاى متعدد  
 یک خط از دستبند بطرف سه برجیس برود  $\rightarrow$  رسیدن به مقامات عالیه یا  
 کمک شخصى دیگر  
 یکی از خطوط دستبند از سه بنام عبور کند و به سه خورشید برسد  $\rightarrow$  سعادت -  
 ثروت  
 سزده در وسط خط  $\rightarrow$  زحمات در اوایل زندگی و در عاقبت بواسطه  
 ارث براحتی زندگی کند  
 دو شاخه روی دستبند تشکیل زاویه دهد  $\rightarrow$  سعادت در آخر عمر  
 صیب  $\rightarrow$  نعمت غیر مترقبه ارث  
 دو خط که از روی دستبند مستقیم به زاویه شست برود  $\rightarrow$  پیشرفت با مخاطرات  
 بلند و ضخیم بودن خط  $\rightarrow$  سعادت  
 زنجیری بودن خط  $\rightarrow$  جدی و لایق - مشقت احتمالی در زندگی  
 دو خط بیج و نابدار که از دستبند به سه ماه برود  $\rightarrow$  بیچارگی در اثر بدجنسی

نازک و کم رنگ بودن خط ← بدشانسی  
 در خط دستبند شکل قوس بطرف تپه ناهید ← ساده لوحی  
 خطوط بالا رونده از روی دستبند ← بی دینی  
 خطی که از دستبند بالا رود و خط عمر را ببرد و به تپه ناهید برسد ← مرگ  
 خط بالای خط دستبند از خط عمر شروع و افقی به تپه ماه برود ← سعادت  
 خطوط کوچک، کوتاه که از دستبند بطرف تپه ماه برود ← مسافرت  
 خط اول زیر تپه هادر وسط بطور قوی بالا رود (خانمها) ← عقیمی

### تعبیر علائم روی خط ازدواج

ضحیم و فرمز ← طلاق - نفاق بین آندو  
 طویل ← ازدواج بادوام  
 منحنی ← بدبختی  
 خط ازدواج دو شاخه ← طلاق  
 خطوط پائین آمده زیاد از تپه تیر بطرف خط ازدواج ← موانع در ازدواج  
 با خط قلب جزیره بدهد ← ازدواج با اقوام  
 با خط ثروت متصل شود ← ازدواج با ملاحظیات مادی  
 دو خط ازدواج طویل و به خط ثروت برسد ← معاشقه با بزرگان  
 بطرف حلقه ناهید برود ← بی حیائی زن  
 اگر بطور منحنی قلب را قطع کند ← اختلاف با همسر و سرگردانی  
 فاصله بین قلب تا مفصل انگشت کوچک را دو قسمت هر کدام نماینده ۱۵ سال است  
 یک خط از تپه تیر زیر مفصل انگشت کوچک پائین آمده و خط ازدواج را ببرد ←  
 پیشامدهای مانع ازدواج  
 و اگر این دو خط موازی باشد ← مانع برطرف می شود  
 در شروع چنگالی باشد ← طلاق بواسطه خیانت  
 روی تپه چنگالی باشد ← عدم توافق  
 به شکل نیمه دایره بالا رود و از مفصل انگشت بالا رود ← ازدواج اجباری  
 بطور منحنی به خط قلب نزدیک شود ← فقر در ازدواج

خط طویل باشد و در انتها بطرف بالا صعود کند ← رضایت در ازدواج

ستاره ← مرگ زوج یا زوجه

نقطه ← طلاق

به سمت پائین رود ← بیشتر از همسر عمر کند

به سمت بالا رود ← هرگز ازدواج نکند

خط ازدواج زنجیری ← بی وفائی همسر

برای تعیین زمان ازدواج و یا ولادت طفل این فاصله را بطرق مختلفی تقسیم می نمایند:

الف - بعضی از کف شناسان از زیر مفصل تا خط قلبی را بدو قسمت متساوی تقسیم و قسمت اول را بیست سال و قسمت دوم را سی سال محسوب می دارند.

ب - بعضی دیگر این فاصله را بچهار قسمت متساوی تقسیم و هر یک را ۱۵ سال حساب می کنند.

ج - عده نیز به چهار قسمت تقسیم ولی دو قسمت اول و دوم را هر یک ده سال و دو قسمت سوم و چهارم را هر یک ۱۵ سال تعیین می کنند.

د - برخی از علماء فاصله از زیر مفصل تا خط قلبی را سی سال که شروع آن از ۲۰ سالگی و به پنجاه سالگی خاتمه می یابد محسوب داشته سپس به قسمت های کوچکی مندرج می نمایند. بنابراین خط اولاد از هر کجا که شروع شود زمان تولد و آنجائی که خاتمه می یابد زمان جدائی را تعیین می نماید.

### تعبیر علائم روی خط اولاد

مستقیم بودن خط ← اولاد پسر (درخانمها برعکس نماینده دختر است)



مخنی بودن ← دختر (در خانمها برعکس)  
کوچک و کم رنگ بودن خط ← سقوط - مرگ در طفولیت  
طویل ← طول عمر بیشتر طفل  
سزیه روی خط ← مرگ پس از تولد - مرگ اولاد  
نفضه ← مرگ

### تعبیر علائم روی خط اندوه

از خط عمر عبور و به خط سراسر اتصال یابد و به نقطه خاتمه یابد ← امراض روانی  
از خط عمر عبور کند و به خط قلب برسد ← امراض قلب  
خط تقدیر را قطع کند ← بیکاری - بدبختی بواسطه مرگ یکی از  
فامیل  
پس از قطع خط عمر به خط تقدیر برسد و بطرف بالا رود ← مرگ کسی که از او  
ارث می برید

### خط اندوه - ترقی و تنزل

زمان این خطوط از تقسیم بندی خط عمر تعیین می شوند.

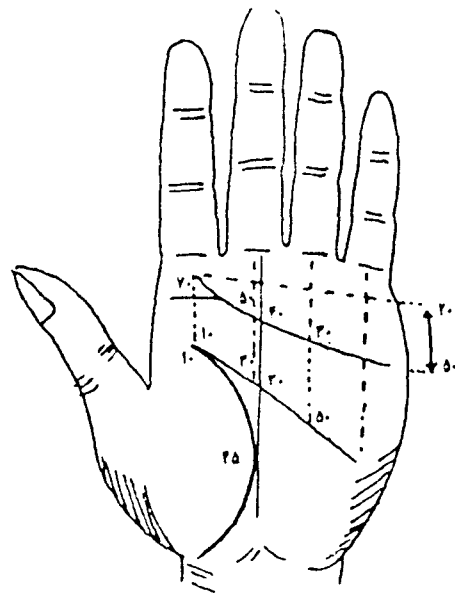
### خط مسافرت

الف - برای تشخیص زمان مسافرت فاصله بین دستبند و خط  
قلبی را به سی قسمت متساوی مدرج و طول دوره زندگی را بر  
تعداد درجات تقسیم می کنند.

ب - عده ای طول تپه را به چهار قسمت متساوی  
تقسیم و بر طبق ادوار بشری بدین ترتیب زمان  
را تعیین می کنند.

۱ - تا بیست سالگی.

۲ - از بیست و یک تا چهل دو سالگی.



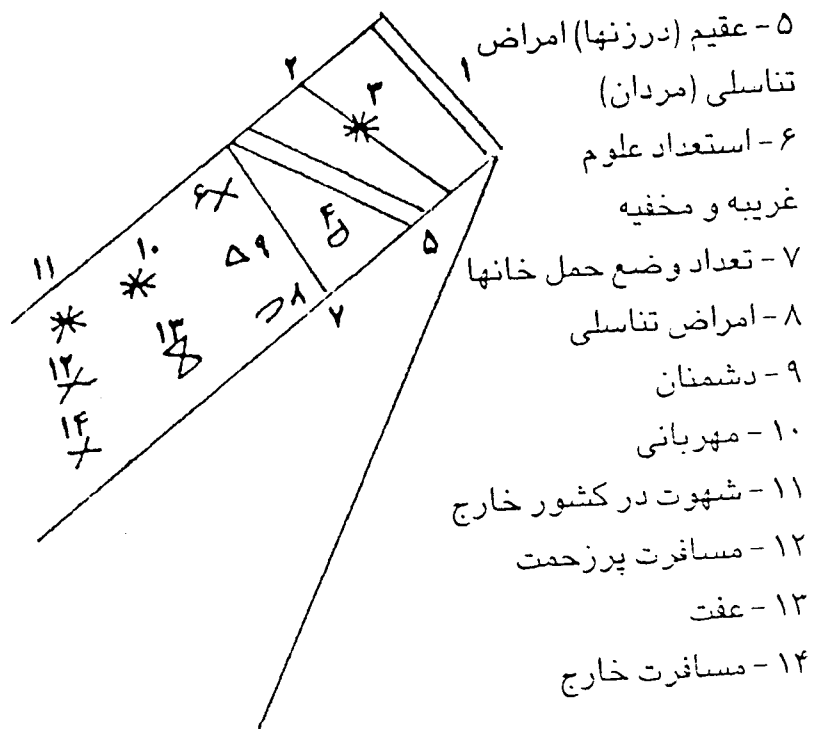
- ۲- از چهل و دو تا
- شصت سه سالگی .
- ۴- بقیه عمر .

### سایر خطوط فرعی

تعیین زمان سایر خطوط فرعی از روی خطوط اصلی و تقسیم بندی آنها تشخیص داده می شود .

### تعبیر علائم روی تخته دست

- هر چه مساحت آن بیشتر باشد ← مهربانی - با وفائی - صحت مزاج
- هر چه مساحت کمتر باشد ← ضعف قواء فکری
- خطوط زیاد ← ضعف قواء فکری
- خطوط افقی ← امراض
- ۱- مرض روده
- ۲- مرگ ناگهانی
- ۳- ساده لوحی
- ۴- صدمه از حیوانات



برای تعیین زمان حوادثی که در تخته دست بوسیله صلیب ستاره و غیره رسم می شود نیز بعضی از اساتید تقسیم بندی قائل شده اند بدین طریق:

از موازی تپه برجیس تا محاذی تپه کیوان بیست و پنج سال.  
 از آنجا تا زیر تپه خورشید بیست و پنج سال.  
 و از آنجا به بعد بقیه عمر.

### تعبیر علانم روی زاویه اعظم (مثلث بزرگ)

هر چه بزرگتر باشد ← هوش - افکار عالیه - سلامتی - نجابت  
 صلیب زیاد ← مرگ - زحمت  
 زاویه منفرجه دهد ← ضعف قواء فکری - بدذاتی

## تپه‌ها

تپه‌های دست بطور کلی طولاً به چهار قسمت متساوی تقسیم و قسمت اول را تا ۲۱ سالگی - قسمت دوم از ۲۱ تا ۴۲ سالگی - قسمت سوم از ۴۲ تا ۶۳ سالگی و قسمت چهارم را بقیه عمر محسوب می‌دارند.

طرق مختلفی که برای تقسیم این خط وضع شده تماماً قابل اطمینان است ولی نقطه قابل توجه این است که تقسیم بندی این خط بر حسب کوتاه و بلندی دست محل شروع و ختم خط و وسعت تپه ناھید باید بیکدیگر از طرق مذکوره تقسیم نمود که توضیح آن در اینجا بی مورد و البته خوانندگان محترم پس از مطالعه و تجربیات به شناسائی آن واقف خواهند گشت.

خطوط تقدیر و ثروت نیز بی اهمیت نیست و بطور کلی از دستبند یا محل شروع تا خط سرسی سال محسوب ولی از آنجا تا خط قلبی بر حسب کم و زیاد فاصله و وسعت تخته دست از ده الی ۱۵ سال باید حساب کرد.

تعبیر علائم روی تپه مشتری (برجیس)

زیاد برجسته بودن ← تکبر - با وقار راه رفتن - موفق در عشق

فرو رفتگی ← ضعف نفس

صلیب زیاد و بودن ستاره ← کارهای ترقی کننده

۱- سعادت در ازدواج

۲- مرافعه با اشخاص بزرگ

۳- عاطفه زیاد

۴- افکار عالیه - علوم سیاسی

۵- صدمات زیاد

۶- ثروت - سعادت (از زاویه

اعظم روی خط عمر شروع شود)

۷- خطر برای اولاد

(بطرف تپه ناهید)

۸- محکوم به اعدام

(خط سر عمر را قطع کند)

۹- فروتنی

۱۰- ازدواج نیک - خوشبختی

۱۱- تودلیبرو

۱۲- ترقی

۱۳- سگته - مرگ ناگهانی

۱۴- شکست عشقی -

صدمه از شخص بزرگ

۱۵- ثروت

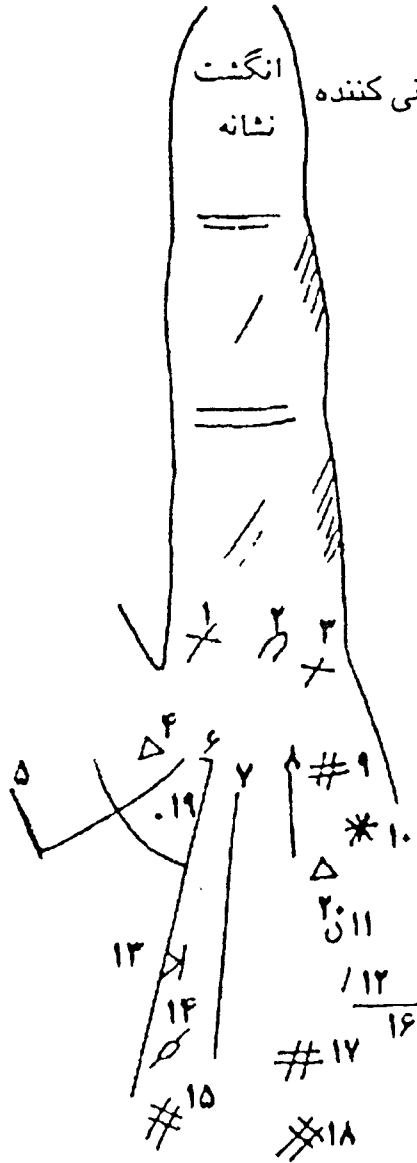
۱۶- دیانت - راستی

۱۷- پیشرفت تدریجی

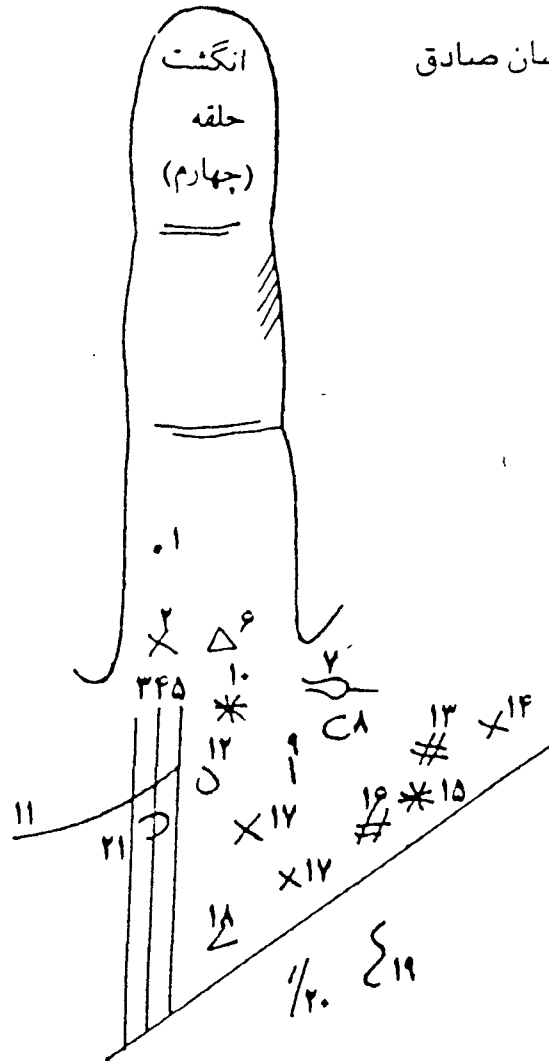
۱۸- فقر در اثر بوالهوسی

۱۹- لیاقت

۲۰- استعداد ورزشی زیاد



۲۱- انسان صادق



تعبیر عالم روی تپہ تیر



زیاد برجستہ بودن ← زرنک - علاقہ بکار

زیاد برجستہ بودن ← حیلہ - دروغگوئی

۱ - مذہب

۲ - شہرت پرستی (بطرف تپہ ناہید)

۳ - خوشنودی

۴ - حیلہ

۵ - خیانت - دزدی

۶ - امراض کلیہ - ورشکستگی

۷ - مسافرت پرسود - خیانت

۸ - امراض کلیہ

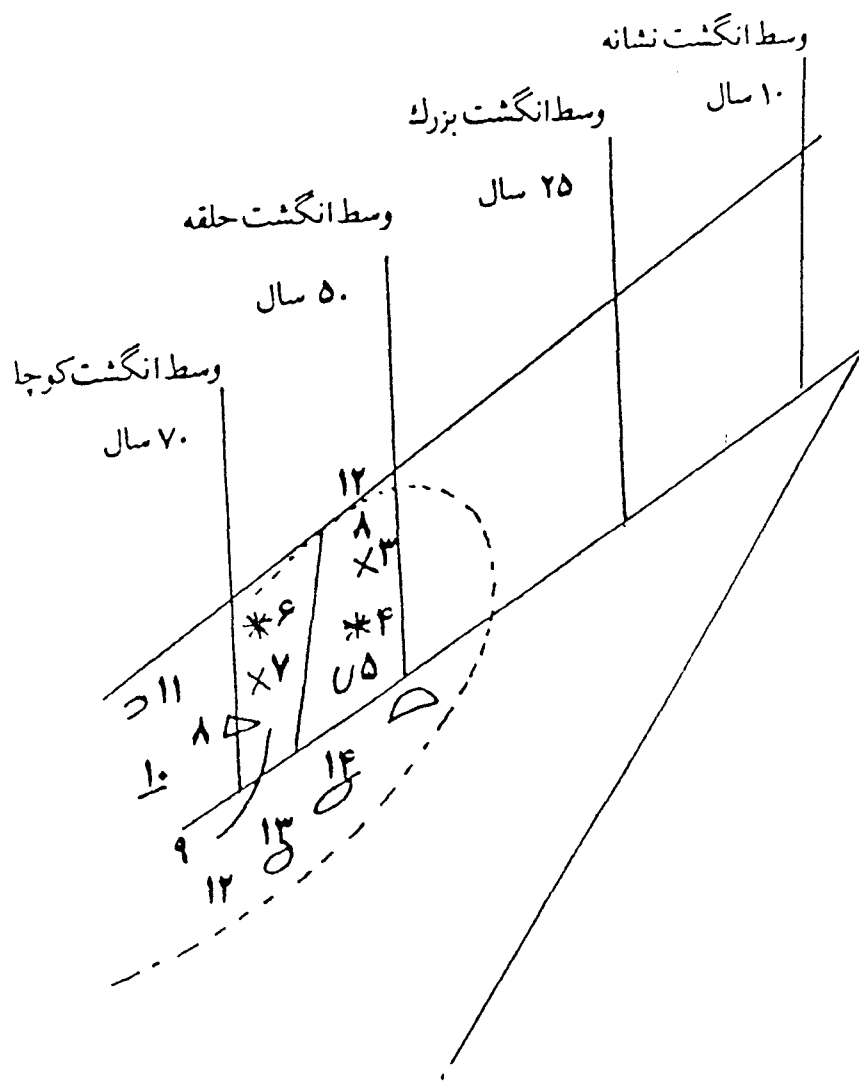
۹ - استعداد بہ ریاضیات

تعبیر علائم روی تپه بهرام

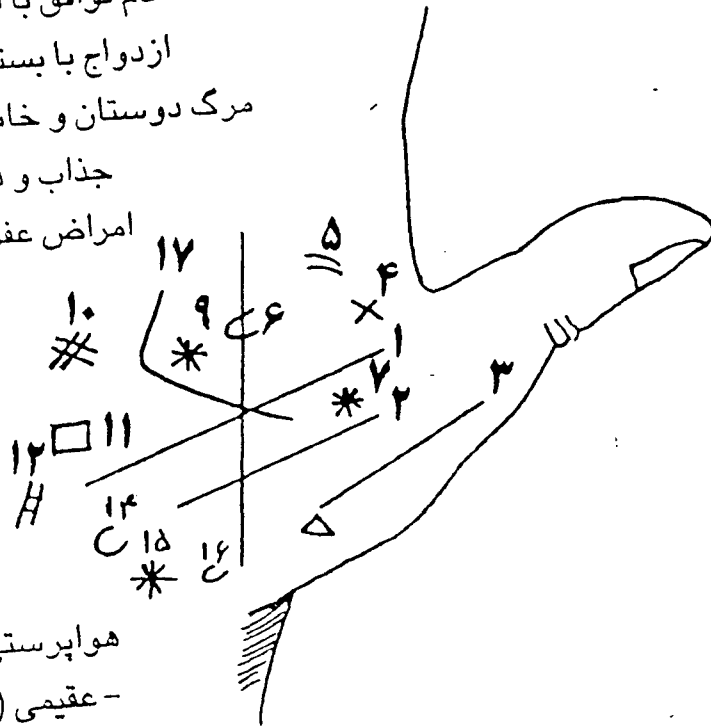
زیاد برجسته بودن آن ← عصبی بودن  
بدون حالت تپه ← بی لیاقت  
خطوط متعدد ← مرگ ناگهانی

- ۱- دشمنی با اقوام
- ۲- مرگ ناگهانی
- ۳- مسافرت پر زحمت
- ۴- قساوت قلب - پیشرفت  
در جنگ
- ۵- دشمنان خطرناک
- ۶- مسافرت پرفایده
- ۷- استعداد تپه کاری
- ۸- استعداد در امور جنگی
- ۹- تعداد دوستان صمیمی  
(بطرف تپه ماه)
- ۱۰- خطوط تعداد دشمنان
- ۱۱- سقوط از بلندی
- ۱۲- خطر در جنگ
- ۱۳- خطر شوم
- ۱۴- عدم لیاقت کاری
- ۱۵- بیچارگی بواسطه بچه ها



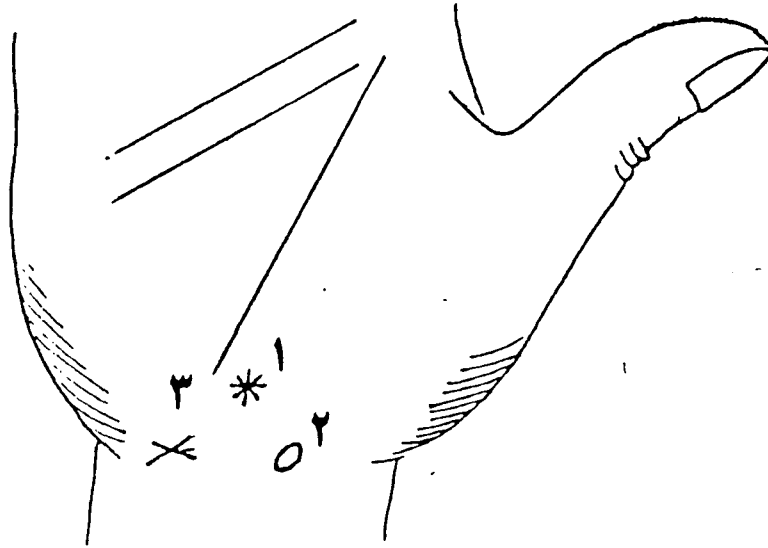


- ۵- عدم توافق با فامیل
- ۶- ازدواج با بستگان
- ۷- مرگ دوستان و خانواده
- ۸- جذاب و دلربا
- ۹- امراض عفونی



- ۱۰- هواپرستی
- عقیمی (زنان)
- ۱۱- زندان
- (نزدیک خط عمر)
- ۱۲- شرارت
- ۱۳- عیاشی
- ۱۴- بی حیائی
- ۱۵- بدبختی در اثر عشق
- ۱۶- صدمه به چشم
- ۱۷- بیچارگی (پس از قطع عمر)
- به خط قلب وصل شود

تعبیر علائم روی صفحه بهرام



۱ - حادثه شوم - کشته شدن در جنگ

۲ - فتنه جو

۳ - پیشرفت

یافتن خصوصیات و حالات در کف دست (بترتیب الفبائی)

ارث ←

روی بند انگشت میانه

روی مفصل بند اول انگشت حلقه و یا روی

دستبند

روی بند سوم انگشت حلقه (ثروت بوسیله

زنها)

در تپه ماه

دو خط سر

از دواج مناسب (خوب) ←

\* روی تپه برجیس یا در مثلث بزرگ (زاویه اعظم)  
/ در مثلث بزرگ  
φ در خط ثروت

انزوا طلبی ←

بلند بودن انگشت وسط  
برجسته بودن تپه کیوان

بدجنسی ←

خط کشیده در وسط بند سوم انگشت کوچک  
کوتاه بودن انگشت وسط  
o در صفحه پیرام  
منفرجه بودن مثلث بزرگ  
خط عمودی از خط قلب بطرف تپه ماه  
\* در تپه تیر  
چنگال در انتهای سر (در دست مردان)  
نقاط بزرگ و قرمز خط سر

بردباری ←

φ در آخر سر

بیچارگی ←

o در زوی بند سه انگشت حلقه  
o یا o در تپه کیوان  
φ روی بند سوم انگشت حلقه  
\* در خط تقدیر  
خط سر در ابتدا عمیق و کوتاه و از ناحیه صفحه دست نگذرد و

خط دیگری از کیوان عمود بر آن رسم شود.  
بیرحمی و ظلم ←  
در پائین مثلث کوچک  
قرمز و خونی بودن خط قلب

تکبر و غرور ←  
بزرگ بودن (بلند بودن) انگشت نشانه  
زیاد برجسته بودن تپه برجیس یا خورشید  
# در تپه خورشید  
شروع خط قلب از تپه کیوان

جدیت ←  
/// در تپه ماه  
خط سر طویل و مستقیم با ناخن کوتاه  
در انتهای خط زندگی و نزدیک مچ دست ✕

حسادت ←  
خط قلب بلند

خست و مال اندوزی ←  
✕ در قسمت راست تپه خورشید  
برجسته نبودن تپه ماه  
مساوی بودن انگشت دو و سه - بلند و خم داشتن سر انگشت  
بزرگ  
خط مستقیم و طویل  
از خط قلب یک خط کوتاه دیگر بیرون آمده باشد (شاخه های  
کوچک از شاخه های بزرگ بیرون آمده)

خط پیچ و تابدار بالا رونده بطرف تپه تیر (مردان)  
خطر حیوانات ←

// روی بند دوم انگشت بزرگ  
Δ در مثلث بزرگ

○ روی تخته دست

// در تپه بهرام مثبت

✕ در زیر تپه کیوان در خط سر

خوشبخت و باسعادت ←

\* روی بند اول نشانه و روی بند سوم انگشت بزرگ و  
در تپه ماه و قسمت راست تپه خورشید - روی خط قلب  
✕ روی بند سوم انگشت وسط - در مثلث بزرگ (سعادت  
در دومین دوره زندگی) - در تپه کیوان که بالا به مفصل انگشت  
برسد

در اول خط قلب - نزدیک خط قلب و روی تپه خورشید و تیر  
خط عمودی روی تپه برجیس بطرف مفصل انگشت  
○ در مثلث کوچک  
خط قلب مضاعف

شاخه هائی که در انتهای قلب بطرف انگشت نشانه بالا رود  
خط مستقیم که از روی خط قلب بطرف انگشت ازدواج بالا رود  
برجسته بودن تپه جاه طلبی

خط بالا رونده از خط عمر بطرف تپه خورشید  
خط تقدیر دارای شاخه صعودی باشد

خط تقدیر روی تپه برجیس


در خط کبد (خط کبد مضاعف)

داشتن خط ثروت

خط سرنوشت از مچ صعود کند

اگر در ته خط قلب ۲ شاخه باشد (یکی میان انگشتان بزرگ و  
میانه و دیگری بسوی تپه جاه طلبی کشیده شده باشد)



### خوش ذاتی ←


در تپه خورشید 

خط کشیده از بند در انگشت نشانه بطرف بند سوم و از آن بگذرد


زیاد برجسته بودن تپه ناهید  
خط ثروت از طرف خط وجدان شروع شود


### دروغگونی ←



در روی بند دوم انگشت کوچک - در تپه ماه   
در تپه کیوان متصل به قلب - بالای تپه ناهید نزدیک   
خط

روی بند دوم انگشت کوچک   
خطوط درهم و نامنظم تپه ناهید

### دشمنی با اقوام ←


در مثلث بزرگ 

در تپه ناهید 

بالای خط قلب روی تپه کیوان - در پائین تپه خورشید   
در تپه ماه 

خط عمودی از خط قلب بطرف خط سر (در تپه بهرام مثبت)

### زندانی ←

در تپه ناهید در نزدیک خط عمر - نزدیک خط عمر   
- خط کشیده در تپه کیوان از بالا متصل به مفصل  
انگشت و پائین آن به خط قلب برسد  
خطی که روی تپه کیوان زیر انگشت وسط بصورت  
کمان از خط قلب بالا رود

سقط جنین ←

خط کشیده افقی روی تپه برجیس

سلامتی ←

وسیع بودن تخته دست


خط کبد بلند و مستقیم و خوشرنگ

خط دستبند بصورت سه خط موازی باشد

کوچک بودن و تنگ بودن خط زندگی نسبت به کف


دست

سوء هاضمه ←

در خط عمر 

خط کبد بوسیله خطوط دیگر بریده شود

شانس بد ←

روی مفصل سوم انگشت بزرگ 


خط تقریباً عمودی در تپه ناهید


خط دستبند نازک و کمرنگ باشد

شانس خوب ←

خط تقدیر از تخته دست شروع شود

شجاعت ←

وسط بند سوم انگشت حلقه 

در مثلث بزرگ 

خط کشیده عمودی از کیوان به قلب برسد

شکستگی اعضاء ←

خط سر در زیر تپه کیوان شکسته و رویهم سوار شود



## شهو ترانی - عیاشی ←

۲ روی بند وسط انگشت شست

۳ روی وسط بند وسط انگشت شست - روی بند سوم

نشانه - روی بند اول انگشت کوچک

۴ در تپه ناهید

۵ در تپه ناهید - روی مفصل بند سوم انگشت کوچک -

در مثلث بزرگ - خطوط روشن در تپه ناهید

نشانه عمیق قرمز روی مفصل بند سوم انگشت کوچک

۶ روی تپه برجیس - در تپه ناهید

خط طولانی از تپه تیر کشیده بطرف ناهید

قرمز بودن خط قلب

خط قلب دو شاخه شود یکی بطرف خط سر و عمر دیگری

بطرف تپه برجیس بالا رود و خط سر هم دو شاخه شود که یکی

بطرف تپه ماه رود

نقاط قرمز و تیره ضخیم خط قلب

خطوط کوچک قطع شده در خط قلب

یک خط که پائین خط قلب شروع و به تپه بهرام منفی برسد

یک خط از تپه بهرام مثبت شروع و در محل ضربه دست خط قلب

را قطع و خط قرمز باشد

خط قلب در آخر چنگالی باشد

شاخه از انتهای خط عمر بطرف تپه ناهید رود

یک خط از شروع خط عمر بشکل نیمدایره به زاویه شست برسد

خط تقدیر از روی تپه ناهید با جزیره شروع شود

صدمه چشمی ←

۷ در تپه ناهید - در تپه ماه - روی خط سر

۸ در تپه ماه - نزدیک خط سر - وسط خط عمر

در انگشت سوم (ضعف چشم)

### صنعتگر ←

✂ روی بند اول انگشت حلقه - پائین تپه خورشید  
در تپه خورشید  
تلاقی خط تقدیر و شانس (موفقیت در صنعت)  
خط ثروت که از طرف خط سر شروع شود

### ضعف قلب ←

ناخن کوتاه و بدون مامک و بدون خط سلامتی قوی  
خط قلب فرورفته  
پیچ و خم در انتهای خط قلب  
✱ روی خط قلب  
✂ روی خط قلب  
خط سر کوتاه  
لکه آبی در خط عمر  
خط کبد متصل به خط عمر باشد

### طلاق ←

✂ روی بند دوم انگشت بزرگ  
خط ازدواج دو شاخه یا ضخیم و قرمز  
خط ازدواج در شروع چنگالی باشد (طلاق در اثر خیانت)  
نقطه روی خط ازدواج  
بطرف خط قلب برگردد  
اگر خط قلب به نزدیکی تپه سر نوشت که برسد سرازیر و نوک  
آن بسوی پائین کشیده شود

### علوم غریبه و حس ششم ←

✂ در تخته دست - در خط کبد  
در تپه ماه

خط قلب دور انگشت سیبانه دور بزند  
خط کبد که از ماه بطور قوس شروع و به تپه تیر صعود کند  
خط کبد در ابتدا با یکی از خطوط عمر یا تقدی یا ثروت تشکیل  
جزیره دهد

غرق شدن ←

— روی بند اول انگشت شست  
O روی بند وسط انگشت شست

مذهب ←

— روی مفصل اول شست (همراه با عصمت)  
\* بین بند اول و دوم انگشت نشانه  
خط عمودی در تپه تیر متصل به قلب  
خطوط کوچک از خط سر بطرف تپه برجیس بالا رود  
خطوط بلند بطرف انگشت سیبانه بالا رود

مرگ ناگهانی ←

oo در بند وسط انگشت شست (اعدام)  
خط مستقیم که از بند سوم برود در انگشت شست  
— روی بند اول انگشت شست (اعدام)  
o روی مفصل بند اول انگشت شست (اعدام)  
— روی تپه برجیس  
خط عمودی روی تپه برجیس که از روی خط قلب آمده باشد  
که خط سر و عمر را قطع کند

در مثلث بزرگ

خط سراسری که دو خط تخته دست را وصل کند  
خط عمودی در راستای شست  
خطوط زیاد تپه بهرام

۸ چسبیده به خط قلب در تپه بهرام  
 خط قلب در پائین با خط سر و عمر برخورد کند و در هر دو  
 دست یکی باشد یک خط از پائین شروع و بطرف انگشت نشانه  
 بالا رود و مفصل انگشت را قطع کند  
 خط کبد در صفحه بهرام با چنگال ختم شود  
 اگر خط قلب از زیر تپه سرنوشت به بعد آغاز شده و تا آنجا  
 نشانه و اثری از آن نباشد

#### مسافرت ←

✱ در تخته دست (مسافرت پرزحمت) - در تپه تیر  
 (مسافرت پرسود) در پائین تخته دست (مسافرت خارج) -  
 در خط قلب روبروی انگشت ازدواج  
 خطوط افقی تپه ماه (مسافرت دریائی)  
 ✱ خطر دریائی

✱ در تپه ماه - در تپه بهرام (مسافرت پرسود) - در اول  
 خط قلب (پیشرفت در مسافرت)  
 نقاط در خط سر (خطر در سفر)  
 خط دستبند روی تپه ماه خاتمه یابد  
 خطوط کوچک و کوتاه که از خط دستبند بطرف تپه ماه رود

#### مهربان ←

بزرگ بودن زاویه اعظم  
 ✱ روی تپه برجیس - در آخر خط قلب  
 وسیع بودن مساحت تخته دست  
 ✱ در تخته دست  
 خط کشیده افقی در تپه ماه  
 خطی که در ابتدای خط قلب شروع و تا ریشه انگشت کوچک بالا  
 رود (مردان)

ناتوانی جنس زن (عقیم) ←

\* روی مفصل بند سوم انگشت بزرگ - در تلاقی خط  
سر کبد - روی خط کبد در تلاقی با خط سر یا در انتها  
زیاد برجسته بودن تپه ناهید  
# در تپه ناهید

خط پیچ و تابدار بالا رونده بطرف تیر  
چنگالی بودن آخر خط سر  
چنگال در انتهای خط سر  
خط اول زیر تپه ها در وسط بطور قوس بالا رود

ناتوانی جنسی مرد ←

∩ زیر یا بالای خط قلب  
+ روی بند ۲ انگشت بزرگ  
خط کشیده افقی روی تپه برجیس  
∩ روی تخته دست  
زیاد برجسته بودن تپه ناهید

نادانی ←

شست کوتاه و زمخت و دستها گوشت آلود و خپل  
کم بودن وسعت تخته دست  
خطوط زیاد روی تخته دست  
خط سر پیچ و تابدار

هوش ←

خط کشیده از بند دوم بطرف بند سوم انگشت حلقه

\* روی بند انگشت کوچک  
 // روی بند سوم انگشت کوچک  
 ✘ روی بند سوم انگشت کوچک - یا در انتهای خط  
 زندگی و نزدیک مچ دست - بزرگ بودن زاویه اعظم  
 / روی تپہ تیر  
 اگر خط قلب از ابتدا دارای یک یا دو شاخہ است ولی بقیہ آن  
 صاف باشد

### شناخت خصائص از روی ظاهر

بلند ے مغرور - تنبل - راحت طلب - کند و شل - خوش خواب  
 جاق ے تنبل - شاد و بیخیال  
 کوتاہ ے موذی - سریع در کار و فعالیت - مسئولیت پذیر - با  
 ہوش  
 زیبا ے مغرور - راحت طلب - خود آرای  
 چہرہ مربع کئیدہ ے با ہوش - نیک اندیش - با ارادہ - شجاع  
 بیضی ے کم حوصلہ - عصبی - خوش ذوق - رفیق باز  
 گرد ے طبع ملایم و روحی سازگار - بی ثبات در کارها و  
 دوستی  
 سر بر حجم از پشت ے با ہوش - کنجکاو در کارها - با ارادہ  
 کم ے کم ہوش - ترسو - خسیس  
 کہ عقب و جلو آن برآمدہ ولی وسط آن فرورفتہ ے زرنک - با ارادہ  
 متناسب باہیکل ے دور اندیش - خوش فکر - با ہوش نسبی  
 فرورفتہ ے عصبی - کم ہوش  
 سر کہ از طرف پیشانی بزرگ ولی رفتہ رفتہ بشکل مخروط تا پائین (چانہ) ادامہ یابد ے  
 با ہوش  
 سر بزرگ ولی خوش ریخت ے نیکدلی - تعادل در فکر و زندگی  
 بسیار بزرگ ے کم ہوش - سر بہ ہوا - بیماری فکری  
 موی نرم ے طبیعت گرا - لطیف و حساس - علاقمند بہ علوم غریبہ

- سرخ ← با سخاوت - شجاع
- خرمائی ← خیال باف - پرهیزکار - پرحوصله - شجاع
- سیاه ← نیرو - خشکی
- فہرہ ای ← تعادل و آرامش
- طلائی ← ضعف جسمانی و ذہنی - شہوت ران - (اگر سبزچشم باشد باہوش)
- درہم پیچیدہ ← بی نظمی - صلابت
- چاہہ کوچک ← ناقص الخلقہ - کم ہوش - ضعف - حیلہ گر - ناپایدار درکارها
- گرد ← خوش بین - سستی - نسبتاً باہوش - مہربان
- بہن ← قدرت - سرعت
- درہم کشیدہ ← انفصال و ضعف
- بہن ← قدرت فیزیکی و جسمی - پرخور - تاجر پیشہ و مادی - باارادہ
- زاویہ دار و استخوانی ← مبارزہ گر
- جلو آمدہ ← جاہ طلب و بلند پرواز - خوش شانسی
- نوک آن بطرف بالا رفتہ باشد ← حریص - بدجنس
- بلند ← رفتار خوب - مہربان و دلسوز - پرحرف - کنجکاؤ - گامی حسود
- بسیار بہن ← کم ہوش - در زنان حیلہ گر
- لب گوشنالد و سفت ← مہر و محبت
- کلفت ← مہربانی - یگانگی
- ہر ۲ باریک ← فاقد محبت
- زیر آویختہ و لب بالا کلفت باشد ← پرخور - شہوت ران - حریص
- بالا و پائین فرورفتگی داشتہ باشد و در گوشہ های دو لب برآمدگی ظاہر گردد ←
- دلیر
- قویز بادہان متوسط ← اخلاق نیکو
- فاصلہ ۲ لب ہر چہ بیشتر باشد ← آرامش خاطر - خونسردی - سلامتی نفس

- ظریف ے دقت و ظرافت
- ضخیم ے پرخور
- پائین کثت و بالا نازک تر ے اشتباہات بسیار - ہوسران - خود بین
- حساس
- بالا کثت تر از پائین ے درستکار - خوش خو
- پائین بسیار جلو آمده تر از لب بالا ے خود خواه - ندانم کاری -
- ہوسباز
- ہم اندازہ بودن ۲ لب ے درستکار - با ثبات در زندگی
- هر ۲ بہن یا دہان گشاد ے کمی بدجنس - حسادت - نامہربانی - کم
- ہوشی
- هر ۲ کوچک یا دہان کوچک ے سادہ لوح - خود پسند - بیہودہ
- اندیش
- جمع و بہم نشدہ ے خود خواه - خشن - مقاوم
- بسیار باریک ے نامہربان - خسیس - ہوی پرست
- هر ۲ نامرتب و کج و بد قیافہ ے کم ہوش - بزدل - حسود - از خود
- راضی
- دہان گرد ے خسیس
- نیمہ باز ے ضعف ارادہ
- بینی بزرگ با سوراخہای باز ے پر حوصلہ و بردبار - مہربانی گاہی
- پرخور
- کوچک ے عقب ماندگی عقلی - انحراف بینی داشتن - حساس
- مہربان
- مستقیم و راست ے شاعر و ہنرمند - طبیعت گرا - مہربان - ثبات
- عقیدہ
- با برہ ہای دراز ے خیال باف - بلند ہمت - نیرومند
- برآمدہ ے مجادلہ کنندہ - خودخواہ - حکم ران
- فرورفتہ ے شخصیت تاثیر پذیر
- نوک آن بطرف دہان آمدہ ے نجابت - اصالت
- وسط آن تا پائین برآمدہ باشند ے پایداری - ثبات کار - نفوذ بر



## دیگران

- از وسط به چپ باراست کج شده - بد جنس - خسیس
- نوک سر بالا - تیز بین - محتاط - هشیار
- عقابی (برآمده) - گرانمایه
- بسیار نوک تیز - حيله گر - کوتاه فکر
- بسیار بهن و پرگوشت - پرخور - هوسران
- نوک فشرده و کوچک - جدیت - با اراده
- کوچک و زیبا - خوش جنس - خوش رفتار - حساس
- کوچک و کوفته ای - قانع - ساده - درستکار - کارکن
- چشم درشت - تیز بین و دوربین - با احساس - با انصاف - با غیرت

- بظرف بالا نگاه کند - چاپلوس - متملق
- چشم بظرف زیر نگاه کند - فروتن و متواضع
- بادامی - ضعف جسمی - خودخواه - خود شیرین - چاپلوسی

- روشن و شفاف - سردی - خیالبافی
- گود - فعالیت - تحرک - کنجکاو - هوسباز - خوردنما
- نزدیک بهم - خشمگین - زود خشم - خسیس - تاجر مسلک
- نیمه باز - حيله گر - دلال پیشه
- فاصله بیش از اندازه - ساده - درستکار - حساس
- ورقلمبیده - راحت طلب - سست در کار - ترسو
- با پلکهای برجسته و خوش حالت - با هوش - هنرمند - زودجوش - معاشرتی

- سفیدی آن بیش از مردمکهای توی چشم بزند - نترس - پریشان اندیش
- چپ (لوج) - ساده دل - فریب خور
- تنگ و بسیار گود - کم مایه - فضول - خسیس
- ابرو بهم پیوسته - حسود - کینه توز - دو بهم زن
- بشکل حرف ن - پرهیز کار - باهوش - با اراده - خوش جنس
- بهن و درشت که موهای آن بظرف بالا باشد - کم حوصله - کج خلق

- با فاصله زیاد ے شوخ طبع - خوش برخورد - صبور
- برہشت ے با ہوش
- راست و افقی ے با ارادہ - زنان با خلقت مردانگی
- بی نظم و کج ے خوی آتشین و زنندہ - زود خشم - عصبی
- انتہای آفتاب رو بہ بالا رفتہ ے پشتکار - شوخ
- کیونہ ے با ہوش
- بین ہریک کمی خالی باشد ے حیلہ گر - موزی
- نزدیک بہ چشم ے نامہربان - پرافادہ - کم حرف
- کم مو و کم ہشت ے بی ثبات - نا آرام و آشفته
- پیشانی چین دار با خطوط باریک ے نیکو کار و خیر - آسایش طلب
- دارای یک لخط ے بزرگ منش
- بہن ے روشنفکر - استعداد علوم سیاسی - با ارادہ - با ہوش
- کاملاً صاف ے بی احساس - بی خیال
- کوچک و باریک ے خسیس - بی احتیاط - کم ہوش
- ولی برجستہ ے زرنگ - با ارادہ
- پیشانی میان آن فرورفتہ و گرد باشد ے جاہ طلب - رودہ دراز
- بایک رگ کلفت آشکار کہ تا نزدیک ابوی راست کشیدہ باشد ے باہوش - تاجر پیشہ
- با خطوط عمودی ے با ارادہ زیاد
- افقی بایک سمت فرورفتہ از سمت دیگر ے موہوم پرست - ظاہر بین - نداشتن عقل معاش
- گوش درشت ے قدرت شنوائی بالا - نیکو کار - پرهیزکار - نیروی زندگی
- کوچک ے ظرافت - برتری - ہوشمندی - مہربانی
- گرد و خوش ریخت ے باہوش - ہنرمند - نجیب
- کلفت و زشت ے اشتباہ کار - کم ہوش
- دارای نوک بالا تیز ے زود جوش و معاشرتی - شوخ طبع
- باکنارہ های غضروفی دندانہ دارو ناصاف ے سستی در کار - بی ثبات
- لبہ غضروفی جلو آمدہ و بیش از اندازہ از سر و کلہ فاصلہ دارد ے حیلہ گر -

## یکدنده

- \* بسیار کوچک و زیبا ے باهوش - خوش جنس - مهربان - حساس
- \* نرمه آن گوشه‌تالو و ضخیم ے راحت طلب - قانع - کم فہم - دهن بین
- \* بسیار بزرگ ے سادہ دل - کند ذہن - قانع - زحمتکش
- \* بسیار پائین تر قرار دارند ے دلیر - گستاخ
- \* بسیار بالاتر قرار دارند ے بی شرم - وحشی صفت - باهوش
- \* گودی آن زیاد ولی خوش ریخت است ے هنرمند
- \* نرمه پیش از حد بہن ولی زیبا ے دلسوز - مهربان - شوخ - نیک

## سیرت

- \* بہ غضرونی آن را از سر و کله فاصلہ ندارد ے یکدندہ و خودسر - خودپرست

- \* نرمه گرد و متناسب و نجسیدہ بہ سر باشد ے اعتماد بنفس - متفکر
- \* کنارہ بسیار باریک ے و سواسی - خوشبخت نسبی
- \* کنارہ بسیار ضخیم ے زودباور - هوسران - خشن
- \* کنارہ خوش ریخت و متناسب بالہ برگشتہ و فرمز ے حساس - هنرمند - منظم

- \* دراز ے ہتاکی ناموس - بدجنس

- \* گردن کلفت ے شجاعت - پرخوری و آسودہ خواہی
- \* گونه چاق ے آرامش - هوسبازی - پرخوری - از خودراضی
- \* گود ے خشونت - کوشا - ناتوانی مزاج
- \* یکی از دیگری برآمدہ تر ے ظاہر سازی - پیمان شکنی - بی ثباتی
- \* صاف ے دوست داشتنی - باهوش - معاشرتی
- \* برآمدہ در سمت نزدیک گوش ے سودخواہ - خودخواہ

## شناخت بیماریها از روی کف دست

### دستهای شما

اسرار سلامتی شما را آشکار می سازند

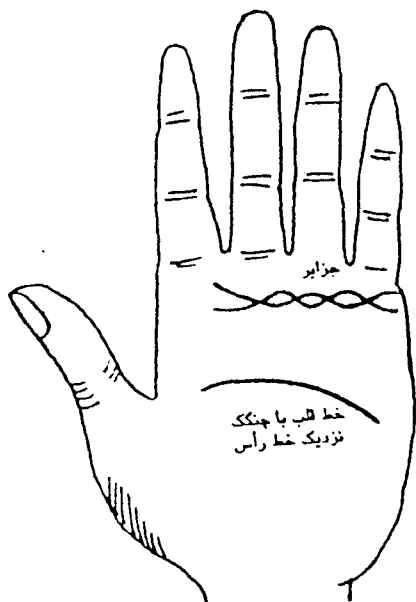
دست چپ « تمام رموز خصوصیات سرشت ما را در بردارد و

برای کسی که بتواند آنرا بشناسد نه تنها می تواند تمام امراضی که ما از آنها رنج می بریم در آن ببیند بلکه خطوط آن نماینده امراضی می باشند که ما را تهدید می کنند.»

بدین ترتیب « با آزمایش دست یک کودک می توان او را از خطر مرض نجات داد و تا حد امکان در علاج او کوشید و خطراتی را که برای او در بردارد از بین برد.»

سه خطر بزرگ:

ناخنها از نظر سلامتی واجد اهمیت شایانی می باشند و بسیاری از امراض رشد طبیعی ناخنها را متوقف می سازند (۱۴۰ روز برای روش مجدد ناخن شست - ۱۲۴ روز برای ناخن انگشت سبابه - انگشت میانه و انگشت چهارم - ۱۲۱ روز برای انگشت کوچک).

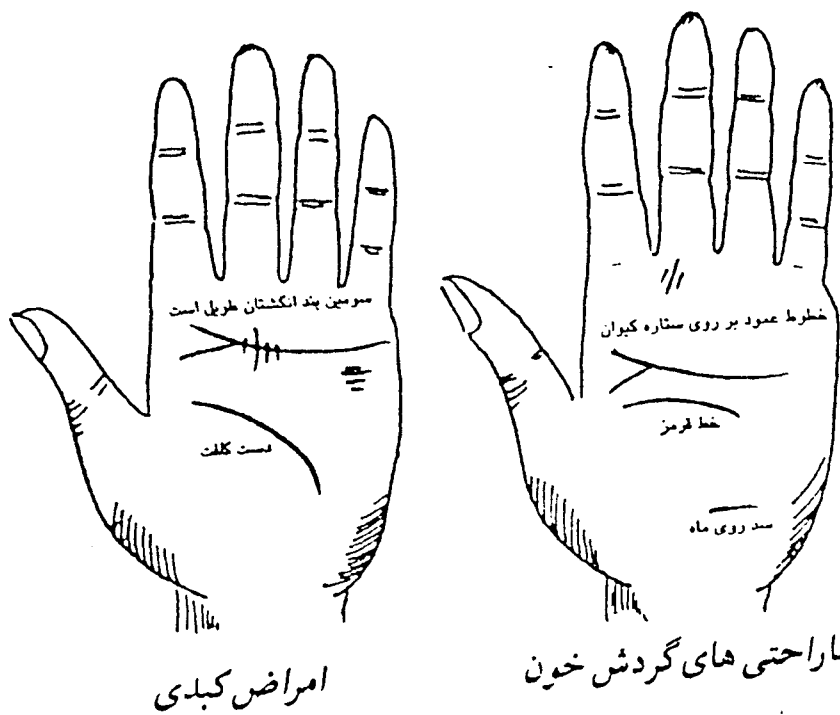


مرض آستم

دگرگونی و بدکاری کبد  
رشد ناخن انگشت سبابه را  
متوقف می سازد و تب روده  
رشد ناخن انگشت میانی را  
متوقف می سازد  
و برنشیت یا ناخوشی سینه  
رشد ناخن انگشت سبابه را  
متوقف می سازد و مختصر  
تفسیری در شکل انگشت  
میدهد.

افراد عصبانی دارای ناخنهای پهن - صاف و یا برآمدۀ معکوس می باشند که مربع شکل بوده و نسبت پهنای عرضی آنها از طولشان زیادتر است.

چنانچه قسمت سفید بن ناخنها آشکار نباشد از سلامت کامل برخوردار نیست و اگر این سفیدی در شست ناپیدا باشد سلامتی دچار اختلال شدید است .  
 بزرگ شدن ناخن همیشه علامت فقدان نیروی حیاتی است .  
 ناخنی که کلفت و جمع و جور میشود و حالت شکنندگی دارد علامت یک عصبانیت شدید است وقتی که ناخن شست خطوط عمود دارد جریان عادی نیست .



نبودن خطوط در دست علامت کم بودن طول عمر است و خطوط کامل قرمز در دست مربوط به امراض خون است . خطوط زرد علامت امراض صفرائی است . مثلاً بعلت مرض کبد خط قلب (Coeur) زرد می گردد از میان خطوط دست خط زندگی کاملاً از نظر سلامتی قابل توجه است .  
 خط زندگی در دستی که کاملاً آن خط بریده بریده باشد و پیوستگی میان بریدگیهای آن نباشد نشانه یک ناراحتی شدید است و اگر بریدگی در هر دو دست بصورت دو قسمت غیر

موازی باشد خطر مرگ است و اگر قطعات و بریدگیها بصورت موازی باشند نماینده یک ناراحتی در گذشته و بهتر است گفته شود در زمینه اخلاق بوده است .

یک خط کوتاه در دست علامت ناراحتی شدید و ضعیف نیروی حیاتی است چنانچه در روی خط زندگی شکل صلیب واضحی باشد و در دو دست هم باشد علامت یک مرض کشنده است و در صورتیکه روی یکدست باشد نشانه یک ناراحتی شدید است . یک نقطه سفید روی خط زندگی دگرگونی هائی در مسیر این چشم پیش بینی می کند (دید ناقص) چنانچه یک نقطه سیاه باشد علامت تب تیفوئید است .

خط رأس نیز دارای اهمیت زیاد است چنانچه در مسیر این خط صلیب آشکاری دیده شود که بطور جداگانه باشد باید از یک خطر بزرگ بیم داشت .

چنانچه شکل ستاره ای در انتهای خط رأس هنگامی که این خط متمایل و منحرف به خط برجستگی ماد می گردد مشاهده می شود این نشانه دیوانگی و ناراحتیهای مغزی می باشد و شکل جزیره ای در روی این خط نیز نشانه ناراحتیهای دماغی است . در صورتی که روی خط رأس بریدگیهایی باشد خطر مرگ نیست و چنانچه بریدگی بر روی آن باشد علامت شکستگی عضوی از بدن است . اگر خط رأس کاملاً به خط زندگی نرسد پیوسته ناراحتی های بصری وجود دارد .

چنانچه خط دل بصورت چنگک باشد علامت بدکاری گردش خون است .

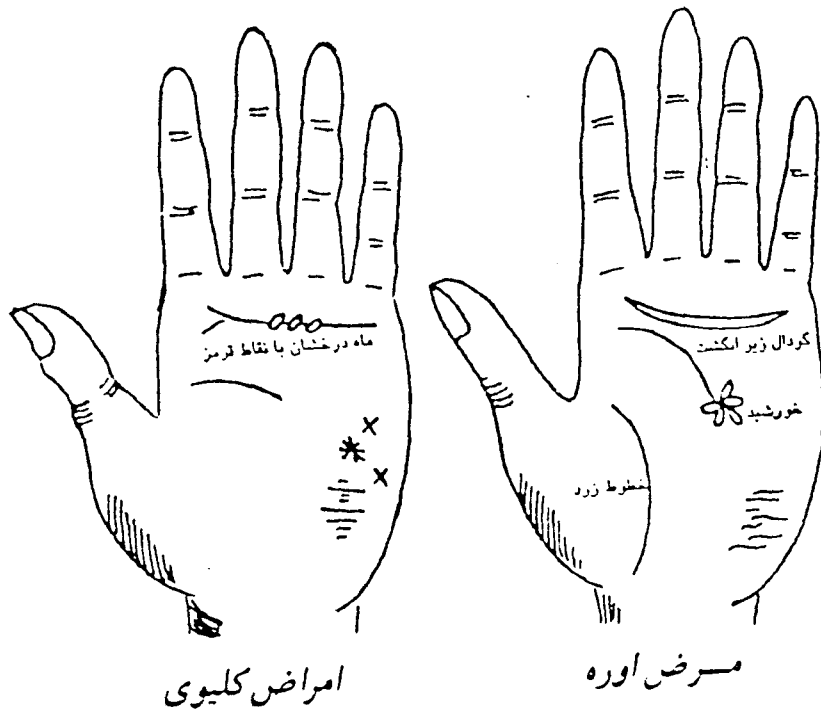
وقتیکه خط دل روی برجستگی (ستاره ای کیوان) متوقف می شود علامت مرگ است که شدت آن به تسلسل امراضی که در دست نشان داده شده بستگی دارد .

چنانچه خط دل قطع شده باشد علامت کمبود امراض قلبی است و این وضع در صورتیکه بدون بریدگی در خط دل باشد نیز صادق است ضربان و تپش قلب ترجمان خطوط کوتاه و موازی

دسته‌های کلفت - کوتاه - پهن - قرمز و متورم و پف کرده دلیل ناراحتیهای گردش خون است.

امراض کبد: (شکل ۳)

بند انگشت سیب‌بانه که روی آن ناخن است از قسمت جلو مسطح است و ناخن ندارد و سومین بند انگشتها کلفت هستند و دست نسبتاً گرد است و خط دل زرد و چنگکی است (از زیاد خون در کبد)



مرض قند: (شکل ۴)

خطوط رنگ پریده زرد هستند و حلقه (ونوس) ظاهر می‌گردد و در خط زندگی در رأس با جزایری بهم می‌پیوندند. خط دل چنگک دار است. ناخنها شکننده و خشک هستند و پوست هم خشک است شست صاف است.

امراض معدی:

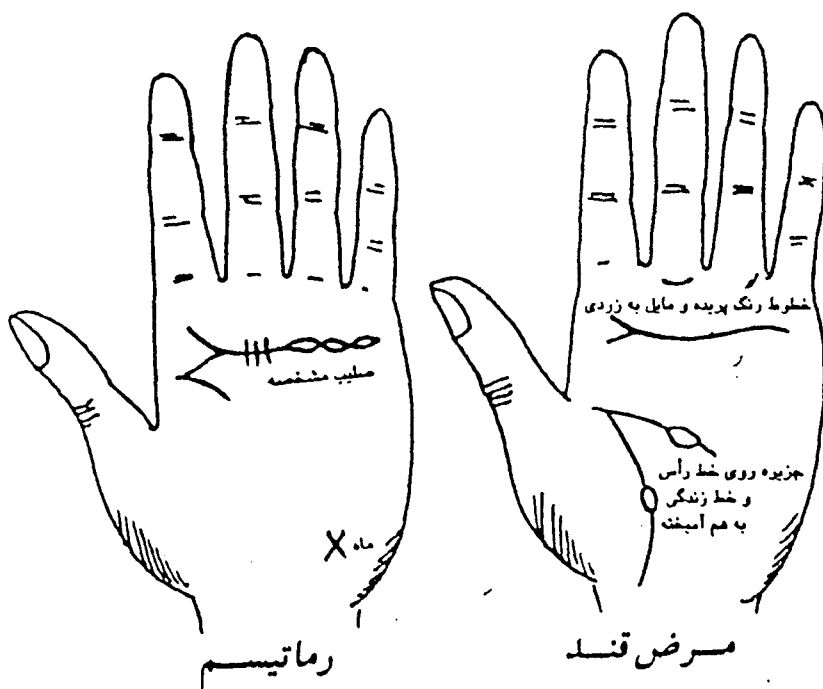
دست کلفت و انگشتان منجم هستند. گاهی اوقات دست دراز و باریک همراه با کره هائی در انگشتان است. خطوط از پوسته های سفیدی پوشیده شده اند. و پهنه دارای رنگ آبی است خطوط بصورت چنگک است وسیله خطوط عمودی نزدیک

هستند که خط قلب را قطع می کنند لکه های آبی نزدیک فاصله میان دو خط رأس و زندگی نمودار مسمومیت خون و امراض مربوط به جذب غذا و تغذیه و امراض روده است.

### پیشگیری مرض

اینک علائمی که امکان امراض را معرفی می نماید:  
 آستم: دست کلفت با خط دل بصورت چنگک با جزایر. دو خط رأس و دل بهم نزدیک می شوند ناخنهای کوتاه و اغلب با پوسته های سفید علامت عصبانیت است.  
 ناراحتیهای گردش خون (شکل ۲)

خطوط قرمز میباشند وسیع و گود هستند. خط دل چنگک دار است و خط رأس متمایل می گردد. خطوط عمودی بر روی ستاره کیوان و اغلب بزرگ که سدی بطور افقی برای (ماد) هستند.





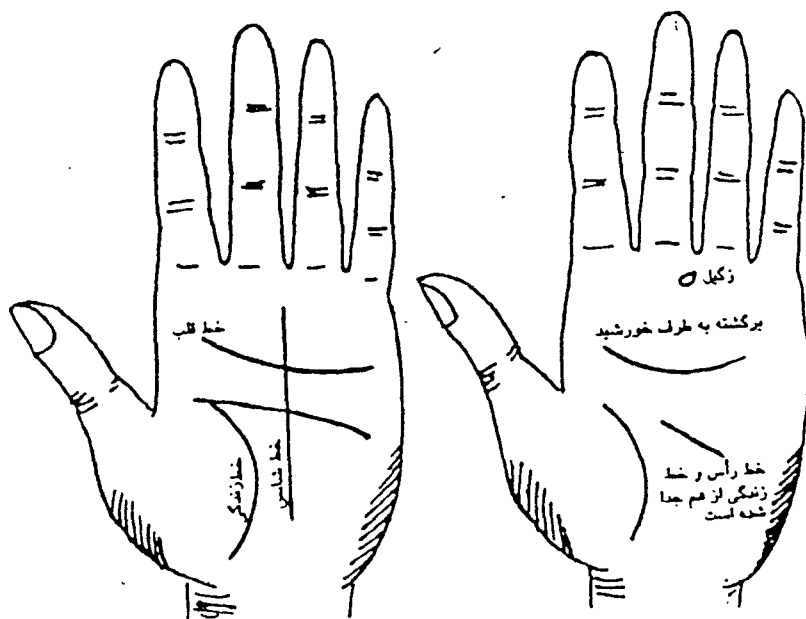
(ستاره کیوان) قطع می شود.

ضعف اعصاب:

شست مدور و معمولا کوتاه است - خط رأس بد شکل بوده و علت آنهم مربوط به دانه ها و جزایر است. برجستگی (ستاره کیوان) راه راه است. انگشتها دراز. ناخنها کوتاه. خطوط سطحی یا ظریف هستند خطوط متعدد و بدون جهت مشخص هستند.

روماتیسم: (شکل ۵)

خط چنگک دار است و دارای نقاط و جزایر خطوط عمودی است و بر روی (ستاره کیوان) بسمت خط رأس منطبق می گردد (علامت مرگ شدید) ستاره یا صلیب بر روی پهنه.



دست اشخاص با هوش      امراض چشمی

چنانچه سه خط اصلی (زندگی - رأس و دل) بسوی هم کشیده شده اند صاحب آن باید از منزلت شدید و غشاء داخلی قلب بیم داشته باشد - در این حالت سومین بند انگشت ها خیلی دراز است.

امراض کلیوی: (شکل ۷)

خطوط قرمز مایل بزرزد میباشند. خط دل بصورت چنگک و همراه با نقاط قرمز است و پهنه (ستاره کیوان) راه راه است.

اغلب روی خط رأس نزدیک خط زندگی جزایر آبی مایل به مشکی است دستها نسبتاً باد کرده و پوست کمی خشک و رنگ پریده است.

مرض سل:

خط دل بصورت چنگک است و حلقه و نوس و خط رأس و زندگی بهم نزدیک بوده و همراه با جزیره می باشند. خطوط قرمز رنگ و ناخن‌ها منحنی دار هستند یک خط عرضی از خط زندگی به پهنه (ستاره کیوان) می رود و یک صلیب بزرگ بر روی این پهنه علامت سینه پهلو می باشند در سل کهنه و مزمن خط زندگی پوشیده از یک سری جزایر است.

امراض بصری: (شکل ۸)

خط رأس بخط زندگی نمیرسد و این خط از هم بطور وضوح جدا هستند (اینها علامت یک مرض عضوی است) یک گودی. یک ستاره مفصل قسمت (خورشید) با کف دستی که علامت خط زخمی شدن چشمهاست - و اگر این علامت همراه با یک نقطه سفید نسبتاً گود در روی خط زندگی باشد علامت این است که صاحب آن یک چشم خود را از دست می دهد و گاهی هر دو چشمهایش را یک چاله شبیه به ناف متمایل به قسمت پهنه (خورشید) علامت قطعی کوری است. این گودی ممکن است با خط دل در روی انگشت (خورشید) و یا در خط رأس در همان محل برخورد کند.

دست افراد باهوش: (شکل ۹)

۱ - تمام خطوط اصلی در دست می باشند ۲ - آنها واضح و کشیده می باشند ۳ - خط رأس فاقد هر گونه علامتی است ۴ - فاصله میان خط دل تا انگشت مربوط به حلقه (چهارم) تقریباً یک دوم طول کف دست است ۵ - ابتدای دو خط رأس و زندگی بهم چسبیده اند ۶ - دومین بند انگشت شست از قسمت اول کشیده تر است ۷ - انتهای شست باید باندازه یک سانتیمتر از پائین انگشت سبابه بیشتر و درازتر باشد.

# کف‌شناسی پزشکی

## Medical Palmistry



کف‌شناس بنامهای دکتر ژوئل لیب مان و دکتر شارلت ولف با آغاز یک کار تحقیقاتی وسیع در ۸۰ بیمارستان و درمانگاه کف‌شناسی پزشکی را بعنوان علمی مستقل پایه‌گذاری کردند. البته بسیاری از نکات جالب کف‌شناسی پزشکی را پزشکان بخصوص متخصصان پوست و داخلی می‌دانند و با نگاه به ناخنها، رنگ دست، فرم دست و بافت دست نکاتی را تشخیص می‌دهند ولی این تشخیص در مقابل کف‌شناسی پزشکی قطره‌ای در برابر ریاست. برای روشنایی مطلب به بررسی چند نمونه کارهای این علم می‌پردازیم:

### الف - ارتباط کف‌شناسی و چاکراها

هر چاکراه در دست نقش ویژه‌ای دارد که به شرح زیر است:

۱- انگشت زهره (شست) و تپه زهره (برآمدگی زیرشست) نشانه عملکرد چاکرای سواد هیستاتا (خاجی) می‌باشد.

۲- انگشت مشتری (انگشت اشاره) و تپه مشتری (برآمدگی زیراشاره) نشانگر عملکرد چاکرای ویشودهی (کلویی)

هنر کف‌شناسی و آنالیز دست که در گذشته خرافات تلقی می‌شد امروزه با داشتن بیش از ۴۲ دانشگاه و تعداد زیادی مراکز تحقیقاتی و کلینیک کف‌شناسی می‌تواند خود را علم بیانیگارد. کف‌شناسی پزشکی یا درماتوگلیفیکس امروزه کارایی بسیار بالای خود را در بررسی سلامتی و اعضاء در طول زمان عمر اثبات کرده است در واقع هیچ روش تشخیصی بجز کف‌شناسی پزشکی نمی‌تواند سلامتی را در طول عمر از قبل تولد تا مرگ بررسی کند و علاوه بر آن توصیه‌های درمانی کند. مباحث پزشکی در کف‌شناسی سابقه‌ای به اندازه طول عمر کف‌شناسی دارد. برای مثال در Chirognumy (علم شناخت طرح کلی دست) رنگ دست، ناخنها، انگشتان، پستی و بلندی کف دست تپه‌ها، بافت، انعطاف و اندازه دست که هر تپه و هر انگشت وابسته به عضو خاصی داشته و رنگ دست و فرم ناخنها نیز اطلاعات دقیقی در اختیار ما قرار می‌دهند یا در Chiromancy (علم شناخت خطوط و علایم دست) تمام خطوط بخصوص چهار خط عمر، سر، سلامتی و قلب سخنان زیادی برای گفتن دارند. در سال ۱۹۲۶ دو پزشک و

می‌باشد.

۲- انگشت زحل (انگشت وسط) و تپه زحل (برآمدگی زیروسط) نشانگر عملکرد چاکرای مانی پورا (نافی) می‌باشد.

۴- انگشت خورشید (انگشت حلقه) و تپه خورشید (برآمدگی زیرحلقه) نشانگر عملکرد چاکرای آجنا (پیشانی) می‌باشد.

۵- انگشت عطارد (کوچک) و تپه عطارد (برآمدگی زیرکوچک) نشانگر عملکرد چاکرای آناهاتا (قلبی) می‌باشد.

۶- تخته دست (وسط دست) نشانگر عملکرد چاکرای ساهاسرارا (تاج) می‌باشد.

۷- خطوط مچ‌بند (واقع بر روی مچ) نشانگر عملکرد چاکرای مولدهارا (ریشه) می‌باشد.

با بررسی طول هر انگشت، انحناء، اندازه و فرم بندها و همین‌طور تپه‌ها می‌توان چاکراها را در هر پره به دقت بررسی کرد و بعد با تحریک این محل‌ها تحریک خاصی جهت بهبود و فعال‌سازی چاکرا ابداع کرد همین‌طور با دقت به گزگز یا تحریک انگشتان و دست می‌توان پی به اختلالات چاکراها برد.

### ب - ارتباط انگشتان با سلامتی

۱- مشتری: مشتری کج و خمیده نشانگر

ناراحتی تنفسی است و انگشت مشتری کوتاه و تیره نشان از بیماری پرونشکتازی دارد.

۲- زحل: مربوط به امعاء و احشاء شکم می شود اگر دراز باشد نشانه مالیخولیا است تغییر شکل بند ناخن آن نشانه اختلال در کبد است و اگر کج و خمیده باشد نشانه افسردگی است.

۳- خورشید: نشانه اختلالات چشم و اعصاب جلوی پیشانی است اگر رویش علامت دایره باشد احتمالاً نشانگر کوری است.

۴- عطارد: اگر کج باشد نشانه مشکلات غدد جنسی است و اگر کوتاه باشد نشانه اختلال در گویایی است.

۵- شست: طول آن نشانگر قدرت مغز است در دیوانگان شست کوتاه و خمیده است وجود علامت شبکه روی بند وسط شست در مردان نشانه بیماری پروستات است.

همینطور در مورد فرم است اگر دست سفید، شکل انگشتان سوسیس مانند، نوک آنها کوتاه و مخروطی، انگشت عطارد نوک تیره و کل دست کوچک چاق و پهن نشانه اختلال و کم کاری غده تیروئید است و برعکس شخصی دارای انگشتان استخوانی لاغر و دراز با نوک کفگیری مبتلا به غده تیروئید پرکار است.

### ج - ارتباط ناخنها با سلامتی

۱- ناخن دراز و باریک با شیارهای منحنی نشانه بیماری سل است.

۲- ناخنها با شیار دراز، باریک و صاف استعداد ابتلای شخص به کولیت است.

۳- ناخن با شیار دراز، پهن و منحنی علامت بیماری روماتیسم است.

۴- ناخنهای فاقد درخشش علامت خستگی عصبی است.

۵- ناخن باریک و آبی نشانه ضعف در سیستم گردش خون است.

۶- ناخن باریک، کوتاه و برجسته نشانگر ضعف نخاعی است.

۷- ناخن پهن استعداد ابتلا به بیماری قلبی

است که اگر انتهای آن آبی باشد سوژه مبتلا شده است.

۸- ناخنهایی که کوچک یا بزرگ شوند، نرم و کوتاه شده و مقعر و قاشقی شوند نشانه بیماری سیفلیس است.

### د- ارتباط خط عمر با سلامتی

۱- خط پایین رونده از تپه زحل به خط عمر، نشانگر عارضه دندان است.

۲- خط پایین رونده از تپه مشتری به خط عمر، نشانگر عوارض ریه و سینه است.

۳- خط پایین رونده از تپه خورشید به خط عمر، علامت عارضه چشمی است.

۴- خط پایین رونده از تپه عطارد به خط عمر، نشانگر عوارض صفراوی است.

مقوله کف شناسی پزشکی بسیار مفصل و پرمطلب است که ما در این جا مجال پرداخت به ارزیابی آن را داشتیم. با کمک این علم می توان طول عمر سوژه و نوع مرگ او و بیماریهایی که در طول حیات مبتلا می شوند را مشخص کرد. نتایج تحقیقات و همکاری بین هومیوپاتها و کف شناسان آشکار کرد که یک هومیوپات بدون دیدن مریض و فقط با اختیار داشتن تصویر دست او پس از حداکثر ۴۰ دقیقه صرف وقت می تواند داری بیمار را به دقت مشخص کند در واقع برای هر علامتی روی دست روبریک هایی استخراج و دسته بندی شده است. یا در ارتباط با طب سوزنی از روی دست می توان به دقت وضعیت نصف النهارها را بررسی کرد یا از روی کف دست می توان گیاهان و رنگهایی خاص برای شفاگری استخراج کرد که اکنون جدولی وجود دارد که ارتباط هر وضعیت دست با گیاهان شفاگر و رنگها در آن مشخص شده است. اما مهمترین فرآورد کف شناسی پزشکی را می توان این دانست که به ما می گوید کدام روش برای درمان بیمار مناسب تر است که این مقوله باید در درمانهای طبیعی بسیار مورد توجه قرار گیرد. بهر حال کف شناسی پزشکی راهی کهن با لباسی نو است که می تواند پایه خوبی برای قسمت تشخیص و ارزیابی یک درمان جامع کل نگر باشد.